



۱۶ جوزا ۱۳۸۱

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان



برسے میزان تطبیق کنوانسیون
منع هر نوع تبعیض نژادى
در افغانستان ۱۳۹۷

بنام خداوند آزاد و برابر

تحقیق

بررسی میزان تطبیق کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی در افغانستان

۱۳۹۷



شناسنامه

عنوان: بررسی میزان تطبیق کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی در افغانستان

ناشر: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

تاریخ نشر: ۱۳۹۷

آدرس: کابل، ناحیه ۶، جاده فیض محمد کاتب، (بین وزارت احیاء و انکشاف دهات و اداره عالی تفتیش)
دفتر مرکزی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

آدرس الکترونیکی: aihrc@aihrc.org.af

سایت اینترنتی: www.aihrc.org.af

فهرست

پیام مقام محترم ریاست کمیسیون ۱

خلاصه گزارش ۲

فصل اول: کلیات و مفاهیم ۸

مقدمه ۸

مأموریت کمیسیون ۹

اهداف تحقیق ۹

مفاهیم ۱۰

تعریف ۱۰

الف: تمایز ۱۰

ب: ممنوعیت ۱۱

ج: محدودیت ۱۱

د: رجحانیت ۱۱

فصل دوم: روش شناسی ۱۲

روش شناسی تحقیق ۱۲

الف: تحلیل مفاهیم ۱۲

ب: شناسایی متغیرها ۱۲

ج: جمع آوری اطلاعات و داده‌ها ۱۲

د: فوکس گروپ ۱۳

ه: جمعیت نمونه ۱۳

و: دسته‌بندی و تحلیل اطلاعات ۱۳

ز: مراحل اجراء ۱۳

۱۳	ولایت‌های تحت پوشش
۱۵	معلومات شخصی جمعیت نمونه
۱۵	الف: جنسیت
۱۵	ب: سن
۱۵	ج: حالت مدنی
۱۵	د: حالت جسمی
۱۶	ه: شغل
۱۶	و: درجه تحصیل
۱۶	ز: محل زندگی (قریه/شهر)
۱۸	اشتراک کنندگان فوکس گروپ
۱۸	چالش‌های فرا راه تحقیق و درس‌های که از آن آموخته شد
۱۸	۱. چالش امنیتی
۱۸	۲. چالش فرهنگی
۱۹	۳. چالش ساختاری
۲۰	فصل سوم: دموگرافی افغانستان
۲۰	دموگرافی یا جمعیت‌شناسی افغانستان
۲۰	الف: اقوام ساکن در افغانستان
۲۱	ب: مذاهب موجود در افغانستان
۲۱	ج: زبان‌های رایج در افغانستان
۲۲	فصل چهارم: مبانی حقوقی یا چارچوب نظری
۲۲	مبانی حقوقی حمایت از برابری و منع تبعیض نژادی
۲۲	الف: اسناد بین‌المللی
۲۲	۱: منشور سازمان ملل متحد
۲۳	۲: اعلامیه جهانی حقوق بشر
۲۳	۳: میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی
۲۳	۴: میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
۲۳	۵: کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی
۲۴	۶: اعلامیه درباره محو همه اشکال تعصب و تبعیض مبتنی بر دین یا اعتقاد
۲۵	۷: اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی یا زبانی
۲۵	تعهدات دولت‌های عضو کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی
۲۵	۱: تعهد به شناسایی و تعریف؛
۲۵	۲: تعهد به تقبیح و احترام؛
۲۵	۳: تعهد به حمایت‌های حقوقی؛
۲۵	۴: تعهد به حفظ وحدت ملی و عدم تفکیک شهروندان؛
۲۶	۵: تعهد به آموزش و توسعه آگاهی عامه؛
۲۶	ب: قوانین ملی
۲۶	گروه اول: قوانین حمایتی
۲۶	۱: قانون اساسی افغانستان
۲۷	۲: قانون کار افغانستان
۲۷	۳: قانون کارکنان خدمات ملکی افغانستان
۲۷	۴: قانون اجراءات اداری افغانستان
۲۷	۵: قانون معارف
۲۷	۶: مسوده قانون منع تبعیض
۲۸	گروه دوم: قوانین جزایی
۲۸	۱: کد جزای افغانستان
۲۹	۲: قانون منع شکنجه

۳۰	فصل پنجم: ساختارهای حمایتی
۳۰	ساختارهای حمایتی
۳۰	الف: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان
۳۰	ب: اداره حمایت حقوق بشر
۳۱	ج: کمیته اجرایی اهداف انکشاف پایدار (SDGs)
۳۲	فصل ششم: تحلیل محتوای معلومات
۳۲	تحلیل محتوای معلومات به دست آمده از جلسات فوکس گروپ
۳۲	الف: چالش‌های حقوقی منع تبعیض نژادی در افغانستان
۳۲	۱: قانون اساسی
۳۳	۲: کد جزای افغانستان
۳۳	۳: طرح سهمیه‌بندی کانکور
۳۳	ب: دسترسی به حقوق و آزادی‌های اساسی
۳۴	ج: چالش‌های دسترسی به حقوق و آزادی‌های اساسی
۳۴	۱: تبعیض در توزیع تذکره تابعیت
۳۵	۲: تبعیض در استخدام و محیط کار
۳۶	۳: تبعیض در برنامه‌های انکشافی و زیربنایی
۳۷	د: کارنامه دولت در رسیدگی به قضایای تبعیض نژادی
۳۸	ه: کارنامه دولت در زمینه توسعه آگاهی عامه
۳۹	فصل هفتم: تحلیل داده‌های آماری
۳۹	تحلیل داده‌های آماری
۳۹	الف: تبعیض نژادی در افغانستان
۴۰	۱: تبعیض نژادی بر اساس وابستگی‌های قومی
۴۱	۲: تبعیض نژادی بر اساس وابستگی‌های دینی- مذهبی
۴۲	۳: تبعیض نژادی بر اساس وابستگی‌های زبانی
۴۳	ب: پیامدهای تبعیض نژادی در افغانستان
۴۳	۱: نقض حق شرکت در انتخابات
۴۳	۲: نقض حق کار و حقوق مربوط به آن
۴۴	الف: تبعیض نژادی در استخدام کارکنان
۴۴	ب: انفکاک کارکنان به دلیل تبعیض نژادی
۴۴	ج: تبعیض نژادی در ترفیع کارکنان
۴۵	د: محرومیت کارکنان از امتیازات مالی به دلیل تبعیض نژادی
۴۵	۳: نقض حق دسترسی به عدالت به دلیل تبعیض نژادی
۴۶	۴: نقض حق مالکیت و تجارت به دلیل تبعیض نژادی
۴۶	۵: نقض حق دسترسی به خدمات صحتی به دلیل تبعیض نژادی
۴۷	۶: نقض حق دسترسی به آموزش و تحصیلات عالی به دلیل تبعیض نژادی
۴۸	۷: نقض حق اشتراک در محافل و اجتماعات فرهنگی و مذهبی
۴۸	۸: نفاق افگنی
۴۹	۹: دادخواهی
۵۰	۱۰: رسیدگی به شکایت‌ها
۵۱	نتیجه‌گیری
۵۲	پیشنهادها
۵۳	فهرست منابع
۵۴	ضمیمه: خاطره‌های برخی از قربانیان تبعیض نژادی در افغانستان



پیام مقام محترم ریاست کمیسیون

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان همواره تلاش نموده است تا بر اساس ماده ۵۸ قانون اساسی از وضعیت حقوق بشر در سطح کشور، نظارت به عمل آورده و نتایج به دست آمده از آن را ضمن گزارش‌های خاصی به نشر برساند. علاوه بر این کمیسیون سعی نموده است تا تحقیقات جداگانه و مشخصی را روی مهم‌ترین موضوعات مربوط به حقوق بشر در سطح ملی راه‌اندازی نموده و ضمن بررسی وضعیت و دریافت چالش‌های مربوط به موضوع تحقیق، پیشنهادهای مشخصی را نیز به هدف رفع چالش‌ها به آدرس دولت و جامعه جهانی مطرح نماید.

این بار کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان با درک اهمیت موضوع تبعیض نژادی در کشور، چالش‌های مبارزه با این پدیده ناگوار ملی و پیامدهای ناشی از آن و نیز با توجه به مسؤلیت دولت افغانستان در قبال کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی، علاوه بر اینکه دولت افغانستان را تشویق به گزارش دهی از میزان تطبیق کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی به سازمان ملل متحد نموده است، تلاشی تازه را به هدف تهیه این گزارش با عنوان «بررسی میزان تطبیق کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی در افغانستان» آغاز نمود که اینک به پاس تلاش‌های همه‌جانبه همکاران ما در دفاتر ساحوی، ولایتی و دفتر مرکزی کمیسیون تکمیل گردیده و به نشر سپرده می‌شود.

اذعان می‌دارم که تبعیض نژادی در افغانستان یکی از مهم‌ترین چالش‌های زندگی اجتماعی بوده و در کنار سایر عوامل، ریشه خیلی از مشکلات کنونی از جمله ناامنی و جنگ به شمار می‌رود؛ بنابراین کار در زمینه منع تبعیض نژادی و دریافت چالش‌ها و ارائه پیشنهادهای مفید به هدف رفع چالش‌های موجود، از مهم‌ترین گام‌های است که باید برای رسیدن به جامعه امن و عاری از تبعیض برداشته شود.

برای تکمیل این تحقیق که نزدیک به ۴ ماه زمان را در بر گرفت، همکاران کمیسیون به ولایت‌ها و ولسوالی‌های مختلف کشور با قبول خطرات و مشکلات زیاد سفر نموده و معلومات مورد نیاز این تحقیق را از طریق برگزاری جلسات فوکس‌گروپ و مصاحبه با مردم کشور، جمع‌آوری نمودند؛ بنابراین از تمامی آن‌ها قدردانی نموده و از خدای بزرگ برای همه آنان توفیق مزید آرزو دارم. همچنین از نهادهای امنیتی و دفاعی کشور که در زمینه تأمین امنیت همکاران کمیسیون در ولایت‌ها و ولسوالی‌های کشور، مثل همیشه همکاری نموده‌اند، سپاسگزاری می‌کنم.

از مردم عزیز افغانستان نیز به‌خصوص کسانی که در ارائه معلومات به همکاران کمیسیون سهم داشتند به پاس همکاری‌های صمیمانه آنان در تکمیل این تحقیق سپاسگزاری نموده و آرزو می‌کنم تا از این به بعد هیچ هم‌وطن ما شاهد تبعیض نژادی در کشور نبوده و تمام مردم افغانستان به زندگی آرام، صلح‌آمیز و رو به انکشاف، دست‌یافته از دسترسی به حقوق برابر مطمئن باشند.

داکتر سیما سمر

رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

خلاصه گزارش

تبعیض نژادی در افغانستان با توجه به تعدد اقوام، مذاهب و زبان‌های رایج در این کشور، یکی از نگرانی‌های جدی در برابر ثبات و امنیت سراسری بوده و همواره پرسش‌های متعددی را در اذهان عامه نسبت به رویکردها و برنامه‌های دولت ایجاد نموده و سبب نقض حقوق و آزادی‌های اساسی برخی از شهروندان کشور گردیده است.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان با توجه به مسئولیت‌های قانونی خویش در زمینه نظارت بر وضعیت حقوق بشر به هدف دریافت چالش‌ها و مشکلات مربوط به آن و نیز با توجه به پرسش‌های که در زمینه دسترسی شهروندان به حقوق و آزادی‌های اساسی آنان بدون تبعیض و در شرایط برابر و همه‌شمول، وجود دارد، این تحقیق را راه‌اندازی نموده است تا علاوه بر بررسی وضعیت و دریافت چالش‌های موجود در این زمینه، پیشنهادها و مشخصی را نیز جهت رفع چالش‌های موجود به آدرس دولت و جامعه جهانی، ارائه نموده و میزان تطبیق کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی را در افغانستان به بررسی گیرد.

افغانستان در ۱۴ اگست ۱۹۸۰ (۲۳ اسد ۱۳۵۹) کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی را امضا و در ۵ مارچ ۲۰۰۳ (۱۴ حوت ۱۳۸۱) آن را تصویب نموده و رسماً به آن ملحق گردیده است.

دولت افغانستان تاکنون صرف یک گزارش مقدماتی را در سال ۱۹۸۴ به کمیته منع هر نوع تبعیض نژادی ارائه نموده است. این در حالی است که کمیته‌ی یادشده در گزارش سال ۱۹۹۷ خویش به اسامبله عمومی سازمان ملل متحد در رابطه به افغانستان از عدم ارائه گزارش توسط دولت، اظهار نگرانی کرده و تأکید نموده است که ارائه گزارش دولت افغانستان به این کمیته مطابق ماده نهم کنوانسیون، حائز اهمیت است.^۱ کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نیز بر اساس بند ۱۵ و ۱۷ ماده ۲۱ قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، مبنی بر ارائه مشوره به دولت در زمینه تطبیق بهتر تعهداتش در راستای حمایت از حقوق بشر، در جریان سال‌های اخیر ضمن تأکید بر اهمیت موضوع در جلسات مختلف از دولت خواسته است تا در زمینه تهیه و ارسال گزارش به کمیته منع هر نوع تبعیض نژادی، اقدام نماید؛ که خوشبختانه در سال جاری دولت افغانستان به این خواست‌ها جواب مثبت داده و به تهیه گزارش از میزان تطبیق کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی، اقدام نموده است.

روش تحقیق

این تحقیق با روش تحلیلی و توصیفی انجام یافته و معلومات مورد نیاز آن توسط پرسش‌نامه، بحث گروهی (جلسات فوکس‌گروپ) مصاحبه و مطالعات کتابخانه‌ی به‌دست آمده است.

جمعیت نمونه این تحقیق ۳۴۹۸ نفر به شمول ۲۰۶۱ مرد (۵۸.۹٪) و ۱۴۰۵ زن (۴۰.۲٪) در تحقیق میدانی و ۳۳۳ نفر شامل ۱۰۳ (۳۰.۹٪) زن و ۲۳۰ (۶۹.۱٪) مرد در بحث‌های گروهی بوده است. تحقیق میدانی در ۲۹ ولایت^۲ انجام یافته است که در آن باشندگان ۳۴ ولایت کشور سهم داشته و پرسش‌نامه تکمیل نموده‌اند. جلسات فوکس‌گروپ در ۱۴ ولایت^۳ با اشتراک مقامات بلندپایه دولتی، اعضای جامعه مدنی، فعالان حقوق بشر، اهل خبره، اصحاب رسانه، بزرگان قومی و محلی، قربانیان تبعیض نژادی و محصلین و متعلمین دانشگاه‌ها و مکاتب برگزار گردیده بود.

دموگرافی یا جمعیت‌شناسی افغانستان

بر اساس آخرین آمار اداره مرکزی احصائیه در سال ۱۳۹۷ جمعیت افغانستان به ۳۱۵۷۵۰۱۸ نفر می‌رسد^۴ که از اقوام و مذاهب مختلفی تشکیل گردیده و به زبان‌های مختلف، صحبت می‌کنند.

مطالعات دموگرافی یا جمعیت‌شناسی در افغانستان تحت تأثیر گرایش‌های فردی و جمعی محققان، تاکنون به نتیجه قابل اعتباری نرسیده و آمار به نشر رسیده در این نوع از مطالعات از فی‌صدی اقوام، همیشه در تناقض با یکدیگر و مورد اعتراض بوده است صرف در مورد اقوام کوچک سیک‌ها، هندوها و جت‌ها یا جوگی‌ها گاهی در برخی از منابع ارقامی ذکر گردیده است؛ که آن‌هم مورد تأیید رسمی

۱. گزارش سالانه کمیته منع هر نوع تبعیض نژادی به اسامبله عمومی سازمان ملل متحد، ۲۶ سپتامبر ۱۹۹۷ صفحه ۱۳ https://tbinternet.ohchr.org/_layouts/TreatyBodyExternal/countries.aspx?CountryCode=AFG&Lang=EN

۲. ارزگان، بادغیس، بامیان، بدخشان، بغلان، بلخ، پروان، پکتیا، پنجشیر، تخار، خوست، دایکندی، زابل، سمنگان، غزنی، غور، فاریاب، فراه، قندهار، کابل، کاپیسا، کندز، کنر، لغمان، ننگرهار، نیمروز، هرات، هلمند و میدان وردک.

۳. ارزگان، بلخ، بامیان، بدخشان، دایکندی، غور، فاریاب، قندهار، کابل، کندز، پکتیا، ننگرهار، هرات و هلمند

۴. اداره مرکزی احصائیه افغانستان، برآورد نفوس کشور در سال ۱۳۹۷ صفحه ۲

قرار نگرفته است. این آمار نشان می‌دهد که در حال حاضر در حدود ۱۰۰۰۰ (ده هزار) سیک و هندو^۱ و در حدود ۱۳۰۰۰ (سیزده هزار) جوگی در افغانستان زندگی می‌کنند. هر سه قوم یادشده ریشه هندی دارند^۲

مطالعات کمیسیون نشان داده است که در افغانستان علاوه بر پیروان مذاهب دین مقدس اسلام، تعدادی از پیروان ادیان هندو، مسیحی و بهایی نیز وجود دارند. ولی هیچ آمار معتبری در مورد تثبیت تعداد یا کمیت پیروان مذاهب و ادیان موجود در افغانستان، وجود ندارد.

گزارش وزارت خارجه آمریکا در سال ۲۰۱۳ آمار پیروان مذاهب سنی را جمعاً ۸۰٪ کل جمعیت کشور، (در این گزارش جمعیت افغانستان در سال ۲۰۱۳ میلادی ۳۱.۱ میلیون نفر تخمین گردیده بود) پیروان مذهب شیعی شامل شیعه دوازده‌امامی و شیعه اسماعیلیه حدود ۱۹٪ جمعیت کشور و پیروان سایر ادیان مثل هندو، مسیحی و بهایی کمتر از ۱٪ جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند^۳.

همچنین مطالعات محققین وجود بیش از ۳۰ زبان را در افغانستان تأیید می‌کند^۴. ولی هنوز هیچ آمار مورد اعتبار و موثقی در مورد درصدی جمعیت‌های که به زبان‌های یادشده صحبت می‌کنند، وجود نداشته و تحقیق مهمی نیز در این مورد انجام نیافته است.

مبانی حقوقی حمایت از برابری و منع تبعیض نژادی

تبعیض نژادی علاوه بر این که ضمن قواعد و مقررات بین‌المللی ممنوع قرار داده شده است در قوانین ملی افغانستان نیز به تبع از اسناد بین‌المللی ممنوع گردیده است

منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، میثاق منع هر نوع تبعیض نژادی، اعلامیه درباره محو همه اشکال تعصب و تبعیض مبتنی بر دین یا اعتقاد و اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی یا زبانی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در مورد منع تبعیض نژادی به حساب می‌آیند.

منع تبعیض نژادی در قوانین ملی افغانستان نیز مورد حمایت بوده و علاوه بر قانون اساسی افغانستان، قانون کار افغانستان، قانون کارکنان خدمات ملکی افغانستان، قانون اجرائات اداری افغانستان، قانون معارف افغانستان، مسوده قانون منع تبعیض و کد جزای افغانستان، قانون منع شکنجه که در این اواخر به تصویب رسیده است موادی متعددی را در حمایت از روند مبارزه با تبعیض نژادی در خود تسجیل نموده‌اند.

ساختارهای حمایتی

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، اداره حمایت حقوق بشر در چوکات وزارت عدلیه و کمیته اجرایی اهداف انکشاف پایدار از مهم‌ترین ساختارهای اند که دولت افغانستان تاکنون در راستای حمایت از حقوق بشر از جمله منع تبعیض نژادی، ایجاد نموده است.

تحلیل محتوای معلومات به دست آمده از جلسات فوکس گروپ

تحلیل معلومات مربوط به بحث‌های گروهی در جلسات فوکس گروپ نشان داده است که بر رغم کارهای خوبی که دولت افغانستان در زمینه قانون گذاری و منع تبعیض انجام داده است هنوز چالش‌های جدی در این زمینه وجود دارد که شامل چالش‌های حقوقی و چالش‌های عملی موجود در راستای دسترسی شهروندان به حقوق و آزادی‌های اساسی آنان می‌گردد.

مطالعات این تحقیق روشن نموده است که در برخی از قوانین ملی موادی وجود دارد که در مغایرت با اصل برابری و منع تبعیض نژادی، قرار دارند. مثل ماده‌های ۶۲، ۱۳۰ و ۱۳۱ قانون اساسی و ماده ۲ کد جزای افغانستان.

همچنین نتایج مطالعات این تحقیق در جلسات فوکس گروپ، مشکلاتی را دریافته است که در راستای دسترسی برابر شهروندان به حقوق و آزادی‌های اساسی آنان وجود دارد. این مشکلات که از مصادیق تبعیض نژادی شمرده می‌شوند، شامل زمینه‌ها و فرصت‌های مختلفی می‌گردد که به ترتیب مورد بررسی قرار گرفته است.

1. <https://da.azadiradio.com/a/29628594.html>

۲. مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، دانشنامه بزرگ اسلامی، جلد ۱۷، مقاله شماره ۶۴۵۱، صفحات ۸-۹ قابل دریافت در لینک. <http://lib.eshia> ۶۴۵۱/۱۷/۲۳۰۲۲/ir

3. <https://photos.state.gov/libraries/afghanistan/941877/Reports/AFGHANISTAN-IRF13.pdf>

4. http://www.bbc.com/persian/afghanistan/2010/02/100221_k02-afghan-local-languges

۱: تبعیض در توزیع تذکره تابعیت

مطالعات این تحقیق نشان داده است که جوگی‌ها برخلاف ماده ۹ قانون تابعیت افغانستان، بر رغم که چندین نسل آنان در خاک افغانستان متولد شده و زندگی می‌کنند هنوز نتوانسته‌اند تذکره تابعیت دریافت نموده و از حقوق و مزایای مربوط به آن استفاده کنند.

۲: تبعیض در استخدام و محیط کار

اشتراک کنندگان جلسات فوکس گروپ این تحقیق از موجودیت تبعیض در روند استخدام و محیط کار شکایت داشته و بر ضرورت توجه به این مورد تأکید نمودند

تحلیل معلومات مربوط به جلسات فوکس گروپ این تحقیق در ۱۴ ولایت^۱ نشان می‌دهد که اشتراک کنندگان از موجودیت تبعیض به‌خصوص در روند استخدام در ادارات دولتی، شکایت داشته و تأیید نموده‌اند که با برخوردهای متفاوت و تبعیض آمیزی از سوی برخی از افراد مواجه بوده‌اند.

۳: تبعیض در برنامه‌های انکشافی و زیربنایی

بر اساس اظهارات اشتراک کنندگان جلسات فوکس گروپ این تحقیق، دولت افغانستان نتوانسته است تاکنون قناعت مردم را نسبت به برنامه‌های انکشافی خویش در سطح ملی به دست آورد. به باور این افراد همه‌ساله برنامه‌های انکشافی دولت تبعیض گرایانه و برخلاف اصول انکشاف متوازن بوده و بودجه‌ی ملی در یک روند غیر شفاف، بر اساس گرایش‌های قومی، مذهبی، زبانی و سمتی مسئولان بلندپایه و ذی‌صلاح دولتی بدون در نظر داشت نیازمندی و ضرورت و به دور از مشارکت مردم، تدوین و تصویب می‌گردد.

همچنین این تحقیق نشان داده است که تاکنون به‌استثنای یک قضیه مربوط به معاون پیشین اداره نظارت و ارزیابی اداره امور ریاست جمهوری افغانستان که به‌تازگی و در ماه دلو ۱۳۹۷ به دو سال حبس تعلیقی محکوم گردید، دیگر هیچ قضیه‌ی که مربوط به تبعیض نژادی باشد از سوی دولت در محاکم مورد رسیدگی قرار نگرفته است. معلومات این تحقیق نشان داده است که مردم افغانستان نیز نسبت به این موضوع با حساسیت جدی برخورد نکرده و تاکنون به‌صورت جدی شکایتی را در این زمینه در نهادهای عدلی و قضایی، درج نه کرده‌اند.

تحلیل داده‌های آماری

در بخش تحلیل داده‌های آماری با ۳۴۹۸ نفر مصاحبه صورت گرفته و پرسش‌نامه تکمیل گردیده است. نتایج به‌دست‌آمده در این بخش جداگانه مورد تحلیل قرار گرفته است. نشان می‌دهد که به طور اوسط ۲۵.۴٪ از مصاحبه‌شوندگان موجودیت تبعیض نژادی در افغانستان را تأیید کرده و گفته‌اند که یک یا چند بار با این رفتار روبرو بوده و به دلیل وابستگی‌های قومی، دینی - مذهبی یا زبانی، مورد تبعیض و توهین قرار گرفته‌اند.

۷۳.۱٪ گفته‌اند که تاکنون مورد تبعیض قرار نگرفته و توهین نگردیده‌اند. ۱.۵٪ باقی‌مانده به این پرسش پاسخ نداده و سکوت نموده‌اند.

۱: تبعیض نژادی بر اساس وابستگی‌های قومی

مطالعات میدانی این تحقیق نشان داده است که از میان ۳۴۹۸ نفر مصاحبه‌شونده ۱۰۹۳ نفر شامل ۳۱.۲٪ تأیید نموده‌اند که به دلیل وابستگی خویش به یک قوم مشخص مورد تبعیض قرار گرفته است؛ اما ۲۳۹۲ نفر شامل ۶۸.۴٪ گفته‌اند که تاکنون به این دلیل مورد تبعیض نبوده و ۱۳ نفر باقی‌مانده شامل ۰.۴٪ به این پرسش پاسخ نداده است.

از میان کسانی که به این پرسش پاسخ مثبت داده و از تجربه تبعیض علیه خویش تأیید نموده است، ۴۱۲ نفر (۳۷.۶٪) گفته‌اند که عاملین تبعیض فرد عادی بوده و ۱۱۴ نفر (۱۰.۴٪) عاملین تبعیض را کارمند ادارات غیردولتی معرفی کرده است. در نهایت ۵۶۷ نفر (۵۱.۹٪) تأیید نموده‌اند که توسط مأمورین دولت به دلیل وابستگی قومی خویش مورد تبعیض قرار گرفته و توهین شده‌اند.

همچنین کسانی که توسط مأمورین دولت به دلیل وابستگی‌های قومی خویش مورد تبعیض قرار گرفته و توهین شده‌اند گفته‌اند که ۲۰۹ نفر (۳۶.۹٪) از کسانی که تبعیض نموده‌اند از مأمورین پایین رتبه دولتی بوده و ۳۵۸ نفر (۶۳.۱٪) دیگر از مأمورین عالی‌رتبه دولتی بوده‌اند که علیه مصاحبه‌شوندگان تبعیض روا داشته‌اند.

۱. ارزگان، بامیان، بدخشان، دایکندی، فاریاب، غور، بدخشان، کندز، کابل، ننگرهار، پکتیا، قندهار، هرات و هلمند.

۲: تبعیض نژادی بر اساس وابستگی‌های دینی- مذهبی

آمار به دست آمده نشان می‌دهد که از میان ۳۴۹۸ نفر مصاحبه‌شونده ۵۹۶ نفر (۱۷.۰٪) پاسخ مثبت داده و تأیید نموده‌اند که قربانی تبعیض به دلیل وابستگی دینی و مذهبی‌شان بوده‌اند. ۲۸۱۰ نفر (۸۰.۳٪) به این پرسش پاسخ منفی داده و ۹۲ نفر (۲.۶٪) اصلاً پاسخی نداده‌اند.

از میان کسانی که به این پرسش پاسخ مثبت داده و قربانی تبعیض بر اساس وابستگی خویش به دین یا مذهب مشخصی بوده‌اند ۳۰۲ نفر (۵۰.۷٪) عامل تبعیض را افراد عادی معرفی نموده و گفته‌اند که در محیط کار و سطح اجتماع مورد تبعیض قرار گرفته و توهین شده‌اند. ۶۴ نفر (۱۰.۷٪) عامل تبعیض را کارمندان ادارات غیردولتی و ۲۳۰ نفر (۳۸.۶٪) باقی‌مانده از مأمورین دولتی به‌عنوان عامل تبعیض یاد نموده‌اند.

معلومات این تحقیق همچنین نشان داده است که از ۲۳۰ نفر مأمور دولتی که به‌عنوان عامل تبعیض و توهین بر اساس وابستگی‌های دینی و مذهبی شهروندان معرفی شده‌اند ۷۷ نفر (۳۳.۵٪) آنان پایین‌رتبه و ۱۵۳ نفر (۶۶.۵٪) دیگر از مأمورین عالی‌رتبه دولتی بوده‌اند.

۳: تبعیض نژادی بر اساس وابستگی‌های زبانی

معلومات این تحقیق نشان داده است که از میان ۳۴۹۸ نفر مصاحبه‌شونده ۹۷۵ نفر (۲۷.۹٪) به این دلیل که به زبان مشخصی صحبت می‌کند مورد تبعیض بوده‌اند ۲۴۶۸ نفر (۷۰.۶٪) به این پرسش پاسخ منفی داده و ۵۵ نفر باقی‌مانده که ۱.۶٪ را تشکیل می‌دهند به این پرسش پاسخ نداده‌اند.

در مورد شغل کسانی که عامل تبعیض بر اساس وابستگی‌های زبانی شهروندان بوده‌اند، مصاحبه‌شوندگان تأیید نموده‌اند که ۴۰۶ نفر (۴۱.۶٪) از کسانی که رفتار تبعیض‌گرایانه بر اساس زبان داشته‌اند، افراد عادی بوده و ۱۰۵ نفر (۱۰.۸٪) آنان کارمندان ادارات غیردولتی و ۴۶۴ نفر (۴۷.۶٪) آنان از جمله مأمورین دولتی بوده‌اند.

همچنین معلومات این تحقیق نشان داده است که از میان ۴۶۴ نفر مأمور دولت که رفتار تبعیض‌آمیز بر اساس وابستگی‌های شهروندان به زبان مشخصی، داشته‌اند ۱۴۳ نفر (۳۰.۸٪) آنان از مأمورین پایین‌رتبه و ۳۲۱ نفر (۶۹.۲٪) دیگر از مأمورین عالی‌رتبه دولتی بوده‌اند.

ب: پیامدهای تبعیض نژادی در افغانستان

نتایج این تحقیق از اجرای تعهدات دولت در این زمینه نشان می‌دهد که در برخی از موارد هنوز چالش‌های جدی وجود داشته و تعداد از شهروندان کشور از نقض حقوق بشری‌شان در نتیجه تبعیض نژادی، شکایت نموده‌اند.

۱: نقض حق شرکت در انتخابات

این تحقیق نشان داده است که ۲۲۹ نفر (۶.۵٪) از مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند که به دلیل وابستگی‌های قومی، مذهبی یا زبانی از شرکت در انتخابات محروم گردیده‌اند.

این افراد مدعی بودند که در جریان انتخابات، قربانی تبعیض نژادی بوده و توسط افراد زورمند که می‌خواستند به حریف انتخاباتی خویش صدمه بزنند، از شرکت در انتخابات محروم شده‌اند. تعدادی نیز اظهار داشته‌اند که نخواهند در انتخابات شرکت کنند زیرا در صورت شرکت مجبور بوده‌اند به کسی رأی دهند که مورد تأیید آنان نبوده است. علاوه بر این مطابق ماده ۶۲ قانون اساسی پیروان سایر ادیان غیر دین مقدس اسلام نمی‌توانند کاندید مقام ریاست جمهوری باشند.

از میان مصاحبه‌شوندگان ۳۲۲۷ نفر که ۹۲.۳٪ کل مصاحبه‌شوندگان را تشکیل می‌دهند، تأیید نموده‌اند که تاکنون به هیچ مشکلی در این زمینه روبرو نگردیده و ۴۲ نفر که ۱.۲٪ به این پرسش پاسخ نداده‌اند. گفتنی است معلومات این تحقیق قبل از برگزاری انتخابات پارلمانی ۱۳۹۷ جمع‌آوری گردیده بود. بنابراین مشکلات موجود در این انتخابات شامل این تحقیق نیست.

۲: نقض حق کار و حقوق مربوط به آن

از میان مصاحبه‌شوندگان ۱۴۹۱ نفر آن تأیید نموده‌اند که واجد شرایط کار در ادارات بوده‌اند که ۴۲.۶٪ کل جمعیت نمونه را تشکیل می‌دهند؛ سایر افراد شامل ۲۰۰۷ نفر (۵۷.۴٪) آنان کسانی بوده‌اند که واجد شرایط کار و استخدام در ادارات دولتی نبوده و شامل این بخش از تحقیق نمی‌گردند؛ بنابراین این بخش از پرسش صرف توسط کسانی که واجد شرایط کار بوده‌اند پاسخ‌داده شده است.

۱: تبعیض در استخدام

نخستین پرسش این بخش به تبعیض در استخدام ارتباط دارد که ۱۲۲ نفر شامل ۸.۲٪ مدعی بوده‌اند که در پروسه‌های استخدام با برخورد تبعیض نژادی روبرو بوده‌اند. ۱۳۶۰ نفر (۹۱.۰٪) دیگر به این پرسش پاسخ منفی داده و ۹ نفر باقی‌مانده یعنی ۰.۶٪ به این پرسش پاسخ نداده است.

ب: انفکاک کارکنان به دلیل تبعیض نژادی

۲۰۷ نفر از مصاحبه‌شوندگان (۱۳.۹٪) گفته‌اند که به دلیل تبعیض نژادی از اداره‌ی که در آن کار می‌کرده‌اند، اخراج شده یا منفک گردیده‌اند. ۱۲۲۴ نفر دیگر (۸۲.۰٪) به این پرسش پاسخ منفی داده و ۶۰ نفر (۴.۰٪) باقی‌مانده به این پرسش اصلاً پاسخ نداده‌اند.

ج: تبعیض نژادی در ترفیع کارکنان

۲۷۵ نفر که ۱۸.۴٪ کل مصاحبه‌شوندگان را تشکیل می‌دهند تأیید نموده‌اند که به دلیل وابستگی‌های قومی، دینی - مذهبی و زبانی از به دست آوردن ترفیع در اداره محروم گردیده‌اند. ۱۱۴۶ نفر که ۷۷.۰٪ را شامل می‌گردد، موجودیت تبعیض در ادارات را درزمینه به دست آوردن ترفیع، رد نموده و ۷۰ نفر باقی‌مانده که ۴.۷٪ را تشکیل می‌دادند به این سؤال پاسخ نداده‌اند.

د: محرومیت کارکنان از امتیازات مالی به دلیل تبعیض نژادی

۳۶۰ نفر شامل ۲۴.۱٪ کل مصاحبه‌شوندگان واجد شرایط کار، گفته‌اند که از امتیازات مالی به دلیل تبعیض نژادی محروم گردیده‌اند. ۱۰۶۷ نفر آنان شامل ۷۱.۶٪ پاسخ منفی داده و ۶۴ نفر باقی‌مانده که ۴.۳٪ را تشکیل می‌دهند به این پرسش پاسخ نداده‌اند.

۳: نقض حق دسترسی به عدالت به دلیل تبعیض نژادی

۲۷۲ نفر شامل ۷.۸٪ کل مصاحبه‌شوندگان تأیید نموده‌اند که در جریان مراجعه به نهادهای عدلی و قضایی با تبعیض نژادی از سوی کارکنان و مسئولان این نهادها مواجه گردیده‌اند؛ اما ۳۱۸۰ نفر که شامل ۹۰.۹٪ می‌گردد به این پرسش پاسخ منفی داده و ۴۶ نفر باقی‌مانده که ۱.۳٪ را در برمی‌گیرند به این پرسش پاسخ نداده‌اند.

۴: نقض حق مالکیت و تجارت به دلیل تبعیض نژادی

معلومات این تحقیق نشان داده است که ۲۸۹ نفر (۸.۲٪) از مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند که در سال‌های اخیر درزمینه حق مالکیت و تجارت با تبعیض مواجه بوده‌اند. به گفته این افراد قضایای وجود داشته است که کسانی یا کسی ملکیت‌های شخصی آنان را بدون رضایتشان، به‌صورت غیرقانونی و با استفاده از زور تصرف یا غصب نموده‌اند. ۳۱۶۴ نفر (۹۰.۵٪) از موجودیت تبعیض نژادی درزمینه مالکیت و تجارت انکار کرده و ۴۵ نفر باقی‌مانده که شامل ۱.۳٪ هست به این پرسش پاسخ نداده‌اند.

۵: نقض حق دسترسی به خدمات صحی به دلیل تبعیض نژادی

۴۰۱ نفر (۱۱.۵٪) از تبعیض در زمینه دسترسی به خدمات صحی شکایت داشته‌اند اما ۳۰۵۶ نفر (۸۷.۴٪) وجود تبعیض نژادی در دسترسی به حق صحت را رد نموده و ۴۱ نفر باقی‌مانده که ۱.۲٪ را شامل می‌گردد به این پرسش پاسخ نداده‌اند.

۶: نقض حق دسترسی به آموزش و تحصیلات عالی به دلیل تبعیض نژادی

۴۰۷ نفر شامل ۱۱.۶٪ کل مصاحبه‌شوندگان در این تحقیق اظهار داشته‌اند که در راستای دسترسی به حق تعلیم و تربیت و تحصیلات عالی با تبعیض از سوی کارکنان و مسئولان ادارات و نهادهای مربوطه مواجه بوده‌اند. ۳۰۵۷ شامل ۸۷.۴٪ وجود مشکل و تبعیض در این زمینه را رد نموده و ۳۴ نفر شامل ۱.۰٪ به این پرسش پاسخ نداده‌اند.

۷: نقض حق اشتراک در محافل و اجتماعات فرهنگی و مذهبی

۳۶۹ نفر (۱۰.۵٪) گفته‌اند که حق آزادی آنان در اشتراک به محافل فرهنگی و دینی - مذهبی با محدودیت مواجه بوده است. ۳۰۸۳ نفر (۸۸.۱٪) به این پرسش پاسخ منفی داده و ۴۶ نفر (۱.۳٪) به این پرسش پاسخ نداده‌اند.

۸: نفاق افگنی

مطالعات این تحقیق نشان داده است که از میان ۳۴۹۸ نفر که با آنان مصاحبه صورت گرفته است، ۱۵۴۴ نفر شامل ۴۴.۱٪ تأیید نموده‌اند که کسی یا کسانی را می‌شناسند که به تبعیض نژادی با استفاده از محافل عمومی، رسانه‌ها و صفحات مجازی دامن می‌زنند. ۱۸۸۷ نفر ۵۳.۹٪ گفته‌اند که این‌گونه افراد را نمی‌شناسند و ۶۷ نفر باقی‌مانده شامل ۱.۹٪ به این پرسش پاسخ نداده‌اند.

در توضیح این بحث از مصاحبه‌شوندگان در مورد وسایل که افراد با استفاده از آن به این عمل دست‌زده و نفاق افگنی می‌نمایند پرسیده شده است؛ که پاسخ مصاحبه‌شوندگان ارقام زیر را نشان می‌دهد.

۳۸۰ نفر شامل ۲۴.۶٪ گفته‌اند که این افراد با استفاده از رسانه‌ها عمومی به این کار دست‌زده و نفاق افگنی می‌نمایند. ۷۰۳ نفر شامل ۴۵.۵٪ گفته‌اند که از طریق شبکه‌های مجازی اینترنت به تبعیض نژادی دامن زده می‌شود و ۴۶۱ نفر شامل ۲۹.۹٪ گفته‌اند که این افراد با استفاده از محافل و جلسات عمومی، سخنانی را ایراد می‌نمایند که به وحدت ملی ضربه زده و به تبعیض نژادی دامن می‌زند.

۹: دادخواهی

در نخستین بخش از تحلیل آماری معلومات این تحقیق نشان داده شد که از میان ۳۴۹۸ نفر ۱۰۹۳ نفر که ۳۱.۲٪ را شامل می‌گردید تأیید نموده بودند که قربانی تبعیض نژادی بوده‌اند. از این میان، ۳۱۷ نفر آنان که ۲۹.۰٪ قربانیان را شامل می‌گردد، گفته‌اند که پس‌از آن که احساس نمودند، مورد تبعیض واقع شده‌اند، شکایت ثبت کرده‌اند ولی تمام این افراد مدعی بودند که به نهادهای عدلی و قضایی نه بلکه به مقامات و افراد بلندپایه همان اداره مراجعه نموده و دادخواهی نموده‌اند.

با توجه به این رقم مشخص می‌گردد که ۷۷۶ نفر باقی‌مانده که قربانی تبعیض نژادی بوده و شامل ۷۱.۰٪ می‌گردند، پس‌از این که متوجه شدند مورد تبعیض نژادی قرار گرفته‌اند، نیز هیچ شکایتی ثبت ننموده و به هیچ مرجعی مراجعه نکرده‌اند.

۱۰: رسیدگی به شکایت‌ها

از میان کسانی که مدعی بودند پس‌از آنکه مورد تبعیض واقع گردیده و دادخواهی نموده به مقامات مسئول مراجعه کرده و شکایت ثبت نموده‌اند ۱۰۳ نفر (۳۲.۵٪) گفته است که به شکایت آن‌ها گوش داده شده و رسیدگی صورت گرفته است؛ اما ۲۱۴ نفر (۶۷.۵٪) باقی‌مانده تأیید نموده‌اند که با وصف که شکایت نموده و دادخواهی کرده‌اند ولی شکایت آن‌ها شنیده نشده و مورد رسیدگی قرار نگرفته است.

مقدمه

تبعیض نژادی با رویکرد قومی، دینی-مذهبی و زبانی یکی از واقعیت‌های ناگوار جامعه ما در طول تاریخ بوده که ریشه بسیاری از مشکلات و چالش‌های ملی از جمله جنگ و ناامنی به شمار می‌رود.

تاریخ بردگی نیز ریشه در تبعیض نژادی داشته و نگاه متفاوت به انسان‌ها سبب گردیده است تا تعدادی به دلیل وابستگی‌های نژادی، قومی، دینی-مذهبی و زبانی خود در موقعیت متفاوت از دیگران قرار داده شده، برده باشند یا ارباب.

تبعیض نژادی یا نگاه نابرابر به انسان‌ها بر مبنای وابستگی‌های نژادی، قومی، دینی-مذهبی و زبانی آنان، ساختارهای قدرت و نهادهای مربوط به آن‌ها را واداشته است تا جنگ‌های خونینی را راه‌اندازی نموده و میلیون‌ها انسان را به قتل رسانده یا در وضعیت قرار دهند که از تمامی حقوق و آزادی‌های اساسی خویش، محروم باشند.

تبعیض نژادی در افغانستان با توجه به تعدد اقوام، مذاهب و زبان‌های رایج در این کشور، یکی از نگرانی‌های جدی در برابر ثبات و امنیت سراسری بوده و همواره پرسش‌های متعددی را در اذهان عامه نسبت به رویکردها و برنامه‌های دولت ایجاد نموده است. رویکردی که سبب افزایش تردید، نسبت به تعهدات و باورمندی دولت به حقوق و آزادی‌های اساسی بشری شهروندان گردیده و در سایه موضع‌گیری‌ها و رویکردهای برخی از افراد و حلقه‌های نفاق‌افکن، باگذشت هر روز بیشتر و بیشتر می‌گردد.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان با توجه به مسئولیت‌های قانونی خویش در زمینه نظارت بر وضعیت حقوق بشر به هدف دریافت چالش‌ها و مشکلات مربوط به آن و نیز با توجه به پرسش‌های که در زمینه دسترسی شهروندان به حقوق و آزادی‌های اساسی آنان بدون تبعیض و در شرایط برابر و همه‌شمول، وجود دارد، این تحقیق را راه‌اندازی نموده است تا علاوه بر بررسی وضعیت و دریافت چالش‌های موجود در این زمینه، پیشنهادهای مشخصی را نیز جهت رفع چالش‌های موجود به آدرس دولت و جامعه جهانی، ارائه نموده و میزان تطبیق کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی را در افغانستان به بررسی گیرد.

شاخص‌های محوری یا موردتوجه در این تحقیق به سه کته گوری تقسیم می‌گردد:

یک: شاخص‌های ساختاری؛ که در آن اقدامات و دست‌آوردهای دولت افغانستان در زمینه قانون‌گذاری و ایجاد ساختارهای حمایتی منع تبعیض نژادی، موردبررسی قرار گرفته است.

دو: شاخص‌های عملیاتی؛ که در آن کارکردها و فعالیت‌های دولت افغانستان در زمینه منع تبعیض نژادی به شمول فرهنگ‌سازی در جریان سال‌های اخیر، مطالعه گردیده و به روند رسیدگی عدلی و قضایی به قضایای تبعیض نژادی نیز توجه صورت گرفته است.

فصل اول

کلیات و مفاهیم

مقدمه

مأموریت کمیسیون

اهداف تحقیق

مفاهیم

سه: شاخص‌های نتیجه؛ که در آن نتایج به‌دست‌آمده از اقدامات دولت در زمینه حقوقی و ساختاری به شمول قانون‌گذاری و ایجاد نهادهای حمایتی و نیز کارکردها و فعالیت‌های دولت در زمینه منع تبعیض نژادی، مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. تحلیل داده‌های آماری و در کل بررسی وضعیت و نتیجه به‌دست‌آمده از آن، مقصد اصلی این شاخص است.

عناوین این تحقیق که یکی از بنیادی‌ترین تحقیقات از نوع خودش در جریان دهه‌های اخیر در سطح ملی هست، در پیوند مستقیم با بخش اول کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی و بر اساس مفاد ماده نهم این کنوانسیون ترتیب گردیده است تا از تمامی اقدامات و دست‌آوردهای دولت افغانستان در راستای تطبیق این کنوانسیون به‌عنوان یکی از کشورهای یکی از الحاق نموده‌اند، به‌صورت کامل گزارش داده شود.

این تحقیق با بررسی جدی وضعیت به وسیله‌های پرسش‌نامه، جلسات فوکس‌گروپ، (بحث گروهی) مصاحبه و مطالعات کتاب‌خانه‌ای، علاوه بر شناسایی نقاط قوت روند مبارزه با تبعیض نژادی در افغانستان، دریافت‌های روشنی را از چالش‌ها و مشکلات این روند در سطح ملی داشته و بر اساس این دریافت‌ها پیشنهادها را نیز به هدف کامیابی و موفقیت برنامه‌های دولت افغانستان در این زمینه، مطرح نموده است؛ که امیدواریم مورد توجه و پیگیری جدی مقامات و نهادهای مسئول در دولت و بیرون از دولت، واقع گردد.

مأموریت کمیسیون

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان بر اساس ماده ۵۸ قانون اساسی و مفاد ماده‌های ۵ و ۲۱ قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های خویش، صلاحیت دارد تا از وضعیت حقوق بشر در سراسر کشور، نظارت به عمل آورده و با راه‌اندازی تحقیقات علمی، چالش‌ها و مشکلات موجود در زمینه حقوق بشر را گزارش دهد. این بار کمیسیون تصمیم گرفته است تا تحقیقی را با عنوان «بررسی میزان تطبیق کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی در افغانستان» راه‌اندازی نماید تا علاوه بر دریافت چالش‌ها و مشکلات موجود در این زمینه، پیشنهادها و راهکارهای مؤثری را جهت رفع چالش‌ها و مشکلات دریافت شده به آدرس دولت و جامعه جهانی، مطرح نماید.

افغانستان کشوری است با جمعیتی متشکل از اقوام مختلف با گرایش‌های دینی و مذهبی متفاوتی که با زبان‌های مختلف صحبت می‌کنند. نظام سیاسی در این کشور به‌خصوص در نیم‌قرن اخیر به دلیل جنگ‌ها و خشونت‌های طولانی که بخشی از آن‌ها ریشه در اختلافات قومی، مذهبی و زبانی داشته، از ثبات کمتری برخوردار بوده است. در این کشور، مدیریت برنامه‌های انکشافی تحت تأثیر اراده قدرت حاکم با رویکردهای متفاوتی در رابطه به اقوام و جمعیت‌های بیرون از قدرت، تجربه گردیده است. در حال حاضر بر رغم تلاش‌های زیادی که در زمینه رفع تبعیض نژادی در کشور انجام یافته و مبانی حقوقی مورد نیاز، ضمن قانون اساسی و سایر قوانین ملی ایجاد گردیده است. تبعیض نژادی هنوز هم یکی از پرسش‌های مهمی به شمار می‌رود که هرازگاهی مورد توجه رسانه‌ها و منتقدین سیاسی دولت، قرار می‌گیرد.

افغانستان در ۱۴ اگست ۱۹۸۰ (۲۳ اسد ۱۳۵۹) کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی را امضا و در ۵ مارچ ۲۰۰۳ (۱۴ حوت ۱۳۸۱) آن را تصویب نموده و رسماً به آن ملحق گردیده است.

بر اساس مفاد ماده نهم کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی، دولت‌های عضو وظیفه‌دارند تا در مرحله اول بعد از یک سال از تاریخ اجرایی شدن کنوانسیون و در دوره‌های بعدی در هر دو سال به کمیته منع تبعیض نژادی، گزارش دهند.^۱

دولت افغانستان تاکنون صرف یک گزارش مقدماتی را در سال ۱۹۸۴ به کمیته منع هر نوع تبعیض نژادی ارائه نموده است. این در حالی است که کمیته‌ی یادشده در گزارش سال ۱۹۹۷ خویش به اسامبله عمومی سازمان ملل متحد در رابطه به افغانستان از عدم ارائه گزارش توسط دولت، اظهار نگرانی کرده و تأکید نموده است که ارائه گزارش دولت افغانستان به این کمیته مطابق ماده نهم کنوانسیون، حائز اهمیت است.^۲ کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نیز در جریان سال‌های اخیر ضمن تأکید بر اهمیت موضوع در جلسات متعدد از دولت خواسته است تا در زمینه تهیه و ارسال گزارش به کمیته منع هر نوع تبعیض نژادی، اقدام نماید. خوشبختانه در سال جاری دولت به این ضرورت پاسخ مثبت داده و اقدام به تهیه گزارش ملی بررسی میزان تطبیق کنوانسیون منع هر نوع تبعیض در افغانستان، کرده است.

اهداف تحقیق

اهداف این تحقیق با توجه به نکات مورد تأکید کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی، شامل موارد زیر می‌گردد؛

۱. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی (۱۹۶۵) ماده ۹
۲. گزارش سالانه کمیته منع هر نوع تبعیض نژادی به اسامبله عمومی سازمان ملل متحد، ۲۶ سپتامبر ۱۹۹۷ صفحه ۱۳ https://tbinternet.ohchr.org/_layouts/TreatyBodyExternal/countries.aspx?CountryCode=AFG&Lang=EN

۱. بررسی وضعیت و تحلیل و توصیف ظرفیت‌های ساختاری، حقوقی و قانونی مبارزه با تبعیض نژادی در سطح ملی؛
۲. دریافت چالش‌ها و مشکلات موجود در برابر روند مبارزه با تبعیض نژادی در سطح ملی؛
۳. ایجاد باورمندی به ضرورت مبارزه‌ی مؤثر جهت امحای تبعیض نژادی، توسعه و انکشاف برابری و تحکیم وحدت ملی به‌عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر؛
۴. ارتقای سطح آگاهی عامه نسبت به پیامدها و تبعات مخرب تبعیض نژادی؛
۵. ارائه پیشنهادهای مؤثر به دولت افغانستان و جامعه جهانی جهت رفع چالش‌های موجود در زمینه مبارزه با تبعیض نژادی در افغانستان؛
۶. تشویق دولت افغانستان در راستای تطبیق ماده ۶ قانون اساسی مبنی بر رفتار عاری از تبعیض به‌خصوص تبعیض نژادی و تهیه و تطبیق برنامه‌های مؤثر جهت انکشاف متوازن در سطح ملی.

مفاهیم

تبعیض نژادی به لحاظ مفهومی یک موضوع ذهنی و اخلاقی بوده که در روابط اجتماعی افراد، ضمن برخورد یا نگاه آنان به فرد دیگری قابل درک است. به این معنی که تبعیض نژادی مفهوم زیست‌شناختی یا ژنتیکی نداشته و این موضوع ثابت نگردیده است که انسان‌ها با ویژگی‌ها یا خصوصیات فردی مثل رنگ پوست، وابستگی‌های قومی و نسی یا گرایش‌های اعتقادی و مذهبی و تفاوت‌های زبانی از یکدیگر متمایز بوده و از استعداد بهتر یا کمتر و ضعف یا توانایی خاصی، برخوردار باشند.^۱

تعریف

بر اساس تعریفی که از تبعیض نژادی در ماده اول کنوانسیون بین‌المللی منع هر نوع تبعیض نژادی (۱۹۶۵) صورت گرفته است، «تبعیض نژادی اطلاق می‌شود به هر نوع تمایز و ممنوعیت یا محدودیت و یا رجحانی که بر اساس نژاد و رنگ یا نسب و یا منشأ ملی، قومی مبتنی بوده و هدف آن یا اثر آن از بین بردن و یا در معرض تهدید و مخاطره قرار دادن شناسایی یا تمتع یا استیفا در شرایط متساوی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و یا در هر زمینه دیگری از حیات عمومی باشد».^۲

در پیوند به تعریفی که کنوانسیون از تبعیض نژادی انجام داده و نیز مبتنی بر مفاد بند اول مقدمه این کنوانسیون که در آن آمده است: «دول عاقد این قرارداد، نظر به این که منشور ملل متحد مبتنی است بر اصول حیثیت ذاتی و تساوی کلیه افراد انسانی و کلیه دول عضو ملل متحد، متعهد شده‌اند که منفرداً و مشترکاً با همکاری سازمان ملل متحد (سازمان ملل متحد) برای نیل به یکی از هدف‌های ملل متحد یعنی توسعه و تشویق احترام جهانی و واقعی به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تمایز نژاد یا جنس یا زبان یا دین و مذهب اقدام نمایند».^۳ می‌توان نتیجه گرفت که تبعیض نژادی منع چهار نوع رفتار است که از مصادیق تبعیض نژادی یاد شده و شامل تمایز، ممنوعیت، محدودیت و رجحانیت در راستای دسترسی به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی افراد، بر اساس وابستگی‌های نژادی، قومی، نسی، ملت، دین یا مذهب و زبان آنان، می‌گردد.

الف: تمایز

تمایز در لغت به معنی فرق گذاشتن و جدا کردن است.^۴ در صورت که رفتار متفاوت با افراد به اساس تعلقات نژادی و رنگ یا قوم، نسب، ملت، دین و مذهب یا زبان صورت گرفته و برخی از افراد در شرایط بهتر و برخی دیگر در شرایط بدتری از زمینه‌ها و فرصت‌های برخورداری از حقوق و آزادی‌های اساسی‌شان قرار داده می‌شوند، تبعیض نژادی روی داده است؛ بنابراین تفکیک یا تمایز میان افراد در دسترسی به خدمات و فرصت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و هر زمینه‌ی دیگری، تبعیض نژادی محسوب می‌گردد.

1. Stanford Encyclopaedia of Philosophy

۲. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی، ماده اول، مصوب ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵

۳. همان، بند اول مقدمه.

4. <https://www.vajehyab.com/moein/%D8%AA%D9%85%D8%A7%DB%8C%D8%B2>

ب: ممنوعیت

ایجاد شرایط که در آن افراد به دلیل وابستگی‌های نژادی، رنگ یا قومی، نسبی، ملی، دینی و مذهبی یا زبانی از دسترسی به حقوق و آزادی‌های اساسی‌شان توسط نظام یا عوامل دولتی منع گردیده و در وضعیت نابرابر با سایر باشندگان یک کشور قرار داده شوند.

ج: محدودیت

ایجاد محدودیت در برابر افراد در راستای دسترسی آنان به حقوق و آزادی‌های اساسی‌شان نیز در صورت که به دلیل وابستگی‌های آنان به نژاد و رنگ یا قوم، نسب، ملت، دین و مذهب یا زبان مشخصی باشد، از مصادیق تبعیض نژادی است. در بحث محدودیت، ممنوعیت کامل یا ایجاد شرایطی که شهروندان یا باشندگان یک کشور به صورت کامل از ظرفیت‌ها و امکان دسترسی به حقوق و آزادی‌های اساسی خویش محروم گردیده باشند، مطرح نیست بلکه هدف ایجاد شرایطی است که افراد نتوانند در وضعیت برابر با دیگران به زمینه‌ها، شرایط و فرصت برابر، دسترسی داشته و در این راستا با محدودیت مواجه باشند.

د: رجحانیت

در بحث رجحانیت دادن امتیاز یا فراهم آوری فرصت‌ها و زمینه‌های بهتر و بیشتر دسترسی به حقوق و آزادی‌های اساسی برای تعدادی که به نژاد و رنگ یا قوم، نسب، ملت، دین و مذهب یا زبان مشخصی وابسته می‌باشند، هدف اصلی است که در آن عده‌ای در یک وضعیت نابرابر به دلیل ویژگی‌های نژادی، رنگ یا قومی، نسبی، دینی و مذهبی یا زبانی و ملت، به فرصت‌ها و امکانات بهتری در استفاده از حقوق و آزادی‌های اساسی خویش دسترسی داشته باشد. مثلاً ایجاد مکتب خاص، دانشگاه خاص یا شفاخانه خاص برای تعداد افراد خاصی که از یک قوم یا مذهب یا دین یا زبان خاصی باشند و دیگران در این اماکن حق ورود را نداشته باشند.

از این رو تبعیض نژادی هر نوع رفتاری است که در نتیجه آن، افراد به دلیل تعلقات نژادی و رنگ یا قوم، نسب، ملت، دین و مذهب یا زبان در وضعیت متفاوتی قرار داده شده و از دسترسی به حقوق و آزادی‌های اساسی خویش محروم گردیده یا با محدودیت مواجه شده یا در وضعیت بهتری به صورت نابرابر نسبت به دیگران قرار داده شوند.

روش‌شناسی تحقیق

با توجه به چالش‌های امنیتی در افغانستان، دسترسی به معلومات موردنیاز این تحقیق، دشوار و در مواردی با خطر همراه بوده است. سفر به تمام ولایت‌ها و ولسوالی‌های کشور، به هدف دریافت معلومات مربوط به تبعیض نژادی، زمان طولانی و شرایط امنی را نیاز دارد که متأسفانه در حال حاضر با مشکلات عدیده‌ی مواجهه است.

بر رغم این مشکلات همکاران کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان تلاش نموده‌اند تا با قبول مشکلات و خطرات جدی تا حد امکان به ولایت‌ها و ولسوالی‌های زیادی در کشور، مسافرت نموده و با استفاده از ابزارهای مختلف، معلومات موردنیاز این تحقیق را جمع‌آوری کنند.

معلومات به‌دست‌آمده از تحقیقات میدانی در مورد محل اجرای مصاحبه و محل سکونت اصلی مصاحبه‌شوندگان، نشان داده است که همکاران کمیسیون در ۲۹ ولایت کشور مسافرت نموده و پرسش‌نامه تکمیل نموده‌اند. اما در میان افراد که با آنان مصاحبه صورت گرفته است از باشندگان هر ۳۴ ولایت کشور بوده‌اند که در ۲۹ ولایت یادشده با آنان صحبت شده و پرسشنامه تکمیل گردیده است. بنابراین افراد شامل تحقیقات میدانی که به‌عنوان جمعیت نمونه، انتخاب گردیده‌اند از هر ۳۴ ولایت کشور بوده و خوشبختانه هیچ ولایتی نیست که با باشندگان آن ولایت در این تحقیق مصاحبه صورت نگرفته باشد. علاوه بر تحقیقات میدانی، برگزاری ۱۴ جلسه فوکس‌گروپ جهت دریافت نظریات و دیدگاه‌های اهل خبره و فعالان حقوق بشر و جامعه مدنی، یکی از دیگر گام‌های بود که بر رغم دشواری‌های جدی امنیتی در ۱۴ ولایت کشور برگزار شد.

الف: تحلیل مفاهیم

تحلیل مفاهیم مربوط به تبعیض نژادی و منع آن در سطح ملی، در نتیجه مراجعه به اسناد و مقررات بین‌المللی و قوانین ملی صورت گرفته که به‌وسیله‌ی مطالعات کتابخانه‌ی انجام‌یافته است. در این بخش از تحقیق تمامی اسناد و مقررات بین‌المللی مربوط به منع تبعیض نژادی مورد مطالعه قرار گرفته و معلومات مربوط به مبانی نظری و پیشینه تاریخی آن جمع‌آوری و با روش تحلیل محتوایی مورد تحلیل و توصیف قرار گرفته است.

ب: شناسایی متغیرها

شناسایی متغیرها در این تحقیق به‌وسیله مطالعات کتابخانه‌ای انجام‌یافته و شامل نژاد، قوم، دین، زبان و افراد، شامل افراد عادی و مأمورین دولتی (متغیرهای مستقل) و تبعیض (متغیر وابسته) و پیامدهای آن در زمینه حقوق بشر مثل حقوق سیاسی، حقوق مربوط به کار و اشتغال، حقوق مربوط به صحت، تعلیم و تربیه و سایر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، می‌گردد.

ج: جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها

اطلاعات و داده‌های موردنیاز این تحقیق مطابق استندردهای بین‌المللی به‌وسیله، مصاحبه، بحث‌های گروهی (فوکس‌گروپ) و پرسشنامه جمع‌آوری گردیده است. در جریان جمع‌آوری اطلاعات ۱۰

فصل دوم

روش‌شناسی

روش‌شناسی تحقیق

معلومات شخصی جمعیت نمونه

اشتراک کنندگان جلسات فوکس‌گروپ

مصاحبه با اهل خبره انجام یافته، ۱۴ جلسه فوکس گروپ دایر شده و ۳۴۹۸ پرسشنامه تکمیل گردیده است.

د: فوکس گروپ

جلسات فوکس گروپ یکی از وسایل مهم جمع آوری معلومات این تحقیق است که نوعی از بحث‌های گروهی شمرده شده و در هر یکی از این جلسات ۱۵ تا ۲۵ نفر از فعالان جامعه مدنی و حقوق بشر، اهل خبره، مسئولان و مقامات دولتی اصحاب رسانه و قربانیان تبعیض شرکت نموده بودند. تمامی جلسات فوکس گروپ این تحقیق به ۱۴ جلسه می‌رسد که در آن ۳۳۳ نفر شرکت کرده‌اند.

ه: جمعیت نمونه

جمعیت نمونه این تحقیق بر اساس جدول مورگان و با در نظر داشت عدد ۳۱۷۵۷۰۱۸ نفر به عنوان جمعیت تقریبی کشور که توسط اداره مرکزی احصائیه در سال ۱۳۹۷ به نشر رسیده است، ۱۴ نفر از هر ۱۰۰۰۰۰ نفر انتخاب گردیده است که در مجموع به ۴۴۴۵ نفر می‌رسد. اما به دلیل چالش‌های امنیتی همکاران کمیسیون به تعداد از ولایت‌ها و ولسوالی‌های کشور نتوانسته‌اند سفر کرده و پرسش‌نامه تکمیل کنند. لذا تمام پرسش‌نامه‌ها در ۲۹ ولایت و در نتیجه مصاحبه با ۳۴۹۸ نفر تکمیل گردیده است.

و: دسته‌بندی و تحلیل اطلاعات

تحلیل داده‌ها یا اطلاعات مربوط به مصاحبه با اهل خبره و جلسات فوکس گروپ با استفاده از روش تحلیل محتوایی انجام یافته است. ولی اطلاعات به دست آمده از طریق پرسشنامه‌ها با روش تحلیل آماری انجام یافته است که در ابتدا به وسیله نرم افزار SPSS دسته‌بندی گردیده است.

ز: مراحل اجراء

اجرای این تحقیق مطابق اصول و استانداردهای بین‌المللی روش تحقیق، از مرحله تعیین عنوان و توضیح ضرورت آن در برنامه‌ی عمل سال ۱۳۹۷ کمیسیون، با تعیین بودجه مورد نیاز، آغاز و پس از تهیه طرح تحقیق و نهایی سازی پرسش‌های مربوط به مصاحبه، بحث‌های گروهی و پرسش‌نامه، رهنمودهای مورد نیاز نیز تهیه گردیده و ضمن برنامه‌های آموزشی خاص به تمام همکاران کمیسیون آموزش داده شده است. عملیات جمع‌آوری اطلاعات از ساحه (تحقیق میدانی) از اوایل ماه اسد سال ۱۳۹۷ آغاز و تا آخر ماه عقرب همان سال تکمیل گردیده است. با تکمیل این مرحله، اطلاعات به دست آمده به وسیله نرم افزار SPSS دسته‌بندی گردیده و هم‌زمان با نگارش متن تحقیق، مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفته است. همچنین معلومات مربوط به جلسات فوکس گروپ پس از تحلیل محتوایی مورد استفاده قرار گرفته است. متن تهیه شده مورد ارزیابی گروه هماهنگ کنندگان و مشاوریت حقوقی کمیسیون قرار گرفته و بعد از این که مورد تأیید مقام محترم ریاست کمیسیون، ریاست محترم اجرائیه و کمیشنران محترم قرار گرفت، به نشر رسیده است.

ولایت‌های تحت پوشش

در تحلیل ولایت‌های (مناطق جغرافیایی) تحت پوشش این تحقیق دو موضوع قابل تأمل است:



موضوع اول ولایت‌های است که کارمندان کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان شخصاً در آن‌ها حضور یافته و با افراد مشخصی در آن ولایت‌ها، مصاحبه انجام داده و پرسشنامه تکمیل نموده‌اند که تعداد آنان به ۲۹ ولایت رسیده و شامل ولایت‌های ارزگان، بادغیس، بامیان، بدخشان، بغلان، بلخ، پروان، پکتیا، پنجشیر، تخار، خوست، دایکندی، زابل، سمنگان، غزنی، غور، فاریاب، فراه، قندهار، کابل، کاپیسا، کندز، کنر، لغمان، ننگرهار، نیمروز، هرات، هلمند و میدان وردک می‌گردد.

۱. بر اساس دسته‌بندی اول مجموع مصاحبه‌شوندگان که به ۳۴۹۸ نفر می‌رسند در ۲۹ ولایت مصاحبه انجام داده‌اند که شامل تفصیلات زیر می‌گردد: در ولایت ارزگان با ۴۳ نفر مصاحبه انجام یافته است که ۱.۲٪ کل مصاحبه‌شوندگان را تشکیل می‌دهند. به این ترتیب در ولایت بادغیس با ۶۰ نفر (۱.۷٪) در ولایت بامیان با ۹۷ نفر (۲.۸٪) در ولایت بدخشان با ۱۰۳ نفر (۲.۹٪) در ولایت بغلان با ۱۱۱ نفر (۳.۲٪) در ولایت بلخ با ۲۲۱ نفر (۶.۳٪) در ولایت پروان با ۲۶ نفر (۰.۷٪) در ولایت پکتیا با ۸۰ نفر (۲.۳٪) در ولایت پنجشیر با ۳ نفر (۰.۱٪) در ولایت تخار با ۱۱۹ نفر (۳.۴٪) در ولایت خوست با ۷۰ نفر (۲.۰٪) در ولایت دایکندی با ۶۳ نفر (۱.۸٪) در ولایت زابل با ۸۷ نفر (۲.۵٪) در ولایت سمنگان با ۴۲ نفر (۱.۲٪) در ولایت غزنی با ۳۴ نفر (۱.۰٪) در ولایت غور با ۸۴ نفر (۲.۴٪) در ولایت فاریاب با ۱۲۲ نفر (۳.۵٪) در ولایت فراه با ۶۳ نفر (۱.۸٪) در ولایت قندهار با ۱۳۵ نفر (۳.۹٪) در ولایت کابل با ۴۴۸ نفر (۱۲.۸٪) در ولایت کاپیسا با ۵۵ نفر (۱.۶٪) در ولایت کندز با ۱۲۷ نفر (۳.۶٪) در ولایت کنر با ۳۰۲ نفر (۸.۶٪) در ولایت لغمان با ۳۰۱ نفر (۸.۶٪) در ولایت ننگرهار با ۲۰۱ نفر (۵.۷٪)

موضوع دوم افراد شامل در این تحقیق است که از تمام ولایت‌های کشور بوده و شامل ۳۴ ولایت می‌گردد. ولایت‌های پکتیکا، نورستان، سرپل، جوزجان و لوگر از ولایت‌های می‌باشند که همکاران کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نتوانستند در زمان انجام تحقیق میدانی به دلیل ناامنی و تهدیدات موجود به این ولایت‌ها، سفر نمایند. ولی افرادی از این ولایت‌ها در ولایت‌های دیگر حضور داشتند که با همکاران کمیسیون مصاحبه انجام داده‌اند.



در ولایت نیمروز با ۲۰ نفر (۰.۶٪) در ولایت هرات با ۲۳۱ نفر (۶.۶٪) در ولایت هلمند با ۱۲۱ نفر (۳.۵٪) و در ولایت میدان وردک با ۷۹ نفر (۲.۳٪) مصاحبه انجام یافته و پرسشنامه تکمیل گردیده است.

۱. بر بنیاد دسته‌بندی دوم نیز تعداد کل مصاحبه‌شوندگان به ۳۴۹۸ نفر رسیده که با ۴۳ نفر از ولایت ارزگان مصاحبه انجام یافته است که ۱.۲٪ کل مصاحبه‌شوندگان را تشکیل می‌دهند. به این ترتیب از ولایت بادغیس با ۶۰ نفر (۱.۷٪) از ولایت بامیان با ۹۷ نفر (۲.۸٪) از ولایت بدخشان با ۱۰۳ نفر (۲.۹٪) از ولایت بغلان با ۸۹ نفر (۲.۵٪) از ولایت بلخ با ۱۵۵ نفر (۴.۴٪) از ولایت پروان با ۵۷ نفر (۱.۶٪) از ولایت پکتیا با ۷۷ نفر (۲.۲٪) از ولایت پکتیکا با ۲ نفر (۰.۰۱٪) از ولایت پنجشیر با ۳ نفر (۰.۰۱٪) از ولایت تخار با ۱۱۹ نفر (۳.۴٪) از ولایت جوزجان با ۶۳ نفر (۱.۸٪) از ولایت خوست با ۷۰ نفر (۲.۰٪) از ولایت دایکندي با ۶۳ نفر (۱.۸٪) از ولایت زابل با ۷۶ نفر (۲.۲٪) از ولایت سمنگان با ۴۴ نفر (۱.۳٪) از ولایت غزنی با ۳۴ نفر (۱.۰٪) از ولایت غور با ۸۴ نفر (۲.۴٪) از ولایت فاریاب با ۱۲۲ نفر (۳.۵٪) از ولایت فراه با ۲۳ نفر (۰.۷٪) از ولایت قندهار با ۱۳۵ نفر (۳.۹٪) از ولایت کابل با ۱۳ نفر (۰.۰۴٪) از ولایت کاپیسا با ۵۵ نفر (۱.۶٪) از ولایت کندز با ۱۲۷ نفر (۳.۶٪) از ولایت کنر با ۱۵۱ نفر (۴.۳٪) از ولایت لوگر با ۲ نفر (۰.۰۱٪) از ولایت ننگرهار با ۲۰۱ نفر (۵.۷٪) از ولایت نورستان با ۲ نفر (۰.۰۰۶٪) از ولایت نیمروز با ۲۰ نفر (۰.۶٪) از ولایت هرات با ۲۳۱ نفر (۶.۶٪) از ولایت هلمند با ۱۲۱ نفر (۳.۴٪) و از ولایت میدان وردک با ۷۹ نفر (۲.۳٪) مصاحبه انجام یافته و پرسشنامه تکمیل گردیده است. ۴۵۵ نفر (۱۳.۰٪) دیگر از محل سکونت خویش چیزی نگفته‌اند. لذا محل سکونت این تعداد نامعلوم درج گردیده است.

معلومات شخصی جمعیت نمونه

معلومات شخصی مصاحبه‌شوندگان یا جمعیت نمونه در تحقیقات میدانی به لحاظ نقشی که در درستی و اهمیت گزارش داشته و شاخص اعتماد عامه نسبت به معلومات داده‌شده به حساب می‌آید، حائز اهمیت است؛ زیرا در کنار اینکه مشخص می‌گردد چه تعداد یا چند درصد از مصاحبه‌شوندگان مرد و چند درصد دیگر زن بوده یا به لحاظ سنی در کدام مقطع یا گروه سنی قرار داشته‌اند، روشن می‌گردد که مصاحبه‌شوندگان در چه سطح از سواد یا تحصیلات عالی بوده و به لحاظ شغلی در چه وضعیتی قرار دارند؛ که هرکدام در جای خودش علاوه بر این که به نحوی همه‌شمولی جامعه نمونه را نشان می‌دهند، از درستی و اهمیت معلومات نیز اطمینان می‌دهند. به‌عنوان نمونه میزان سواد یا سطح تحصیلات مصاحبه‌شوندگان این تحقیق، به‌عنوان یک متغیر، نقش بسیار ارزنده‌ی را در اهمیت معلومات دارد؛ زیرا تردیدی نیست که افراد باسواد و دارای تحصیلات عالی درک متفاوت‌تری از وضعیت داشته و با مفاهیم تبعیض نژادی آشنایی بیشتری دارند بنابراین معلومات که از آن‌ها به دست می‌آید، در کنار معلومات که از سوی افراد بی‌سواد ارائه می‌گردد، حیثیت تکمیل‌کننده را داشته و درنهایت به کسب اعتماد بیشتر نسبت به نتایج تحقیقات کمک می‌کند.

الف: جنسیت

جمعیت نمونه این تحقیق همان‌گونه که در مباحث قبلی نیز یاد گردید ۳۴۹۸ نفر می‌باشند که به لحاظ جنسیتی ۲۰۶۱ نفر (۵۸.۹٪) آنان مرد، ۱۴۰۵ نفر (۴۰.۲٪) زن و هویت جنسی ۳۲ نفر (۰.۹٪) باقی‌مانده نامشخص درج گردیده است. اگرچه تبعیض جنسیتی جزء مصادیق تبعیض نژادی نمی‌گردد ولی دریافت دیدگاه جمعیت کشور اعم از زن و مرد در مورد تبعیض نژادی نشان‌دهنده همه‌شمولی این تحقیق بوده و اهمیت به سزایی در این زمینه دارد.

ب: سن

مصاحبه‌شوندگان این تحقیق بر اساس سن به سه گروه تقسیم گردیده‌اند. گروه سنی اول کسانانی است که بین سنین ۱۲ تا تکمیل ۱۸ سالگی قرار داشتند. تعداد این گروه سنی ۴۸۹ نفر ثبت گردیده‌اند که ۱۴.۰٪ کل مصاحبه‌شوندگان را تشکیل می‌دهند. گروه سنی دوم کسانانی است که بین سنین ۱۹ تا تکمیل ۳۹ سالگی قرار داشتند. این افراد که تعداد آنان به ۲۴۱۲ نفر می‌رسند ۶۹.۰٪ کل مصاحبه‌شوندگان را تشکیل می‌دهند. گروه سنی سوم شامل کسانانی است که بالای ۴۰ سال قرار داشتند. تعداد این افراد به ۵۷۳ نفر می‌رسد که ۱۶.۴٪ کل مصاحبه‌شوندگان را تشکیل می‌دهند و درنهایت سن ۲۴ نفر (۰.۷٪) باقی‌مانده درج پرسشنامه‌ها نگردیده و نامعلوم به ثبت رسیده است.

اهمیت تشخیص سن مصاحبه‌شوندگان در این تحقیق، این است که افراد شامل مصاحبه‌به‌عنوان یک متغیر اساسی می‌توانند بر اساس درک و تجارب خویش از واقعیت‌های اجتماعی، اطلاعات مفید و واقعی را در اختیار محققین قرار دهند. لذا با توجه به این که تعداد افراد شامل گروه‌های سنی دوم و سوم که از ظرفیت‌های بهتر ارائه اطلاعات دقیق، واقعی و موثق برخوردارند و ۸۵.۴٪ کل مصاحبه‌شوندگان را تشکیل می‌دهند، اذعان می‌گردد که نتایج به‌دست‌آمده از این تحقیق نیز از اعتبار و اعتماد نسبتاً بیشتر و بهتری برخوردار هست.

ج: حالت مدنی

معلومات به ثبت رسیده از حالت مدنی مصاحبه‌شوندگان این تحقیق نشان می‌دهند که ۱۹۹۶ نفر (۵۷.۱٪) آنان متأهل، ۱۳۹۱ نفر (۳۹.۸٪) مجرد و ۸۷ نفر (۲.۵٪) بیوه یا طلاق شده بوده‌اند. حالت مدنی ۲۴ نفر باقی‌مانده که ۰.۷٪ را تشکیل می‌دهند مشخص نبوده و نامعلوم درج شده است.

د: حالت جسمی

تشخیص حالت جسمی مصاحبه‌شوندگان بیشتر به این دلیل اهمیت دارد که چه تعداد از مصاحبه‌شوندگان از میان افراد دارای معلولیت بوده و چه تعداد دیگر از سلامتی کامل برخوردارند؛ زیرا افراد دارای معلولیت با توجه به وضعیت خاصی که دارند، همان‌گونه که بر اساس مفاد قواعد و مقررات بین‌المللی و قوانین ملی به‌خصوص ماده ۵ کنوانسیون حقوق و امتیازات افراد دارای معلولیت، از ظرفیت‌های خاصی حمایتی برخوردار می‌باشند، احتمال نقض حقوق بشری آنان نیز در نتیجه برخورد متفاوت و تبعیض‌آمیز، بیشتر است. به این دلیل کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان تأکید خاصی بر شمولت افراد دارای معلولیت در جامعه نمونه با توجه به کمیت و تناسب آنان در میان جمعیت کل کشور، داشته و آنان را شامل فهرست مصاحبه‌شوندگان نموده است.

معلومات به‌دست‌آمده در این تحقیق نشان داده است که از میان ۳۴۹۸ مصاحبه‌شونده ۱۰۰ نفر آنان که ۲.۹٪ کل جمعیت نمونه را تشکیل می‌دهند از میان افراد دارای معلولیت بوده است. به‌این ترتیب ۳۳۴۴ نفر که ۹۵.۶٪ کل مصاحبه‌شوندگان را تشکیل می‌دهند، افراد غیر معلول بوده و معلومات مربوط به وضعیت جسمی ۵۴ نفر که ۱.۵٪ مصاحبه‌شوندگان را تشکیل می‌دهند، نامعلوم به ثبت رسیده است.

ه: شغل

تشخیص شغل و بیکاری مصاحبه‌شوندگان با توجه به امکان برخورد تبعیض‌گرایانه که در این زمینه از سوی مسئولان ادارات وجود دارد، نیز از اهمیت خاصی در این تحقیق برخوردار است؛ زیرا تجارب جمعیت نمونه به‌عنوان یک متغیر اساسی در این زمینه از ظرفیت‌های مهم معلوماتی برخوردار بوده و امکان دسترسی به واقعیت‌های عینی جامعه را بیشتر می‌سازد.

نتایج این تحقیق نشان داده است که ۱۶.۵٪ کل مصاحبه‌شوندگان بیکار بوده‌اند که شامل ۵۷۷ نفر می‌گردد. همچنین ۱۴.۳٪ شامل ۵۰۰ نفر، شغل آزاد داشته ۳۲.۰٪ شامل ۱۱۱۹ نفر کارمند دولت و ۲۸.۴٪ محصل بوده که شامل ۹۹۲ نفر می‌گردد؛ و نیز ۷.۰٪ شامل ۲۴۴ نفر متعلم بوده و درنهایت شغل ۱.۹٪ باقی‌مانده که ۶۶ نفر را شامل می‌گردد، نامعلوم به ثبت رسیده است.

و: درجه تحصیل

همان‌گونه که قبلاً اشاره گردید، سطح سواد و میزان تحصیلات جمعیت نمونه، شاخص مهمی برای تضمین اعتماد نسبت به معلومات به‌دست‌آمده از تحقیقات میدانی است. علاوه بر اینکه حضور افراد مختلف اعم از تحصیل‌یافته‌ها و کسانی که سواد کافی ندارند، می‌تواند در حمایت از اصل همه‌شمولی جمعیت نمونه، مؤثر باشد.

معلومات به‌دست‌آمده در این تحقیق نشان داده است که از مجموع افراد شامل جامعه نمونه که ۳۴۹۸ نفر را دربر دارد، ۲.۲٪ که ۷۸ نفر را شامل می‌گردد، تحصیلات بالاتر از لیسانس داشته و ۴۷.۱٪ شامل ۱۶۴۸ نفر به سویه لیسانس تحصیل نموده و ۲۱.۱٪ شامل ۷۳۹ نفر تا سطح بکلوریا و ۱۴.۸٪ شامل ۵۱۸ نفر پایین‌تر از سطح بکلوریا درس خوانده‌اند. همچنین ۱۲.۷٪ شامل ۴۴۵ نفر بی‌سواد بوده‌اند. درنهایت معلومات مربوط به سطح سواد و تحصیلات ۲.۰٪ شامل ۷۰ نفر باقی‌مانده، مشخص نشده و نامعلوم ثبت گردیده است.

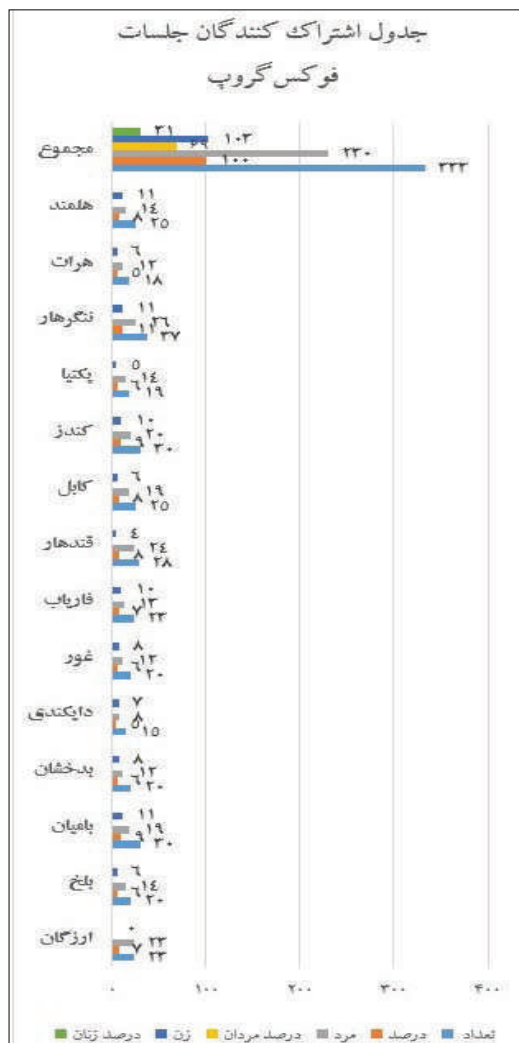
ز: محل زندگی (قریه/شهر)

یکی از شاخص‌های همه‌شمولی تحقیقات علمی یا سروی وضعیت که جمعیت آماری آن تمام نفوس یک کشور است، حضور باشندگان شهر و قریه در جمعیت نمونه است. در این تحقیق نیز سعی شده تا در ترکیب جمعیت نمونه از باشندگان شهر و قریه متناسب با ضرورت و استندردهای روش تحقیق مصاحبه‌گرفته‌شده و شامل جمعیت نمونه گردند. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان همواره تلاش نموده است تا در تمامی تحقیقات میدانی خویش، تناسب جمعیت نمونه را با کل جمعیت آماری با توجه به استندهای بین‌المللی روش تحقیق در نظر داشته باشد.

معلومات به ثبت رسیده از محل زندگی جمعیت نمونه نشان داده است که ۶۵.۸٪ کل مصاحبه‌شوندگان را باشندگان شهر تشکیل می‌دهند که شامل ۲۳۰۰ نفر می‌گردد. به‌این ترتیب ۴۴.۲٪ باقی‌مانده شامل ۱۱۹۸ نفر در قریه‌ها زندگی می‌کنند.

جدول معلومات شخى مصاحبه‌شوندگان			
شماره	جنسیت	تعداد	درصد
(۱)	مرد	۲۰۶۱	۵۸.۹٪
	زن	۱۴۰۵	۴۰.۲٪
	نامعلوم	۳۲	۰.۹٪
شماره (۲)	۱۲ تا تکمیل ۱۸ سال	۴۸۹	۱۴.۰٪
	۱۹ تا تکمیل ۳۹ سال	۲۴۱۲	۶۹.۰٪
	بالای چهل سال	۵۷۳	۱۶.۴٪
	نامعلوم	۲۴	۰.۷٪
شماره (۳)	متأمل	۱۹۹۶	۵۷.۱٪
	مجرد	۱۳۹۱	۳۹.۸٪
	بیوه یا طلاق شده	۸۷	۲.۵٪
	نامعلوم	۲۴	۰.۷٪
شماره (۴)	حالت جسمی	تعداد	درصد
	افراد دارای معلولیت	۱۰۰	۲.۹٪
	افراد سالم	۳۳۴۴	۹۵.۶٪
شماره (۵)	شغل	تعداد	درصد
	بیکار	۵۷۷	۱۶.۵٪
	دارای شغل آزاد	۵۰۰	۱۴.۳٪
	کارمند ادارات دولتی و غیردولتی	۱۱۱۹	۳۲.۰٪
	متعلم	۲۴۴	۷.۰٪
	محصل	۹۹۲	۲۸.۴٪
نامعلوم	۶۶	۱.۹٪	
شماره (۶)	دوجه تحصیل	تعداد	درصد
	بالتر از لیسانس	۷۸	۲.۲٪
	لیانس	۱۶۴۸	۴۷.۱٪
	بکلوریا	۷۳۹	۲۱.۱٪
	پایین تر از بکلوریا	۵۱۸	۱۴.۸٪
	بی سواد	۴۴۵	۱۲.۷٪
نامعلوم	۷۰	۲.۰٪	
شماره (۷)	محل زندگی	تعداد	درصد
	شهر	۲۳۰۰	۶۵.۸٪
	قریه	۱۱۹۸	۴۴.۲٪
	نامعلوم	۰	۰٪

اشتراک کنندگان فوکس گروپ



فوکس گروپ، یکی از نمونه‌های بحث‌های گروهی بوده و از مطمئن‌ترین وسایل جمع‌آوری معلومات موردنیاز یک تحقیق است، فوکس گروپ در بسته رهنمودی APF¹ نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین وسایل جمع‌آوری معلومات تحقیقات ملی، پیش‌بینی گردیده است.

در جلسات فوکس گروپ این تحقیق روی پرسش‌های مشخص با اشتراک ۳۳۳ نفر از فعالان حقوق بشر، جامعه مدنی، اصحاب رسانه، مسئولان و نمایندگان ادارات دولتی و نهادهای خصوصی، اعضای مجلس نمایندگان و شوراهای ولایتی، اعضای شورای علماء، اهل خبره و آگاهان امور و قربانیان تبعیض و نابرابری، بحث و تبادل نظر صورت گرفته است. در این مباحث دیدگاه‌ها و تجارب اشتراک کنندگان از روند مبارزه با تبعیض نژادی مطرح و روایت‌های متنوعی از تبعیض نژادی در سطح ملی و به‌خصوص تبعیض در ادارات دولتی نقل گردیده است.

از مجموع اشتراک کنندگان جلسات فوکس گروپ ۱۰۳ (۳۰.۹٪) نفر آن زن و ۲۳۰ (۶۹.۱٪) دیگر مرد بودند که در ۱۴ جلسه و در ولایت‌های ارزگان، بلخ، بامیان، بدخشان، دایکندی، غور، فاریاب، قندهار، کابل، کندهار، پکتیا، ننگرهار، هرات و هلمند دایر گردیدند. جلسات فوکس گروپ که در هر یکی از آن‌ها از ۱۵ تا ۳۷ نفر شرکت داشتند برای یک روز در ۱۴ ولایت یادشده برگزار گردیده است این جلسات زمان بیشتر از یک ماه را در بر گرفته است که نخستین جلسه آن در ۱۳ ماه سنبله ۱۳۹۷ و آخرین جلسه آن در ۲۸ ماه میزان ۱۳۹۷ دایر گردیده است.

چالش‌های فرا راه تحقیق و درس‌های که از آن آموخته شد

با توجه به شرایط افغانستان به لحاظ امنیتی و کمبود ظرفیت‌ها و شرایط جمع‌آوری معلومات به‌خصوص از مناطق دوردست و قریه‌های کشور، علاوه بر چالش‌های تخنیکی، روند انجام این تحقیق با مشکلات و چالش‌های متنوعی روبرو بوده است.

۱. چالش امنیتی

چالش امنیتی یکی از مهم‌ترین چالش‌های فرا راه این تحقیق بودن است. همکاران کمیسیون در جریان جمع‌آوری معلومات موردنیاز این تحقیق مجبور بودند به ولایت‌ها و مناطقی سفر نمایند که به لحاظ امنیتی با مشکلات جدی روبرو بوده‌اند. بر رغم تمام تلاش‌های که در این زمینه صورت گرفت، در نهایت این امکان به وجود نیامد تا بتوانیم به پنج ولایت پکتیکا، نورستان، سرپل، جوزجان و لوگر سفر نموده و معلومات موردنیاز را از این ولایت‌ها تهیه کنیم.

همکاران کمیسیون در جریان انجام تحقیق میدانی به کسانی برخوردند که به دلیل ترس از تعقیب یا پیگیری، توسط گروه‌های مخالف نخواستند مصاحبه انجام داده یا پرسش‌نامه تکمیل نمایند. این افراد واضحاً استدلال نموده‌اند که کسانی از گروه‌های مخالف دولت در شهرها و قریه‌ها مردم را تحت تعقیب خویش دارند تا اگر آنان ارتباط با افراد دولتی داشته باشند، شناسایی و در فرصت ممکن مجازات نمایند. به این دلیل این افراد حاضر به مصاحبه نشده و روند جمع‌آوری معلومات این تحقیق را با مشکل مواجه نموده بودند.

۲. چالش فرهنگی

با توجه به حاکمیت فرهنگ سنتی به‌خصوص در مناطق دوردست و قریه‌های کشور، انجام مصاحبه با زنان که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند با مشکلاتی روبرو بوده است. در برخی از مناطق خانواده‌ها این اجازه را به زنان نمی‌دادند تا حتا با همکاران ما که زن بودند، مصاحبه انجام دهند. بنابراین همکاران کمیسیون مجبور بودند دروازه‌های زیادی را بزنند تا بتوانند معلومات موردنیاز خویش را از تجارت زنان و دختران قریه‌ها و دهات کشور به دست بیاورند.

۱. APF شبکه منطقه‌ای متشکل از نهادهای ملی حقوق بشر ۲۵ کشور منطقه آسیا سسیفیک می‌باشد. برای معلومات بیشتر می‌توانید به آدرس انترنیتی زیر مراجعه کنید: <http://www.asiapacificforum.net/members>

۳. چالش ساختاری

تحولات اخیر در کشور به خصوص در زمینه روابط مردم با دولت، فاصله بین مردم و دولت را افزایش داده و اعتماد مردم را نسبت به برنامه‌های ملی کاهش داده است.

بنابراین تعداد زیادی از مردم به خصوص در قریه‌ها و دهات کشور، نمی‌خواهند با برنامه‌های از این نوع صادقانه همکاری نمایند. واقعیتی که سبب افزایش مشکلات در روند انجام تحقیق گردیده و جمع‌آوری معلومات مورد نیاز را در مطالعات میدانی با دشواری مواجه نموده بود.

اما با تمام مشکلات یاد شده، اجرای این تحقیق در نتیجه سعی و تلاش همکاران کمیسیون و نظارت مستقیم و مؤثر ریاست اجرائیه، با موفقیت انجام یافته و معلومات مورد نیاز آن مبتنی بر اصول و استانداردهای بین‌المللی روش تحقیق جمع‌آوری شده و دست بندی گردید.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در جریان این تحقیق متوجه گردید که جمع‌آوری معلومات از ولایت‌های کشور به خصوص مناطق روستایی و دورافتاده در مرحله انتخاب جمعیت نمونه، روند بسیار پیچیده و تخصصی می‌باشد که نیازمند دقت و شناخت لازم در این زمینه است. لذا تصمیم گرفت تا حداقل یکی از همکاران بخش تحقیق را که در روش تحقیق آموزش مورد نیاز را دیده بود از دفتر مرکزی به ولایت‌ها بفرستد تا در جریان جمع‌آوری معلومات در تحقیقات میدانی و برگزاری جلسات فوکس گروپ کارمندان دفاتر ساحوی و ولایتی را همکاری نماید.

حضور یکی از اعضای بخش تحقیق و مطالعات حقوق بشر در ترکیب گروه جمع‌آوری معلومات از قریه‌ها و دهات کشور و نیز در جریان جلسات فوکس گروپ، سبب گردیده است تا روند اجرای این تحقیق با اصول و معیارهای استاندارد روش تحقیق صورت گرفته و با چالش‌های تخنیکی کمتری مواجه باشد.



جریان جلسات فوکس گروپ در ولایت بلخ

دموگرافی یا جمعیت‌شناسی افغانستان

بر اساس آخرین آمار اداره مرکزی احصائیه در سال ۱۳۹۷ جمعیت افغانستان به ۳۱۵۷۵۰۱۸ نفر می‌رسد^۱ که از اقوام و مذاهب مختلفی تشکیل گردیده و به زبان‌های مختلف، صحبت می‌کنند.

تنوع قومی، مذهبی و زبانی جمعیت در افغانستان علاوه بر اینکه یکی از ویژگی‌های جذاب این سرزمین به حساب آمده و در طول تاریخ نماد زیبا و جذابی از همبستگی و تعاون ملی بوده است، یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های تبعیض نژادی نیز به شمار می‌رود.

الف: اقوام ساکن در افغانستان

مطالعات دموگرافی یا جمعیت‌شناسی در افغانستان تحت تأثیر گرایش‌های فردی و جمعی محققان، تاکنون به نتیجه قابل اعتباری نرسیده و آمار به نشر رسیده در این نوع از مطالعات از فی صدی اقوام، همیشه در تناقض با یکدیگر و مورد اعتراض بوده است. در سال ۱۳۹۱ آکادمی علوم افغانستان با بازنگری «دایرةالمعارف آریانا» آماری را از در صدی اقوام افغانستان به نشر رساند که رسماً از سوی اداره مرکزی احصائیه کشور رد گردید. رئیس اداره مرکزی احصائیه در مصاحبه با بی بی سی در همان زمان تأیید نموده بود که تاکنون هیچ کار رسمی در زمینه تثبیت در صدی اقوام در افغانستان انجام نیافته است.^۲

تنها در مورد اقوام کوچک سیک‌ها، هندوها و جت‌ها یا جوگی‌ها که در برخی از منابع به نام فرقه‌های هندی آمده است^۳ به دلیل چالش‌های جدی که این اقوام تاکنون با آن مواجه بوده‌اند در برخی از رسانه‌ها آمار غیررسمی از تعداد آنان در افغانستان به نشر رسیده است. این آمار نشان می‌دهد که در حال حاضر در حدود ۱۰۰۰۰ (ده هزار) سیک و هندو^۴ و در حدود ۱۳۰۰۰ (سیزده هزار) جوگی در افغانستان زندگی می‌کنند. که اقوام یادشده ریشه هندی دارند^۵.

گزارش وزارت خارجه آمریکا در سال ۲۰۱۳ با عنوان «آزادی بین‌المللی دین» در بخش مربوط به افغانستان نشان می‌دهد که در آن زمان تنها ۳۰ خانواده هندو و ۶۸۵ خانواده سیک شامل ۴۵۰۰ عضو در افغانستان زندگی می‌کردند.^۶

نژادنامه افغان، نوشته ملا فیض محمد کاتب (۱۳۰۸) به‌عنوان یکی از

۱. اداره مرکزی احصائیه افغانستان، برآورد نفوس کشور در سال ۱۳۹۷ صفحه ۲

۲. <http://www.bbc.com/persian/afghanistan-afghan-ethnicity-figures> ۲۰۱۲/۰۶/۲۰۱۲/۱۲۰۶۱۱۰۲-k-

۳. کاتب، ملا فیض محمد، نژادنامه افغان، به اهتمام عزیز الله رحیمی، نشر؛ موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۷۲ صفحه ۱۴۷

4. <https://da.azadiradio.com/a/29628594.html>

۵. مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، دانشنامه بزرگ اسلامی، جلد ۱۷، مقاله شماره ۶۴۵۱، صفحات ۸-۹ قابل دریافت در لینک <http://lib.eshia.6451/17/23022/ir>

6. <https://photos.state.gov/libraries/afghanistan/941877/Reports/AF-GHANISTAN-IRF13.pdf>

فصل سوم

دموگرافی افغانستان

اقوام ساکن در افغانستان

مذاهب موجود در افغانستان

زبان‌های رایج در افغانستان

منابع مهم دموگرافی یا جمعیت‌شناسی افغانستان، از اقوام مختلفی شامل پشتون، تاجک، هزاره، اوزبیک، ترکمن، بلوچ، سادات، ایماق، عرب، قزلباش، کیانی، جغتای، دیگان، هندو، سواتی، شلمانی، تیراهی، کشمیری، کردوریکا، لیزگی یا لکزی، ارمنی، قلماق (تاتار)، حبشی، یهود، فرقه جدید الاسلام (پشه‌ای و نورستانی)^۲ و فرقه دولت‌شاهی، یاد نموده است.^۳

قابل‌یادآوری است که قانون اساسی افغانستان نیز در ماده چهارم^۴ خویش از برخی اقوام موجود در افغانستان یاد نموده و همچنین در ماده بیستم^۵ خویش تأکید نموده است که از اقوام ساکن در افغانستان در سرود ملی نام‌برده می‌شود. اما هر دو ماده نتوانسته نام تمامی اقوام ساکن در افغانستان درج نماید بلکه به نام گرفتن تعدادی از اقوام بزرگ و شناخته‌شده در ماده ۴ اکتفا و اقوام کوچک را با جمله «سایر اقوام» تحت پوشش قرار داده است.

نکته قابل‌تأمل در زمینه هویت قومی شهروندان افغانستان این است که علاوه بر این که از برخی از اقوام ساکن در افغانستان ضمن ماده چهارم قانون اساسی نام‌گرفته شده است، ولی در توزیع تذکره، هویت قومی برخی از اقوام کوچک ضمن اقوام بزرگ‌تر ادغام گردیده است. مثلاً هویت قومی سادات مناطق پشتون نشین و اکثر اقوام ساکن ولایت نورستان، پشتون، اقوام هزاره سنی و ایماق، تاجک و سادات مناطق هزاره نشین، هزاره درج شده است.

ب: مذاهب موجود در افغانستان

مطالعات کمیسیون نشان داده است که در افغانستان علاوه بر پیروان مذاهب دین مقدس اسلام، تعدادی از پیروان ادیان هندو، مسیحی و بهایی نیز وجود دارند. ولی هیچ آمار معتبری در مورد تثبیت تعداد یا کمیت پیروان مذاهب و ادیان موجود در افغانستان، وجود ندارد. وزارت خارجه آمریکا در گزارش سالانه ۲۰۱۶ خود در مورد «آزادی بین‌المللی مذهبی» در افغانستان نوشته است؛ «هیچ آمار قابل‌اعتباری در مورد درصد پیروان مذاهب و ادیان در افغانستان وجود ندارد».

علاوه بر این گزارش وزارت خارجه آمریکا در سال ۲۰۱۳ گزارشی را به نشر رسانده بود که بر اساس آن آمار پیروان مذاهب سنی جمعاً ۸۰٪ کل جمعیت کشور، (در این گزارش جمعیت افغانستان در سال ۲۰۱۳ میلادی ۳۱.۱ میلیون نفر تخمین گردیده بود) پیروان مذهب شیعی شامل شیعه دوازده‌امامی و شیعه اسماعیلیه حدود ۱۹٪ جمعیت کشور و پیروان سایر ادیان مثل هندو، مسیحی و بهایی کمتر از ۱٪ جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند.^۶

ج: زبان‌های رایج در افغانستان

مطالعات محققین وجود بیش از ۳۰ زبان را در افغانستان تأیید می‌کند.^۷ دری، پشتو، اوزبیک، ترکمنی، بلوچی، پشه‌ای، پامیری، قیرقیزی، قزاقی، ایغوری، گجری، گورتبی، پارونی، انکویی، وایگلی که‌ته، پراچی، منجی، واخی، سریگی، سنگلیچی، زیباکی، اشکاشمی، شغنی، روشانی و وارشری، از زبان‌های شناخته‌شده در افغانستان است که بیشتر این زبان‌ها در دو ولایت نورستان و بدخشان مورد استفاده می‌باشند^۸

هنوز هیچ آمار مورد اعتبار و موثقی در مورد درصدی جمعیت‌های که به زبان‌های یادشده صحبت می‌کنند، وجود نداشته و تحقیق مهمی نیز در این مورد انجام نیافته است.

۱. کاتب، ملا فیض محمد همان، ۲ صفحه ۱۵۱

۲. ملا فیض محمد کاتب در این کتاب اقوام پشه‌ای و نورستانی را بنام فرقه جدیدالاسلام یاد نموده است. (صفحه ۱۵۴)

۳. کاتب، ملا فیض محمد، همان

۴. ملت افغانستان متشکل از اقوام پشتون، تاجک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، پشه‌ای، نورستانی، ایماق، عرب، قرغیز، قزلباش، گوجر، براهوی و سایر اقوام می‌باشد. (بند ۳ ماده ۴ قانون اساسی ج.ا.ا)

۵. سرود ملی افغانستان به زبان پشتو و با ذکر الله اکبر و نام اقوام افغانستان هست. (ماده بیستم قانون اساسی ج.ا.ا)

6. <https://www.state.gov/documents/organization/269168.pdf>

7. <https://photos.state.gov/libraries/afghanistan/941877/Reports/AFGHANISTAN-IRF13.pdf>

8. http://www.bbc.com/persian/afghanistan/2010/02/100221_k02-afghan-local-languages

9. <https://photos.state.gov/libraries/afghanistan/941877/Reports/AFGHANISTAN-IRF13.pdf>

مبانی حقوقی حمایت از برابری و منع تبعیض نژادی

تبعیض نژادی در تاریخ بشر یکی از واقعیت‌های دردناکی است که همواره جامعه انسانی را زجر داده و جمعیت‌های زیادی را قربانی گرفته است. تبعیض نژادی یا اندیشه برتری‌طلبی برخی از انسان‌ها بر برخی دیگری به دلایل تعلقات مربوط به نژاد یا قوم، نسب، ملت، دین و مذهب یا زبان، یکی از مبانی تاریخی بردگی در جامعه بشری بوده و بر بنیاد این اندیشه میلیون‌های انسان در سراسر جهان به بردگی گرفته شده است.

در تاریخ افغانستان نیز نگاه تبعیض‌گرایانه نظام و حلقات بر سر اقتدار دوره‌های تاریخی، سبب گردیده بود تا گروه‌ها و حلقات خاصی به دلیل تعلقات قومی، نسبی، زبانی یا دینی و مذهبی‌شان وضعیتی نابرابری را در زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تجربه نموده به بردگی کشیده شده و از دسترسی به حقوق و آزادی‌های اساسی خویش محروم گردند.

دردها و فجایع گسترده ناشی از نژادپرستی به‌خصوص در اواسط قرن بیستم میلادی، اندیشمندان و جریان‌های نوگرا و طرفدار برابری و کرامت ذاتی بشر را واداشت تا تلاش هماهنگی را آغاز و اندیشه حمایت از بشر را ضمن سازوکارهای حقوق بین‌الملل، طرح و ساختارمند سازند.

منع تبعیض نژادی علاوه بر این که ضمن قواعد و مقررات بین‌المللی تسجیل گردیده و مورد حمایت بوده است در قوانین ملی افغانستان نیز به تبع از اسناد بین‌المللی مورد حمایت قرار گرفته و قانون اساسی و قوانین عادی افغانستان یکجا از آن حمایت نموده‌اند.

الف: اسناد بین‌المللی

منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از مهم‌ترین اسنادی می‌باشند که علاوه بر کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی بر برابری و عدم تبعیض تأکید داشته و سنگ بنای جامعه عادل و عاری از تبعیض را گذاشته و مسیر تازه‌ی را برای زندگی اجتماعی بشر معرفی نموده است.

۱: منشور سازمان ملل متحد^۱

منشور سازمان ملل متحد از عدم تبعیض نژادی به‌عنوان یکی از اولویت‌های زندگی اجتماعی با قاطعیت حمایت نموده و برابری و عدالت را ضامن دسترسی به حقوق و آزادی‌های اساسی و دلیل نجات بشریت عنوان نموده است. بند دوم مقدمه منشور با تأکید بر برابری حقوقی خانواده بشری، تعهد جامعه جهانی را نیز بر ضرورت و رعایت برابری، درخواست نموده است.^۲ همچنین بند سوم ماده اول و بند دوم ماده سیزدهم این منشور اعلان نموده است که همکاری‌های بین‌المللی در حل مسائل مربوط به زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و

۱. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۲۶ جون ۱۹۴۵.

۲. قبلی، بند دوم مقدمه.

فصل چهارم

مبانی حقوقی یا چارچوب نظری

مبانی حقوقی

اسناد بین‌المللی

قوانین ملی

فرهنگی، سبب پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان و یا مذهب می‌گردد.^۱ این منشور همچنین در بند ج ماده‌های ۵۵ و ۷۶ خویش، احترام جهانی به حقوق و آزادی‌های اساسی بشری را بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس و زبان یا مذهب، مورد تأکید قرار داده است.

۲: اعلامیه جهانی حقوق بشر^۲

اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز با صراحت تبعیض نژادی را منع و بر برابری و تساوی حقوق همه گروه‌ها و جمعیت‌های انسانی تأکید نموده است. این اعلامیه در بند اول مقدمه خویش شناسایی کرامت ذاتی و برابری حقوقی کلیه خانواده بشری را بدون تبعیض، اساس آزادی، عدالت و صلح تعریف نموده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر برابری ذاتی انسان‌ها را ضمن ماده اول خویش تسجیل نموده می‌نویسد: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق باهم برابرند، همه دارای عقل و وجدان می‌باشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.»^۳ همچنین این اعلامیه ضمن ماده دوم خویش تبعیض بین گروه‌ها و جمعیت‌های بشری را بر مبنای نژاد، قوم و سایر تعلقات خونی و اتنیکی، ممنوع قرار داده است.

«هرکس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز، مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت‌ها، وضع اجتماعی، ثروت و ولادت یا هر موقعیت دیگر از تمام حقوق و کلیه آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است بهره‌مند گردد.»^۴ ماده ۷ مبنی بر برابری انسان‌ها و عدم تبعیض در دسترسی به قانون، ماده ۱۰ مبنی بر برابری و عدم تبعیض بین جامعه بشری، در دسترسی به محاکم و ماده ۱۶ مبنی بر برابری و عدم تبعیض بین کلیه خانواده بشری در ازدواج و تشکیل خانواده از مواد دیگری است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر بر منع تبعیض نژادی تأکید داشته است.

۳: میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز ضمن ماده دوم خویش علاوه بر تأکید بر برابری و عدم تبعیض به لحاظ نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب و عقاید سیاسی بین افراد بشر به دولت‌ها وظیفه دارد است تا ضمانت‌های حقوقی و قانونی حمایت از حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان خویش را در قانون اساسی و قوانین عادی به وجود آورده و ظرفیت‌های ساختاری صالحی را جهت دادرسی به قضایای نقض حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان به وجود آورند.^۵ ماده ۲۷ این میثاق در حمایت از حقوق اقلیت‌های نژادی، مذهبی و زبانی می‌نویسد: «در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی، مذهبی یا زبانی وجود دارند، اشخاص متعلق به اقلیت‌های مزبور را نمی‌توان از این حق محروم نمود که مجموعاً با سایر افراد گروه خودشان از فرهنگ خاص متمتع شوند و به دین خود متدین بوده و بر طبق آن عمل کنند، یا به زبان خود تکلم نمایند.»^۶

۴: میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

این میثاق نیز در ماده دوم خویش ضمن مکلف ساختن دولت‌های عضو در رابطه به تأمین زمینه‌ها و شرایط بهره‌مندی شهروندان از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی‌شان، تأکید نموده است که تأمین این شرایط بدون تبعیض به لحاظ نژاد، رنگ، زبان، مذهب و عقاید سیاسی، صورت گرفته باشد.^۷

۵: کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی

کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی اساسی‌ترین گام سازمان ملل متحد در زمینه منع تبعیض نژادی است که در ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. این سند حقوقی مبنای روشن منع هر نوع تبعیض نژادی بوده و رهنمودهای مؤثری را در زمینه مبارزه با تبعیض نژادی در سطوح ملی و بین‌المللی پیشنهاد نموده است.

این کنوانسیون به منظور حمایت از برابری و تشویق دولت به جرم‌انگاری هر نوع رفتاری که برتری نژادی و نفرت پراکنی را دامن بزند به وجود آمده و نیز دولت‌ها را تشویق می‌کند تا با شهروندان و کسانی که در قلمرو تحت حاکمیت آنان زندگی می‌کنند برخورد برابر و عاری

۱. قبلی، بند سه ماده اول و بند دوم ماده سیزدهم.

۲. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸

۳. قبلی، ماده اول

۴. قبلی، بند اول، ماده دوم.

۵. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲، ۱۹۶۶

۶. قبلی، ماده ۲۷

۷. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۲، ۱۹۶۶

از تبعیض داشته باشند.

کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی در بند اول مقدمه خود بیان می‌دارد: «نظر به اینکه منشور ملل متحد مبتنی بر اصول حیثیت ذاتی و تساوی کلیه افراد انسانی و کلیه دول عضو ملل متحد، متعهد شده‌اند که منفرداً و مشترکاً با همکاری سازمان برای نیل به یکی از هدف‌های ملل متحد یعنی توسعه و تشویق احترام جهانی و واقعی به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تمایز نژاد یا جنس یا زبان و یا مذهب اقدام نمایند.»

ماده اول این کنوانسیون تبعیض نژادی را تعریف نموده می‌نویسد: «تبعیض نژادی اطلاق می‌شود به هر نوع تمایز و ممنوعیت یا محدودیت و یا رجحانی که بر اساس نژاد و رنگ یا نسب و یا منشأ ملی و یا قومی مبتنی بوده و هدف یا اثر آن از بین بردن و یا در معرض تهدید و مخاطره قراردادن شناسایی یا تمتع و یا استیفا در شرایط متساوی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و یا در هر زمینه دیگری از حیات عمومی باشد.»

این کنوانسیون در ابتدا اعلام می‌کند که مفهوم عبارت تبعیض نژادی موضوعات وسیعی را در نظر گرفته که شامل زبان و مذهب نیز می‌شود و به کارگیری واژه نژاد صرف به معنای عبارتی آن نبوده و مفاهیم نژاد، قوم، نسب، زبان و مذهب را در مجموع شامل می‌شود.

به این دلیل کنوانسیون منع هرگونه تبعیض نژادی سندی قابل استناد برای بررسی وضعیت در کشورهای که جمعیت با تفاوت‌های نژادی، قومی، نسبی، زبانی و مذهبی دارند، هست.

بر اساس تعریفی که از تبعیض نژادی ارائه می‌شود، مقصود از تبعیض نژادی تنها تبعیضی نیست که بر اساس رنگ یا پوست اعمال می‌گردد. بلکه هرگونه تبعیض فرهنگی، سیاسی و اجتماعی را شامل می‌شود که به لحاظ وابستگی‌های قومی، دینی یا مذهبی و زبانی اعمال شده و به هدف از بین بردن فرهنگ و آزادی‌های اساسی یک جمع یا گروه انسانی بکار برده می‌شود.

بر اساس ماده دوم این سند مهم بین‌المللی تمام دولت‌های عضو متعهد به ایجاد میکانیزم‌ها و ساختارهای ملی به هدف منع تبعیض و احترام به برابری و عدالت می‌باشند. همچنین این کنوانسیون عدم تبعیض بین شهروندان را حمایت نموده و ضمن ماده سوم خویش جداسازی جمعیت‌ها را بر اساس وابستگی‌های قومی، نژادی، نسبی، دینی و زبانی ممنوع اعلان نموده است.

مبتنی بر مفاد ماده چهارم این کنوانسیون «تبلیغ هر نوع افکار و نظریه‌هایی که مبتنی بر برتری نژادی، یا هر نوع تنفر و تبعیض نژادی باشد» باید تقبیح و جلوی آن گرفته شود؛ بنابراین نشر و تبلیغ هرگونه افکار و نظریه‌هایی که برتری یک نژاد و یا گروه از اشخاص را که رنگ و یا منشأ قومی و نسبی خاص دارند یا به دلیل وابستگی زبانی و مذهبی متفاوت می‌باشند، ممنوع بوده و قابل پیگرد قانونی است.

ماده پنجم کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی از دسترسی برابر شهروندان به حقوق و امتیازات اساسی‌شان به صورت برابر و بدون تفکیک حمایت نموده و تأکید نموده است که هر شهروند یک کشور حق دارد بدون تفکیک و تبعیض به تمام حقوق و آزادی‌های اساسی خویش دسترسی داشته باشد.

تأکید بر جرم‌انگاری رفتارهای تبعیض‌آمیز که ریشه در تفاوت‌های نژادی، قومی، زبانی و دینی- مذهبی دارد، از مهم‌ترین موضوعات مورد حمایت این کنوانسیون است که در ماده ششم آن تسجیل گردیده است. بر اساس مفاد این ماده، دولت‌ها متعهد می‌باشند تا زمینه‌ها و شرایط مورد نیاز جبران خسارت قربانیان تبعیض نژادی را نیز به وجود آورند.

مکلفیت دولت‌ها در زمینه مبارزه با تبعیض نژادی ضمن ماده هفتم این کنوانسیون توضیح داده شده است. بر اساس مفاد این ماده، دولت‌های عضو کنوانسیون مکلف است به منظور مبارزه با تعصباتی که منجر به تبعیضات نژادی می‌شود و نیز برای تعمیم و بسط تفاهم و روح گذشت و سازش و مودت بین گروه‌های مختلف نژادی، قومی، نسبی، زبانی و مذهبی برنامه‌های عملی را روی دست گیرند. برنامه‌های که شامل جرم‌انگاری این گونه رفتارها نیز می‌گردد.

۶: اعلامیه درباره محو همه اشکال تعصب و تبعیض مبتنی بر دین یا اعتقاد

اعلامیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد با عنوان اعلامیه درباره محو همه اشکال تعصب و تبعیض مبتنی بر دین یا اعتقاد که در ۲۵ نوامبر ۱۹۸۱ به نشر رسید، سندی دیگری است که تبعیض مبتنی بر مذهب و اعتقاد را منع نموده و بر شاخص‌های مذهب و عقیده به صورت واضح تأکید نموده و هرگونه تمایز و نابرابری در دسترسی به حقوق و آزادی‌های اساسی بین شهروندان یک کشور را مبتنی بر دو

شاخص یادشده، ممنوع اعلان نموده است. این اعلامیه در ماده دوم خویش می‌نویسد: هیچ‌کس نمی‌تواند به خاطر مذهب یا عقیده‌اش از طرف دولت، نهاد، گروه، یا هیچ فردی مورد تبعیض قرار گیرد^۱.

۷: اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی یا زبانی

تلاش جامعه جهانی و سازمان ملل متحد در راستای منع تبعیض نژادی همچنان ادامه یافته و در ۱۸ دسامبر سال ۱۹۹۲ اعلامیه دیگری با عنوان اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی یا قومی، مذهبی یا زبانی را با تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد به نشر رساند. این اعلامیه که هدف اساسی آن حمایت از حقوق اقلیت‌های ملی، قومی، مذهبی و زبانی است یکی از مهم‌ترین گام‌های سازمان ملل متحد در راستای منع تبعیض نژادی شمرده شده و به دولت‌ها وظیفه می‌دهد تا ظرفیت‌های حقوقی و ساختاری حمایت از حقوق اقلیت‌ها را در قلمرو خویش ایجاد و ضمانت‌های دسترسی آنان را به حقوق و آزادی‌های اساسی‌شان، به وجود آورند.

ماده اول این اعلامیه پیام روشن برای دولت‌ها داشته می‌نویسد: «دولت‌ها در قلمروی خویش از موجودیت و هویت ملی یا قومی، فرهنگی، مذهبی یا زبانی اقلیت‌ها حمایت می‌کنند و به برقراری شرایط تعالی این هویت کمک می‌نمایند. دولت‌ها تدابیری قانونی یا غیر آن را که برای رسیدن به این هدف‌ها ضروری است، اتخاذ می‌کنند^۲». این اعلامیه در زمان که شهروندان تعداد زیادی از کشورهای جهان با چالش‌های جدی عدم برابری روبرو بوده و تبعیض علیه اقلیت‌های ملی، یا قومی، مذهبی یا زبانی به تهدید جدی علیه امنیت جهانی تبدیل گردیده بود، از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد، صادر و راهکار مطمئنی جهت دسترسی به حقوق و آزادی‌های اساسی اقلیت‌های ملی، قومی، مذهبی و زبانی به حساب می‌آید.

تعهدات دولت‌های عضو کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی

با توجه به مبانی حقوقی منع تبعیض نژادی در حقوق و اسناد بین‌المللی به‌خصوص کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی، دولت‌های عضو سازمان ملل متحد و به‌صورت مشخص دولت‌های که به کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی، الحاق نموده‌اند، متعهد به اقداماتی است که در بخش اول کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی تسجیل گردیده و شامل پنج مورد زیر می‌گردد:

۱: تعهد به شناسایی و تعریف؛

بر اساس این تعهد دولت‌های عضو مکلف به تعریف روشن از تبعیض نژادی است که ضمن قوانین و اسناد رسمی به تصویب برسد؛ (ماده ۱ کنوانسیون)

۲: تعهد به تقبیح و احترام؛

بر اساس این تعهد دولت‌های عضو مکلف به ایجاد میکانیزم و ساختارهای مشخص به هدف تقبیح تبعیض نژادی و احترام به برابری و عدم تبعیض می‌باشند؛ (ماده ۲ کنوانسیون)

۳: تعهد به حمایت‌های حقوقی؛

تعهد به حمایت‌های حقوقی شامل چهار بخش اساسی می‌گردد. یک؛ وضع قوانین حمایتی یعنی قوانین که در حمایت از برابری و منع تبعیض به تصویب می‌رسند. دو؛ قوانین که رفتارهای تبعیض‌آمیز را جرم‌انگاری می‌نماید. سه؛ قوانینی که برای عاملان این گونه رفتارها، مجازات پیش‌بینی نموده باشد و چهار؛ قوانین که ظرفیت‌های جبران خسارت قربانیان را پیش‌بینی نموده باشد؛ که به‌صورت خلاصه می‌توان از این تعهدات به تعهد به حمایت، تعهد به جرم‌انگاری، تعهد به مجازات عاملین و تعهد به جبران خسارت قربانیان، یاد نمود. (ماده‌های ۲، ۴ و ۶ کنوانسیون)

۴: تعهد به حفظ وحدت ملی و عدم تفکیک شهروندان؛

بر اساس این تعهد دولت‌های عضو متعهد به حفظ وحدت ملی و یکپارچگی بوده و میکانیزم‌های موردنیاز تحقق حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان را بدون تفکیک به وجود می‌آورند؛ (ماده‌های ۲، ۳ و ۵ کنوانسیون)

۱. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه درباره محو همه اشکال تعصب و تبعیض مبتنی بر دین یا اعتقاد، ماده دوم ۱۹۸۱

۲. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی، یا قومی، مذهبی یا زبانی، ماده اول ۱۹۹۲

۵: تعهد به آموزش و توسعه آگاهی عامه؛

بر اساس این تعهد دولت‌های عضو متعهد به مبارزه با تبعیض نژادی بوده و سعی خواهند کرد، جهت تعمیم روحیه‌ی تفاهم و گذشت، اقدامات مؤثر از طریق تعلیم و تربیت، برنامه‌های فرهنگی و نشراتی، روی دست گردند. (ماده ۷ کنوانسیون)

ب: قوانین ملی

(در راستای تطبیق ماده‌های ۲، ۴، ۶ و ۷ کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی. معطوف به تعهدات دولت افغانستان در مورد منع تبعیض نژادی، مبنی بر حمایت و قانون‌گذاری، مجازات عاملین و جبران خسارت قربانیان)

تبعیض و نابرابری در میان اقوام، طوایف، مذاهب و زبان‌های مختلف کشور در قوانین ملی نیز ممنوع قرار داده شده و مبادرت به این نوع رفتارها ضمن قوانین جزایی کشور جرم محسوب گردیده است. منع تبعیض در قوانین ملی افغانستان اعم از قانون اساسی و قوانین عادی تسجیل گردیده و علاوه بر حمایت جدی که از عدم تبعیض و برابری شهروندان در تمامی زمینه‌های زندگی صورت گرفته است، رفتارهای مغایر با برابری شهروندان و دامن زدن به تبعیض نژادی، جرم‌انگاری گردیده و قابل مجازات دانسته شده است. به این دلیل می‌توانیم قوانین افغانستان را در دو گروه قوانین حمایتی و قوانین جزایی، دسته‌بندی کرده و هرکدام را به صورت جداگانه مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم.

گروه اول: قوانین حمایتی

(در راستای تطبیق ماده‌های ۲، ۴ و ۷ کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی)

قوانین حمایتی شامل آن دسته‌ای از قوانین می‌گردد که در حمایت از حقوق و آزادی اساسی بشری شهروندان به تصویب رسیده و علاوه بر شناسایی مصادیق حقوق و آزادی‌های بشری، رفتارهای که در مغایرت با آن‌ها قرار داشته باشند را ممنوع قرار می‌دهد. قوانین حمایتی در کنار قوانین جزایی قرار دارند. در قوانین جزایی علاوه بر جرم‌انگاری رفتارهای که حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان را نقض می‌کند، مجازات مشخصی نیز برای عاملین جرائم پیش‌بینی گردیده است.

۱: قانون اساسی افغانستان

قانون اساسی افغانستان منع تبعیض یا برابری شهروندی را به‌عنوان یکی از اصول خویش ضمن ماده ۲۲ با صراحت مورد حمایت قرار داده است. «هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است. اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می‌باشند.»

ماده ۲۲ علاوه بر این که تبعیض بین اتباع (شهروندان) کشور را ممنوع قرار داده و تمام اقوام، نسب‌ها و پیروان مذاهب و ادیان مختلف و کسانی که با زبان‌های مختلف صحبت می‌کنند را باهم برابر دانسته است، هر نوع تبعیض و تمایز بین زن و مرد را نیز ممنوع اعلان نموده است؛ بنابراین هر رفتاری که تمایز و تبعیض بین اقوام، طوایف، مذاهب و زبان‌های مختلف کشور، ایجاد نماید، ممنوع به حساب می‌آید.

ماده ۴ قانون اساسی در تعریف ملت افغانستان گفته است؛ «ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادی که تابعیت افغانستان را دارا باشند.» بر اساس این متن، تمام کسانی که تابعیت افغانستان را داشته باشند، بدون تبعیض عضو ملت افغانستان بوده و هیچ نوع تبعیض و تمایز بین آن‌ها وجود ندارد.

ماده ششم قانون اساسی معطوف به مسؤلیت دولت نسبت به تأمین شرایط برابر و بدون تبعیض برای شهروندان در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی می‌نویسد: «دولت به ایجاد یک جامعه مرفه و مترقی بر اساس عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، حمایت حقوق بشر، تحقق دموکراسی، تأمین وحدت ملی، برابری بین همه اقوام و قبایل و انکشاف متوازن در تمام مناطق کشور مکلف می‌باشد.» ماده ۶ قانون اساسی هر نوع تبعیض و تمایز بین شهروندان کشور را به لحاظ قومی، مذهبی و زبانی و هر لحاظ دیگر در زمینه‌های بهره‌مندی از رفاه و عدالت اجتماعی، کرامت انسانی، حقوق آزادی‌های بشری، نظام دموکراتیک و وحدت ملی، ممنوع قرار داده است.

ماده هفتم قانون اساسی با تأکید بر مسؤلیت درزمینه رعایت میثاق‌ها و معاهدات بین‌المللی که به آن‌ها ملحق گردیده است، عملاً تعهد

۱. دولت جمهوری اسلامی افغانستان، قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، (۱۳۸۲) جریده رسمی ۸۱۸، ماده ۲۲

۲. قبلی، ماده ۴ بند ۲

۳. قبلی ماده ۶

دولت را در زمینه رعایت مفاد اسناد بین‌المللی مربوط به منع تبعیض به شمول کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی، تسجیل نموده است؛ زیرا همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره گردید دولت افغانستان کنوانسیون منع تبعیض نژادی را در سال ۱۹۸۰ امضاء نموده و در سال ۲۰۰۳ رسماً به آن ملحق گردید. بنابراین دولت مکلف به رعایت تمام مفاد این کنوانسیون بوده و عدول از مفاد این سند بین‌المللی در مغایرت با ماده ۷ قانون اساسی و ماده ۱۲ قانون معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی افغانستان^۱ خواهد بود.

به‌صورت کلی مواد مربوط به فصل دوم قانون اساسی در مجموع به گونه طرح گردیده است که تبعیض و نابرابری را در میان شهروندان کشور اعم از اقوام، طوایف، مذاهب و زبان‌های مختلف و زن و مرد، ممنوع قرار داده و ضمانت‌های بهره‌مندی یکسان و بدون تبعیض از حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندی را فراهم نموده است.

برابری حقوقی شهروندان در امر استخدام در ادارات دولتی و خدمت به دولت ضمن ماده پنجاهم قانون اساسی تضمین گردیده است. بر اساس مفاد این ماده از قانون «اتباع افغانستان بر اساس اهلیت و بدون هیچ‌گونه تبعیض و به‌موجب احکام قانون به خدمت دولت پذیرفته می‌شوند»^۲.

اصل برابری شهروندان در روند خدمت به دولت و استخدام و نیز منع برخورد تبعیض‌گرایانه با استفاده از مقام و جایگاه دولتی، ضمن ماده هشتماد قانون اساسی نیز مورد حمایت قرار دارد. این ماده قانون خطاب به وزرای کابینه می‌نویسد: «وزرا نمی‌توانند در زمان تصدی وظیفه از مقام خود به ملحوظات لسانی، سمتی، قومی، مذهبی و حزبی استفاده نمایند».

۲: قانون کار افغانستان

این قانون در پیوند با قانون اساسی کشور، تبعیض را به‌صورت کلی و تبعیض نژادی را به‌صورت موردی منع قرار داده و ضمن ماده نهم خویش با صراحت برخورد تبعیض‌گرایانه را در زمینه استخدام تأدیه معاش و امتیاز، انتخاب شغل و حرفه، کسب مهارت و تخصص، حق تحصیل و تأمینات اجتماعی، ممنوع قرار داده است.^۳

۳: قانون کارکنان خدمات ملکی افغانستان

قانون کارکنان خدمات ملکی افغانستان ضمن مواد ۲، ۱۰، ۱۲، ۱۷، ۲۵ و ۲۸ خویش موضوعات مهمی را در زمینه‌های منع برخورد تبعیض‌گرایانه مأمورین کمیسیون اصلاحات اداری، رعایت توازن قومی در بخش‌های خدمات ملکی و منع تبعیض بر اساس معیارهای نژادی، قومی، دینی - مذهبی و زبانی در زمینه‌های استخدام و تأدیه امتیازات مالی و اداری، تسجیل نموده است.^۴

۴: قانون اجرائات اداری افغانستان

قانون اجرائات اداری افغانستان ضمن ماده‌های ۷ و ۸ خویش، هر نوع عمل تبعیض‌آمیز را در اداره عامه، ممنوع قرار داده و کارکنان ادارات عامه را مکلف به برخورد بی‌طرفانه و عاری از تبعیض در روند اعطای امتیازات مربوط به اداره، نموده است.^۵

۵: قانون معارف

قانون معارف نیز ضمن ماده سوم خویش هر نوع تبعیض در معارف را ممنوع قرار داده و نوشته است «اتباع جمهوری اسلامی افغانستان، بدون هیچ نوع تبعیض، دارای حق مساوی تعلیم و تربیه می‌باشند»^۶.

۶: مسوده قانون منع تبعیض

دولت افغانستان در سال اخیر مسوده قانون منع تبعیض را نیز تهیه نموده است. این مسوده تاکنون به تصویب پارلمان نرسیده است. در این مسوده تبعیض تعریف گردیده و به دو نوع مستقیم و غیرمستقیم دسته‌بندی شده است. همچنین بر اساس مفاد فصل دوم این مسوده

۱. وزارت‌ها و ادارات دولتی مکلف‌اند تدابیر لازم را جهت اجرای معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای پروتکل‌ها و یادداشت‌های تفاهم مندرج این قانون در عرصه‌های مربوطه اتخاذ نمایند (ماده ۱۲ قانون معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی افغانستان ۱۳۹۵)

۲. قانون اساسی افغانستان بند آخر ماده ۵۰

۳. وزارت عدلیه دولت ج.ا.ا. قانون کارکنان خدمات ملکی افغانستان، ۱۳۸۷، جریده رسمی شماره ۹۵۱، ماده‌های ۲، ۱۰، ۱۲، ۱۷، ۲۵ و ۲۸

۴. وزارت عدلیه دولت ج.ا.ا. قانون کار افغانستان، ۱۳۸۵، جریده رسمی شماره ۹۱۴، ماده ۹

۵. وزارت عدلیه دولت ج.ا.ا. قانون اجرائات اداری افغانستان، ۱۳۹۷، جریده رسمی شماره ۱۲۹۸، ماده‌های ۷ و ۸

۶. وزارت عدلیه دولت ج.ا.ا. قانون معارف افغانستان، ۱۳۸۷، جریده رسمی شماره ۹۵۵، ماده ۳

قانون اعمال هر تبعیض در حوزه‌های استخدام و تفری، کار، آموزش و تحصیل، تقاعد، ارتقای رتب و اعطای مدال، نشان و القاب، روند اسکان مجدد و حمایت‌های دولتی از عودت کنندگان مهاجر و بیجا شدگان داخلی، برنامه‌های توزیع منابع ملی و ارائه خدمات عمومی، روند ارائه خدمات اداری، قراردادهای و پروژه‌ها، ممنوع قرار داده شده است.

گروه دوم: قوانین جزایی

(در راستای تطبیق ماده‌های ۴ و ۶ کنوانسیون منع تبعیض هر نوع نژادی)

همان‌گونه که اشاره گردید قوانین جزایی شامل قوانینی می‌گردد که رفتارهای مغایر با حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان را جرم دانسته و برای عاملین آن، مجازات پیش‌بینی نموده است. در افغانستان تا قبل از اتفاد کد جزا قوانین متعدد جزایی وجود داشت که پس از تصویب و انفاذ کد جزا، تمامی مواد جزایی این قوانین نیز در این قانون جمع‌آوری شده و به تصویب رسید؛ بنابراین در حال حاضر کد جزای افغانستان به‌عنوان مهم‌ترین منبع قانونی در حوزه جزایی کشور شناخته شده و تمامی قوانین جزایی را در خود احتوا نموده است. البته باید یادآوری کرد که بعد از انفاذ کد جزای افغانستان، قوانین دیگری نیز به تصویب رسیده است که برخی از آنان دارای احکام جزایی نیز می‌باشد. مثل قانون منع شکنجه که موادی را مبنی بر مجازات مجرمین شکنجه بر مبنی تبعیض نژادی در خود تسجیل نموده است.

۱: کد جزای افغانستان

کد جزای افغانستان تبعیض و نابرابری را در میان اقوام، طوایف، مذاهب و زبان‌های مختلف منع نموده و رفتارهای که به تبعیض از جمله تبعیض نژادی دامن می‌زنند را جرم‌انگاری نموده و برای مرتکبین آن، مجازات تعیین نموده است.

ماده ۶ این قانون می‌نویسد: «مظنون، متهم و محکوم بدون نظر داشت تعلقات ملیتی، نژادی، زبانی، قبیله‌ای، دینی یا مذهبی، عقیده سیاسی، جنس، تحصیل، شغل، نسب، دارایی، موقف اجتماعی، محل سکونت و اقامت در برابر قانون از تساوی کامل برخوردار می‌باشند»^۱.

بر اساس مفاد ماده ۲۵۶ کد جزای افغانستان کسی که به تبعیض نژادی دعوت یا تحریک کند با برخورد قانونی مواجه گردیده و مجازات می‌گردد. ماده ۲۵۶ می‌نویسد:

(۱) شخصی که دیگری را به تبعیض یا تفرقه مذهبی، نژادی، قومی، زبانی یا منطقه‌ای دعوت یا تحریک نماید، حسب احوال به حبس متوسط محکوم می‌گردد.

(۲) هرگاه جرم مندرج فقره (۱) این ماده منتج به نتیجه گردد یا با علف و تهدید توأم باشد، مرتکب به حبس طویل تا هفت سال، محکوم می‌گردد.^۲

همچنین ماده ۸۷۰ کد جزای افغانستان با اشاره به جرایم مربوط به تبعیض نژادی در فضای مجازی می‌نویسد: هرگاه شخصی با استفاده از وسایل کمپیوتری یا انترنتی یا نشر نوار صوتی، تصویری یا نوشته در فضای سایبر تعصبات قومی، مذهبی، دینی، لسانی یا سمتی را در جامعه دامن بزند، به جزای نقدی از پنج هزار تا شصت هزار افغانی، محکوم میگردد. هرگاه جرم مندرج فقره (۱) این ماده منجر به خشونت یا ایجاد نفرت یا موجب شورش میان شهروندان کشور گردد به حبس متوسط محکوم می‌گردد.^۳

ماده ۸۷۱ این قانون با اشاره به مجازات کسانی که به ادیان یا مذاهب اهانت می‌کنند می‌نویسد: شخصی که با استفاده از سیستم، برنامه یا اطلاعات کمپیوتری در فضای سایبر به ادیان و میا مذاهب اسلامی موجود در کشور اهانت نماید، به حبس متوسط، محکوم می‌گردد.^۴

ماده ۴۰۹ کد جزا در رابطه به تبعیض در ادارات آورده است: (۱) هرگاه مؤظف خدمات عامه یا مؤظف دولت خارجی یا سازمان بین‌المللی یا بین‌الحکومتی یا مؤسسه غیردولتی به اساس ملاحظات شخصی، قومی، منطقه‌ای، زبانی، مذهبی، جنسیتی، سیاسی، عقیدتی یا به اساس پشتیبانی از گروه یا فرقه خاص، در اجرای وظایف یا ارائه خدمات یا سایر حالات از تبعیض کار گیرد، مرتکب به حبس قصیر یا

۱. وزارت عدلیه دولت ج.ا.ا، کد جزای ج.ا.ا، ۱۳۹۶ ج.۱، جریده رسمی شماره ۱۲۶۰، ماده ۶

۲. قبلی مده ۲۵۶

۳. قبلی ماده ۸۷۰

۴. قبلی ماده ۸۷۱

جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی محکوم می‌گردد. (۲) هرگاه عمل مندرج فقره (۱) این ماده توسط مقامات عالی‌رتبه دولتی یا مقامات عالی‌رتبه سایر مراجع ارتکاب یابد، مرتکب به حداکثر حبس متوسط یا به جزای نقدی سه صد هزار افغانی، محکوم می‌گردد.^۱

همچنین ماده ۲۱۸ کد جزای افغانستان در مورد جرایم که به سبب تعصبات نژادی، قومی، دینی، مذهبی، جنسیتی، سمتی، موقف اجتماعی یا اندیشه سیاسی ارتکاب می‌یابد، گفته است شامل احوال مشدده عمومی مسؤولیت جزایی می‌باشند.^۲

علاوه بر مواد فوق فقره ۴ ماده ۲۷۹ مبنی بر ممنوعیت تمویل تروریزم بر اساس ملاحظات سیاسی، عقیده‌تی، نژادی، قومی، مذهبی، اخلاقی یا سایر موارد مشابه، فقره ۷ ماده ۳۳۲ مبنی بر ممنوعیت جنایت تبعیض نژادی، ماده ۳۳۳ در مورد ارتکاب جرم نسل‌کشی، ماده ۳۳۴ مبنی بر مجازات مجرمین جرایم نسل‌کشی، فقره ۸ و ۱۰ ماده ۳۳۵ مبنی بر ممنوعیت تعقیب و آزار یک گروه خاص سیاسی، نژادی، ملی، قومی و مذهبی و شمردن تبعیض نژادی به‌عنوان یکی از مصادیق جرایم ضد بشری، بند ۵ ماده ۴۵۰ در مورد تعریف شکنجه و این که شکنجه مبتنی بر تبعیض باشد.

۲: قانون منع شکنجه

بند ۵ فقره اول ماده سوم قانون منع شکنجه^۳ در تعریف اصطلاح شکنجه، ارتکاب عمل شکنجه مبنی بر تبعیض را از مصادیق شکنجه دانسته و ممنوع اعلان نموده است.

بر بنیاد این ماده قانون منع شکنجه در صورت که یک عمل توسط مؤلف خدمات عامه یا هر مقام رسمی دیگر یا به امر، موافقه یا به اثر سکوت یا رضایت وی ارتکاب یابد و باعث درد یا تعدیب جسمی یا روانی شدید مظنون، متهم، محکوم یا شخص دیگر گردد، به یکی از مقاصد که رفتاری مبتنی بر تبعیض یکی از آنها است، عمل شکنجه شمرده شده و جرم می‌باشد.

۱. قبلی ماده ۲۰۹

۲. قبلی ماده ۲۱۸

۳. وزارت عدلیه ج.۱، قانون منع شکنجه سال ۱۳۹۷ جریده رسمی شماره ۱۳۲۱

ساختارهای حمایتی

(در راستای تطبیق ماده‌های ۲، ۴ و ۷ مبنی بر ایجاد ساختارها و میکانیزم‌های حمایتی جهت رفع تبعیض نژادی)

بر اساس مفاد ماده‌های ۲، ۴ و ۷ کنوانسیون منع هر تبعیض نژادی دولت‌ها وظیفه دارند تا علاوه بر قانون‌گذاری و جرم‌انگاری رفتارهای که به تبعیض نژادی دامن می‌زنند، کسانی را که دست به این گونه رفتارها می‌زنند، محکوم نموده و جهت تشویق افراد و جمعیت‌های که برای تأمین برابری و رفع تبعیض نژادی فعالیت می‌کنند اقدام نمایند. همچنین وظیفه دارند تا ساختارها و میکانیزم‌های حمایتی از عدالت و برابری را به وجود آورده و در زمینه توسعه آگاهی عامه نسبت به حقوق بشری افراد و منع تبعیض برنامه‌ریزی نماید.

دولت افغانستان علاوه بر نهادهای عدلی و قضایی که مبتنی بر قانون وظیفه دارند تا علیه هرگونه اعمال مجرمانه‌ی که حقوق و آزادی افراد را از بین می‌برند به شمول تبعیض نژادی اقدام نموده و عاملان این گونه جرائم را مجازات و محکوم نماید، ساختارها و نهادهای خاصی را به هدف بهبود وضعیت حقوق بشر و حمایت و نظارت از آن ایجاد نموده است.

الف: کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در ۱۶ جوازی ۱۳۸۱ بر بنیاد ماده ۵۸ قانون اساسی سال ۱۳۸۲ ایجاد گردیده و بر اساس مفاد قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های خویش عمل می‌کند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان علاوه بر تلاش پیگیر جهت بهبود وضعیت حقوق بشر به صورت دوام‌دار از وضعیت حقوق بشر در سطح ملی نظارت به عمل آورده و برنامه‌های متنوع و مختلفی را جهت حمایت از آن تطبیق نموده است. کمیسیون به عنوان یکی از نهادهای مؤثر در دفاع از حقوق قربانیان نقض حقوق بشر، تمامی قضایای نقض حقوق بشری را به شمول قضایای مربوط به تبعیض نژادی، ثبت و در حمایت از تأمین عدالت و رسیدگی به قضایا، ضمن ارجاع قضیه به مراجع قانونی، مساعدت می‌کند. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نخستین نهادی است که پس از سال ۱۹۸۴ که دولت افغانستان اولین گزارش مقدماتی خویش را به کمیته منع تبعیض نژادی سازمان ملل متحد، ارائه کرده بود، این گزارش را از تطبیق کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی تهیه نموده است.

ب: اداره حمایت حقوق بشر

اداره حمایت حقوق بشر به اساس تفاهم‌نامه‌ی حکومت افغانستان با اداره انکشافی ملل متحد (UNDP) در سال ۱۳۸۹ بر بنیاد ماده ۴ مقرر حمایت حقوق بشر در ادارات دولتی، ضمن ساختار وزارت عدلیه ایجاد گردید. بر اساس مفاد ماده ۵ این مقرر اداره حمایت حقوق بشر، برای ارتقای ظرفیت ادارات دولتی به منظور اجرای درست مکلفیت‌های بین‌المللی حقوق بشری، به وجود آمده و در جهت تطبیق اسناد که دولت افغانستان به آن الحاق یافته، تقویت ظرفیت‌های

فصل پنجم

ساختارهای حمایتی

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

اداره حمایت حقوق بشر

کمیته اجرایی اهداف انکشاف پایدار

۱. وزارت عدلیه ج.ا.ا، مقرر حمایت حقوق بشر در ادارات دولتی، سال

۱۳۹۳ جریده رسمی شماره ۱۲۴۸

ادارات دولتی در این زمینه، پیگیری سفارش‌های سازمان ملل متحد و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، برای دولت افغانستان و مطالعه اسناد تقنینی، پالیسی‌ها و استراتژی‌های ادارات دولتی جهت رعایت میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر، فعالیت می‌کند. نظارت از تطبیق کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی و کمک در زمینه تهیه گزارش از میزان تطبیق آن، نیز جزء مسؤولیت‌های این نهاد می‌باشد.

ج: کمیته اجرایی اهداف انکشاف پایدار (SDGs)

دولت افغانستان پس از اینکه سازمان ملل متحد برنامه‌ی خاصی را با ۱۷ هدف، ۱۶۹ مقصد و ۲۱۷ شاخص با عنوان اهداف انکشاف پایدار، برای دولت‌ها پیشنهاد نمود، تعهدش را به این برنامه اعلان نموده و جهت تطبیق آن گام‌های عملی را تاکنون برداشته است. گفتنی است این برنامه برای ۱۵ سال از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰ در نظر گرفته شده است.

ایجاد کمیته اجرایی اهداف انکشاف پایدار که کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نیز عضو این کمیته می‌باشد نخستین گامی است که به هدف تطبیق این برنامه برداشته شده است. کمیته اجرایی تاکنون فعالیت‌های خویش را در سه مرحله انجام داده است. در مرحله اول روی بومی‌سازی مقاصد و شاخص‌های این برنامه کار شده. در مرحله دوم واحدهای بودجه‌ای و همکاران آن‌ها با توجه به نوع مسؤولیت‌های نهادها و ساختارهای دولتی برای تطبیق این برنامه با عنوان «مرحله انطباق‌پذیری» تعیین گردیده و بالاخره در مرحله سوم کمیته اجرایی با ایجاد چهار گروه کاری در محور گروه اول «امنیت و حکومت‌داری» گروه دوم «زراعت و انکشاف دهات» گروه سوم صحت، «آموزش، محیط‌زیست و مصئونیت اجتماعی» و گروه چهارم «رشد اقتصادی و زیربنا» ایجاد نموده است تا گروه‌های یادشده برنامه کاری روشنی را جهت تطبیق اهداف انکشاف پایدار تدوین و عملی کنند.

تردیدی نیست که اجرای برنامه انکشاف پایدار در راستای حمایت از برابری و عدم تبعیض بوده و روند مبارزه و امحای تبعیض نژادی را حمایت می‌کند. دسترسی به هریکی از اهداف و مقاصد انکشاف پایدار، ظرفیت‌های عدم تبعیض به خصوص عدم تبعیض نژادی را ایجاد و هدف برابری و مساوات را حمایت خواهد کرد. تطبیق برنامه‌های اهداف انکشاف پایدار در راستای تأمین حقوق و آزادی‌های اساسی بشری بوده و در راستای تطبیق مفاد ماده‌های ۳ و ۵ کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی می‌باشد.

تحلیل محتوای معلومات به دست آمده از جلسات فوکس گروپ

در این بخش به تحلیل معلوماتی پرداخته می شود که از نتایج بحث در جلسات فوکس گروپ به دست آمده است. همان گونه که اشاره گردید ۱۴ جلسه فوکس گروپ در چهارده ولایت کشور^۱ برگزار گردیده است که معلومات به دست آمده از این جلسات با روش تحلیل محتوایی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و ضمن عناوین مشخص تنظیم گردیده است.

الف: چالش های حقوقی منع تبعیض نژادی در افغانستان

مطالعات این تحقیق علاوه بر این که نشان دهنده گام های نسبتاً مناسبی از سوی دولت افغانستان در زمینه حمایت های حقوقی از منع تبعیض هست، چالش های موجود در این زمینه را نیز روشن نموده است که شامل نیازمندی جدی به تصویب و انفاذ قانون منع تبعیض و مشکلاتی موجود در قوانین ملی بوده و نیازمند تأمل و توجه جدی می باشند.

اشتراک کنندگان جلسات فوکس گروپ این تحقیق در این زمینه برخی از مواد قوانین ملی را نشانی نموده اند که از دید این افراد به عنوان چالش های حقوقی منع تبعیض نژادی شمرده می شود.

به باور تعدادی از اشتراک کنندگان جلسات فوکس گروپ، علاوه بر این که برخی از مواد قانون اساسی افغانستان به گونه تدوین گردیده است که می تواند به نحوی تبعیض نژادی را دامن زده و برخی از شهروندان را به دلیل وابستگی های قومی، دینی و زبانی شان از دسترسی به برخی از حقوق و آزادی های اساسی شان محروم سازد، موادی نیز در قوانین عادی وجود دارد که سبب تفکیک و جداسازی برخی از شهروندان گردیده است.

۱؛ قانون اساسی

چالش های موجود در قانون اساسی از دید اشتراک کنندگان جلسات فوکس گروپ به مواد ۶۲ و ماده های ۱۳۰ و ۱۳۱ تعلق دارد. اشتراک کنندگان تأکید نموده اند که در ماده ۶۲ قانون اساسی^۲ یکی از شرایط کاندیداتوری برای مقام ریاست جمهوری مسلمان بودن است. در حالی که در این کشور پیروان ادیان غیر اسلام نیز وجود داشته و به عنوان یک شهروند باید از تمامی حقوق و ازادی های اساسی خویش برخوردار باشند. به عنوان نمونه با توجه به متن ماده ۶۲ هیچ هندو یا سیک با توجه به این که مسلمان نیست نمی تواند خود را برای پست ریاست جمهوری کاندیدا نماید و این به معنی تبعیض نژادی است که تعدادی از شهروندان افغانستان به دلیل وابستگی به یک دین مشخص از این حق اساسی خویش محروم گردیده است.

اشتراک کنندگان جلسات فوکس گروپ مواد ۱۳۰ و ۱۳۱ قانون

۱. ولایت های کابل، بلخ، بامیان، هرات، ننگرهار، پکتیا، قندهار، کندز، بدخشان، فاریاب، غور، ارزگان، دایکندی و هلمند.

۲. شخصی که به ریاست جمهوری کاندید می شود، واجد شرایط ذیل هست:

۱- تبعه افغانستان، مسلمان و متولد از والدین افغان بوده و تابعیت کشور دیگری را نداشته باشد... (فقره اول ماده ۶۲ قانون اساسی افغانستان)

فصل ششم

تحلیل محتوای معلومات

جلسات فوکس گروپ

چالش های قانونی

دسترسی به حقوق و آزادی های اساسی

چالش های دسترسی به حقوق و آزادی های اساسی

اساسی را نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و اذعان نموده‌اند که در این دو ماده‌ی قانون اساسی نیز تعدادی از شهروندان به دلیل وابستگی خویش به یک دین مشخص از حقوق و آزادی‌های اساسی خویش به‌خصوص در احوال شخصیه محروم گردیده‌اند.

به باور آنان مطابق با ماده ۱۳۰ و ۱۳۱ محاکم افغانستان در رسیدگی به قضایا احکام قانون اساسی و سایر قوانین ملی را باید در نظر گیرند. ولی در صورت که حکمی برای رسیدگی به یک قضیه در این قوانین وجود نداشته باشد. قضات می‌توانند در قضایای مربوط به پیروان مذهب شیعه به فقه شیعه و در سایر موارد به فقه حنفی مراجعه کنند. این حکم کلی، سبب می‌گردد که در قضایای مربوط به اهل هند و سیک یا پیروان سایر ادیان در افغانستان نیز در چنین حالتی به فقه حنفی مراجعه گردد. به باور اشتراک کنندگان جلسات فوکس گروپ حکم ماده‌های ۱۳۰ و ۱۳۱ قانون اساسی در مغایرت با حکم بند دوم ماده ۲ این قانون که در آن پیروان سایر ادیان در پیروی از دین و اجرای مراسم دینی‌شان در حدود احکام قانون آزاد می‌باشند، قرار داشته و به‌خصوص در قضایای مربوط به احوال شخصیه حقوق این افراد نادیده گرفته شده است.

۲: کد جزای افغانستان

به اساس یافته‌های بحث گروهی اشتراک کنندگان جلسات فوکس گروپ این تحقیق، ماده دوم کد جزای افغانستان نیز به نحوی حقوق و آزادی‌های پیروان سایر ادیان را نادیده گرفته و در مورد مجازات کسانی که مرتکب جرائم حدود، قصاص و دیت می‌گردد، حکم نموده است که مطابق احکام فقه حنفی شریعت اسلام مجازات می‌گردد. چیزی که درست مثل حکم ماده‌های ۱۳۰ و ۱۳۱ قانون اساسی ممکن سبب عدم دسترسی شهروندان غیرمسلمان کشور به حقوق دینی و مذهبی‌شان گردد.

۳: طرح سهمیه‌بندی کانکور

کابینه دولت افغانستان در ماه قوس ۱۳۹۷ طرحی سهمیه‌بندی کانکور در افغانستان را که توسط وزارت تحصیلات عالی تهیه شده بود به تصویب رساند. بر اساس این طرح ۷۵٪ محصلین دانشگاه‌های دولتی بر اساس رقابت سراسری و ملی جذب می‌شوند ولی ۲۵٪ دیگر بر اساس رقابت محلی یعنی رقابت در سطح ولایت در رشته‌های طب، انجینیری، اقتصاد، حقوق و زراعت جذب می‌شوند که دانشگاه‌های مشخصی را در چند ولایت شامل می‌گردد.

دانشگاه هرات، بلخ، بامیان، قندهار، ننگرهار، شیخ‌زاید خوست، پکتیا، کندز و البیرونی^۱ شامل این لیست می‌باشند.

این طرح اگرچه به هدف تأمین انکشاف متوازن تهیه و تصویب گردیده است ولی زمینه را برای استفاده‌های سوء فراهم نموده و سبب توسعه اعمال تبعیض در دسترسی برابر شهروندان به تحصیلات عالی گردیده است. مهم‌ترین نمونه این نوعی از استفاده، قضیه عصمت الله علیزاده است که در دانشگاه ملی دفاعی مارشال محمدقسیم فهیم، امتحان داده و با اخذ نمره ۳۱۲ ناکام اعلان گردیده بود در حالیکه فردی دیگری با اخذ نمره ۱۴۵ و با استفاده از سهمیه قومی کامیاب اعلان گردیده بود.

خوشبختانه این قضیه پس از آن که در صفحات اجتماعی به گونه گسترده مورد اعتراض کاربران قرار گرفت با دخالت شخص ریس جمهور آقای غنی و معاون دوشم آقای دانش مورد رسیدگی فوری قرار گرفت.

رئیس‌جمهور به مسئولین کانکور و رئیس دانشگاه ملی دفاعی مارشال فهیم هدایت داده که در امتحانات باید معیارهای شفاف و واضح را در نظر داشته باشند. رئیس‌جمهور در این نشست شیوه کار مسئولین کانکور را سبوتاز^۲ روحیه ملی دانسته و تأکید نموده است که باید اقدامات دانشگاه‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی برای همه مردم واضح و روشن باشد. رئیس‌جمهور غنی در ادامه تأکید نموده است که برای ما مسئله آینده مهم است. دروازه دولت به روی همه باز بوده و عصمت‌الله علیزاده که عالی‌ترین نمره را کسب کرده است تا عصر امروز شامل لیست کامیاب شده‌ها گردد. رئیس‌جمهور کشور به دفتر شورای امنیت ملی هدایت داد که یک کمیته خاص و با ظرفیت را که دیدگاه ملی را تمثیل کند، ایجاد کند تا روی مقرردها و شیوه امتحانات دانشگاه ملی دفاعی مارشال محمدقسیم فهیم غور مجدد نماید و همچنان ریزرف خاص برای کسانی که عالی‌ترین نمرات را به دست می‌آورند، وجود داشته باشد^۲.

ب: دسترسی به حقوق و آزادی‌های اساسی

(در راستای تطبیق ماده‌های ۳ و ۵ کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی مبنی بر ایجاد ظرفیت‌ها و شرایط دسترسی برابر شهروندان به حقوق و آزادی‌های اساسی آنان.)

1. <https://ariananews.co/news/%D8%A7%D9%81%D8%B2%D8%A7%DB%8C%D8%B4-%D8%A7%D9%86%D8%AA%D9%82%D8%A7%D8%AF%D9%87%D8%A7-%D8%A8%D9%87-%D8%B3%D9%87%D9%85%DB%8C%D9%87-%D8%A8%D9%86%D8%AF%DB%8C-%DA%A9%D8%A7%D9%86%DA%A9%D9%88%D8%B1.html/>

2. https://president.gov.af/fa/NEWS-002431?fbclid=IwAR2nvWjBoTCTzo4QJmHoaC_xJd54gZtbFMuOazjCWAxnd-OMMKvqrXdSKy

بر اساس مفاد ماده‌های ۳ و ۵ کنوانسیون منع هر تبعیض نژادی دولت‌های عضو متعهد به ایجاد ظرفیت‌های حمایتی یکسان از شهروندان می‌باشند. به این معنی که نباید یک جمع از شهروندان را به دلیل تعلق آنان به نژاد، قوم یا دین و زبان مشخصی از دسترسی به حقوق و آزادی‌های اساسی، محروم نموده یا در وضعیت بهتر از دیگران قرار دهند.

دولت افغانستان علاوه بر ایجاد ظرفیت‌های حقوقی نسبی مورد نیاز در این زمینه همان گونه که مطالعه گردید برخی از نهادها و ساختارهای ملی را نیز به هدف حمایت از حقوق بشر و ایجاد شرایط برابر و عادلانه برای دسترسی شهروندان به حقوق و آزادی‌های اساسی، ایجاد نموده است.

مطالعات این تحقیق نشان می‌دهد که شهروندان افغانستان با محدودیت جدی حقوقی و قانونی در زمینه‌های دسترسی به حقوق سیاسی و مدنی خویش مواجه نبوده و از جایگاه برابر در دسترسی به نهادهای عدلی و قضایی برخوردار می‌باشند. تمام شهروندان بدون تمایز و تفاوت از شرایط دسترسی به معارف و تحصیلات عالی، خدمات صحتی و کار بهره‌مند بوده و می‌توانند به صورت یکسان از حق دسترسی به مسکن و حقوق مربوط به ازدواج و تشکیل خانواده سود ببرند. حتا در مواردی دولت افغانستان به هدف تأمین عدالت و ایجاد فرصت‌های مناسب دسترسی به حقوق و آزادی‌های اساسی اقلیت‌های که به لحاظ کمی، ظرفیت یا امکان دسترسی به موقعیت‌های مهم ملی را مبتنی بر اصل انتخابات ندارند، شرایط خاصی را ایجاد نموده است که امکان حضور اقلیت‌ها را در نهادهای ملی ضمانت می‌کند. مثل ماده ۵۳ قانون انتخابات افغانستان^۱ که در آن، یک کرسی پارلمانی به اهل هنود و سکه اختصاص یافته است؛ زیرا شهروندان افغانستانی اهل هنود و سکه در رقابت با سایر شهروندان کشور به دلیل کمبود جمعیت خویش، امکان دسترسی به این نهاد ملی را ندارند. گفتنی است که ماده ۵۲ قانون انتخابات کوچی‌ها را نیز به عنوان یک حوزه انتخاباتی شمرده و مطابق با ماده ۴۸ خویش ۱۰ کرسی به این جمعیت کشور، اختصاص داده است. دیدگاه‌های اشتراک کنندگان جلسات فوکس گروپ در مورد این ماده، متفاوت بودند. برخی از اشتراک کنندگان این ماده قانون انتخابات را در مغایرت با اصل برابری و عدم تبعیض دانسته و از مصادیق تبعیض نژادی مبتنی بر مفهوم ارجحیت یک جمع بر سایر شهروندان کشور دانسته و برخی نیز این ماده را عادلانه و در راستای حمایت از حقوق اقلیت‌ها دانسته‌اند.

ج: چالش‌های دسترسی به حقوق و آزادی‌های اساسی

همان گونه که اشاره گردید برابری شهروندان کشور در دسترسی به حقوق و آزادی‌های اساسی آنان به صورت نسبی ضمن قوانین ملی، تضمین گردیده است ولی نتایج مطالعات این تحقیق در فوکس گروپ‌ها و تحقیقات میدانی مشکلاتی را نیز دریافته است که در راستای دسترسی برابر شهروندان به حقوق و آزادی‌های اساسی آنان وجود دارد. این مشکلات که از مصادیق تبعیض نژادی شمرده می‌شوند، شامل زمینه‌ها و فرصت‌های مختلفی می‌گردد که به ترتیب مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱: تبعیض در توزیع تذکره تابعیت

بر اساس مفاد بند دوم ماده ۹ قانون تابعیت افغانستان «شخصی که در قلمرو افغانستان یا خارج از آن، از والدین که تابعیت افغانستان را داشته باشند، تولد گردد، تبعه افغانستان محسوب می‌شود»^۲. بنابراین هرکسی که در خاک افغانستان یا از پدر و مادر افغانستانی که در خارج اقامت دارند متولد گردد، بدون هیچ شرطی تبعه افغانستان بوده و حق دارد تذکره تابعیت را دریافت کند.

مطالعات این تحقیق نشان داده است که تعداد زیادی از افراد در حال حاضر بر رغم که چندین نسل آنان در خاک افغانستان متولد شده و زندگی می‌کنند هنوز نتوانسته تذکره تابعیت دریافت نموده و از حقوق و مزایای مربوط به آن استفاده کنند.

اشتراک کنندگان جلسات فوکس گروپ در ولایت‌های ننگرهار، بلخ، هرات و بامیان با اشاره بر تبعیضی که علیه جوگی‌ها به دلیل وابستگی آنان به یک قوم خاص تاکنون اعمال گردیده، به این نتیجه رسیده‌اند که دولت افغانستان نتوانسته مسؤولیت‌های حقوقی خویش در قبال مردم جوگی را ادا نموده و با امتناع از توزیع تذکره به این مردم سبب نقض سایر حقوق و ازادی‌های اساسی آنان گردیده است.

جوگی‌ها افرادی‌اند که به اساس مستندات تاریخی، قرن‌ها قبل از هند وارد افغانستان شده و در حال حاضر ۱۳۰۰۰ نفر از آنان در افغانستان و در ولایت‌های مختلف کشور زندگی می‌کنند^۳. بخش اعظم این مردم که عمدتاً به دوره گردی و خریدوفروش مویشی، مصروف می‌باشند، هنوز تذکره تابعیت ندارند.

گلاب؛ ۳۷ ساله یکی از این افراد است که در شهر مزار شریف زندگی می‌کند. او در مصاحبه که با همکاران کمیسیون داشته، تأیید

۱. وزارت عدلیه ج. ا.، قانون انتخابات، جریده رسمی شماره ۱۲۲۶ سال ۱۳۹۵

۲. وزارت عدلیه امارت اسلامی افغانستان، جریده رسمی شماره ۷۸۲ سال ۱۴۲۱ هجری قمری برابر با ۱۳۷۸ هجری شمسی

۳. مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، دانشنامه بزرگ اسلامی، جلد ۱۷، مقاله شماره ۶۴۵۱، صفحات ۸-۹ قابل دریافت در لینک <http://lib.eshia> ۶۴۵۱/۱۷/۲۳۰۲۲/ir

نموده است که خود و اعضای خانواده‌ی ۹ نفری او هنوز تذکره تابعیت نداشته و بر رغم مراجعه مکرر به اداره مربوطه، نتوانسته است این سند ملی را به دست آورند.

«من تاکنون دو بار به اداره ثبت احوال و نفوس مراجعه کردم و خواستم برای من و فرزندانم تذکره تابعیت داده شود ولی مسئولین این اداره گفت فقط برای جوگی‌های تذکره داده می‌شود که پدرش قبلاً تذکره گرفته باشد.»

گلاب تأیید نموده است که «فرزندانش به مکتب نمی‌روند زیرا تذکره ندارند و کسانی که تذکره نداشته باشند اداره مکتب آن‌ها را ثبت نام نمی‌کند.»

به گفته گلاب «تعدادی زیادی از جوگی‌ها در افغانستان تذکره ندارند. صرف یک تعداد در زمان حکومت‌های قبلی تذکره گرفته‌اند که در حال حاضر تنها به فرزندان این افراد، تذکره داده می‌شود.»

مرد دیگری که خودش را شیر، معرفی نموده و در شهر کابل زندگی می‌کند، در مصاحبه با همکاران کمیسیون اظهار داشته است: «من تقریباً شصت-هفتاد سال عمر دارم خودم و پدرم در همین مملکت متولد شدیم، دوازده فرزند دارم سه پسر و دو دخترم عروسی کرده‌اند و هرکدام از خود اولاد دارند، ولی هیچ کدام ما تذکره نداریم. به ما تذکره نمی‌دهند. می‌گویند ما مردم از افغانستان نمی‌باشیم. ما نمی‌دانیم از کجا هستیم درحالی که در این کشور پیدا (متولد) شدیم.»

خان؛ یکی از کسانی که در ولایت قندهار خود را نماینده مردم جوگی معرفی کرده است. خان خودش تذکره دریافت نموده است ولی تأیید می‌کند که تعداد زیادی از خویشاوندان او هنوز تذکره نداشته و به این دلیل از رفتن به مکتب محروم بوده و حتا در مراجعه به کلینیک‌ها و شفاخانه‌ها، مشکل داشته و هیچ وقت نمی‌توانند در یک اداره کار کنند.

تحقیقات کمیسیون نشان می‌دهد که جوگی‌ها بر رغم این که بر اساس مفاد ماده ۹ قانون تابعیت افغانستان حق دارند تذکره تابعیت اخذ نمایند، ولی تا امروز بخش اعظم از این مردم به دلیل تعلقشان به یک قوم خاص برخلاف قانون از حق تابعیت محروم بوده و نتوانسته‌اند تذکره تابعیت افغانستان را اخذ نمایند. نداشتن تذکره تابعیت سبب گردیده است تا این مردم از سایر حقوق و امتیازات زندگی اجتماعی خویش از جمله حق اشتراک در انتخابات، حق تعلیم و تربیه و تحصیل، حق کار، حق مسکن و دسترسی به خدمات صحتی و سایر امتیازات اجتماعی نیز، محروم گردند.

۲: تبعیض در استخدام و محیط کار

مبتنی بر مفاد ماده اول تا هفتم کنوانسیون بین‌المللی منع هر نوع تبعیض نژادی، ماده ۴۸ قانون اساسی افغانستان، ماده ۲، ۱۰، ۱۲، ۱۷ و ۲۸ قانون کارکنان خدمات ملکی افغانستان و ماده ۹ قانون کار افغانستان، هر نوع تبعیض و برخورد نابرابر در استخدام و محیط کار، ممنوع هست. در صورت که این تبعیض بر مبنی وابستگی افراد به نژاد، قوم یا نسب، دین یا مذهب و زبان باشد، از مصادیق تبعیض نژادی به شمار می‌رود.

مطالعات این تحقیق نشان داده است که تعداد از شهروندان کشور نسبت به روند استخدام و برخورد مدیران با کارمندان نگران بوده و از برخورد بد کارمندان با مراجعین در ادارات دولتی انتقاد نموده و از تبعیض بر اساس وابستگی‌های قومی، مذهبی و زبانی در این زمینه شکایت داشته‌اند.

تحلیل معلومات مربوط به جلسات فوکس گروپ این تحقیق در ۱۴ ولایت^۱ نشان می‌دهد که اشتراک کنندگان از موجودیت تبعیض به خصوص در استخدام در ادارات دولتی، شکایت داشته و تأیید نموده‌اند که با برخوردهای متفاوت و تبعیض آمیزی از سوی برخی از افراد مواجه بوده‌اند.

یک مرد ۲۸ ساله از ولایت بامیان که به‌عنوان وکیل مدافع فعالیت دارد، در جلسه فوکس گروپ ولایت بامیان اظهار داشت: «من چندین بار در بست‌های مختلف دولتی، درخواست داده و تا مرحله مصاحبه پیش رفتم، نمراتم نیز بد نبود. ولی در نهایت کسانی انتخاب می‌گردید که سویه علمی و مدرک تحصیلی آن‌ها پایین‌تر از من بوده است. من واضحاً تبعیض در این زمینه را تجربه نمودم.»

یک زن جوان از ولایت بغلان در جلسه فوکس گروپ که در شهر پلخمری برگزار گردیده بود، نیز از برخورد تبعیض گرایانه مسئولان ادارات دولتی شکایت داشته اظهار نموده است «در یکی از ادارات دولتی، کارمند بودم، من با رئیس اداره از لحاظ قومی متفاوت بودم به همین دلیل رئیس نسبت به من، برخورد خوبی نداشت و مانع ارتقای من در اداره می‌گردید. برخورد این رئیس سبب گردید تا از آن اداره استعفا داده و بجای دیگری مشغول کار شوم.»

دو نفر از کارمندان یک اداره دولتی در ولایت پکتیا که در جلسه فوکس گروپ این ولایت، شرکت نموده بودند، به دلیل نگارش مکتوب

۱. ارزگان، بامیان، بدخشان، دایکندی، فاریاب، غور، بدخشان، کندز، کابل، ننگرهار، پکتیا، قندهار، هرات و هلمند.

رسمی به زبان دری از سوی مقام ولایت توهین و تبه شده و یکی از آنان به این دلیل که چرا مکتوب خویش را به زبان پشتو نوشته است، به یکی از ولسوالی‌های ناامن تبدیل گردیده است.

یکی از این دو جوان اظهار داشته است: «پس از این که یک مکتوب رسمی را به زبان دری نوشته بودم از سوی آمر بخش توهین و مورد غضب قرار گرفتم. من از این وضعیت به مقام ولایت شکایت کردم ولی مقام ولایت نیز نه تنها توجه خاصی به شکایت من نکرد، بلکه سبب شد تا تبه شوم و در نهایت حکم رسمی انتقال من به یک ولسوالی ناامن صادر گردد.»

تبعیض مربوط به کار نه تنها در زمینه استخدام و استفاده از امتیازات مربوط به اداره در محیط کار، می‌گردد بلکه در برخورد مأمورین اداره‌ها با مراجعه‌کنندگان این ادارات نیز قابل مشاهده است.

زنی ۲۴ ساله‌ی از ولایت بلخ که در جلسه فوکس‌گروپ این ولایت شرکت نموده بود با تأکید بر این موضوع گفته است: من دو ماه قبل مریض بودم و به یکی از شفاخانه‌ها مراجعه کردم. دم دروازه معاینه خانه داکتر مردی بود که مریضان مراجعه‌کننده را به نوبت پیش داکتر می‌فرستاد. ولی متوجه شدم چند بار نوبت مرا به عقب انداخته و کسانی دیگری را بجای من داخل معاینه خانه راه داد، اعتراض نمودم، ولی این فرد که مرد تقریباً ۳۰ ساله‌ی بود، خنده‌کنان گفت، «پورو او زن او طرف. زیاد گپ زن. تو نمی‌فهمی که ... استی (اشاره به وابستگی قومی زن) باز ایقه نوبت، نوبت هم می‌کنی. پورو.» این اشتراک‌کننده افزوده است که برخی از کسانی که در این دهلیز منتظر بودند نیز با شنیدن این جمله، خنده کردند.

۳: تبعیض در برنامه‌های انکشافی و زیربنایی

بر اساس اظهارات اشتراک‌کنندگان جلسات فوکس‌گروپ این تحقیق، دولت افغانستان نتوانسته است تاکنون قناعت مردم را نسبت به برنامه‌های انکشافی خویش در سطح ملی به دست آورد. به باور این افراد همه‌ساله برنامه‌های انکشافی دولت تبعیض‌گرایانه بوده و بودجه‌ی ملی بر اساس گرایش‌های قومی، مذهبی، زبانی و سمتی مسئولان بلندپایه و ذی‌صلاح دولتی و بدون در نظر داشت نیازمندی و ضرورت و بدون مشورت با مردم تدوین و تصویب می‌گردد.

یکی از اشتراک‌کنندگان جلسه فوکس‌گروپ در ولایت بدخشان با انتقاد از تخصیص بودجه انکشافی به ولایت‌ها به تفاوت‌های اشاره نموده است که در بودجه انکشافی ولایت‌ها در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ وجود داشته است. بر اساس اظهارات این اشتراک‌کننده: «برخی از ولایت‌های کشور که حتا به لحاظ امنیتی ظرفیت تطبیق پروژه‌ها را نیز ندارند درحالی‌که به لحاظ نیازمندی در وضعیت برابر با سایر ولایت‌ها قرار دارند، ولی به دلیل وابستگی‌های قومی، مذهبی و زبانی باشندگان این ولایت‌ها، بودجه انکشافی آنان نزدیک به دو برابر بودجه انکشافی سایر ولایت‌ها است؛ و این یعنی تبعیض.»

اشتراک‌کنندگان جلسه فوکس‌گروپ ولایت دایکندی نیز گفته‌اند: «اختصاص بودجه و پروژه‌های انکشافی نامتوازن، ناعادلانه و مبتنی بر تعلقات قومی، مذهبی و زبانی بوده است.»

در جلسه فوکس‌گروپ ولایت قندهار نیز یکی از اشتراک‌کنندگان نسبت به تخصیص بودجه انکشافی و برنامه‌های توسعه‌ی ملی، اعتراض داشته گفته است: «دولت هنوز نتوانسته است برنامه‌های انکشافی خویش را بر اساس نیازمندی و ضرورت ولایت‌ها تهیه نموده و بودجه تخصیص دهد. به همین دلیل در برخی از ولایت‌ها تاکنون تغییر جدی را در زمینه انکشاف و پروژه‌های زیربنایی نمی‌توان مشاهده کرد. درحالی‌که در برخی از ولایت‌های دیگر وضعیت متفاوت هست.»

گزارش وزارت امور خارجه آمریکا نیز در سال ۲۰۱۷ در مورد وضعیت حقوق بشر در افغانستان، موجودیت تبعیض نژادی در افغانستان تأیید نموده و نوشته است: تنش‌های قومی بین گروه‌های مختلف منجر به تداوم منازعات و قتل‌ها شد. تبعیض اجتماعی علیه هزاره‌های شیعه در پهلوی تبعیض‌های طبقاتی، نژادی و مذهبی در قالب پول زور گرفتن از طریق وضع مالیات‌های غیرقانونی استخدام اجباری و کار اجباری، سوء رفتار فیزیکی و توقیف ادامه داشت. به اساس گزارش‌های مؤسسات غیردولتی، اغلب اوقات افسران هزاره در صفوف پولیس ملی افغان را در فهرست‌های سمبولیک یا نمادین با اعطای صلاحیت‌های اندک در تشکیل وزارت امور داخله مقرر کرده است. مؤسسات غیردولتی نیز گزارش دادند که افسران هزاره در صفوف نیروهای دفاعی و امنیت ملی افغان به نسبت افسران غیر هزاره، بیشتر به مناطق ناامن کشور اعزام می‌شوند. در جریان سال، (۲۰۱۷) ما شاهد افزایش حملات خشونت‌آمیز، عمدتاً توسط داعش در افغانستان، علیه جامعه هزاره بودیم. در ماه اگست، داعش بالای چندین مسجد هزاره شیعه در شهرهای هرات و کابل حمله کرد؛ که منجر به کشته شدن بیش از ۱۰۰ نفر شد. شش حمله بزرگ بالای مساجد هزاره یا جامعه شیعه‌مذهب در افغانستان در جریان نیمه اول سال (۲۰۱۷) صورت گرفت که مسئولیت تمام آن‌ها را داعش برعهده گرفته بود.

سیک‌ها و هندوها نیز با تبعیض مواجه بودند. آن‌ها در مورد دسترسی نامساویانه به فرصت‌های شغلی دولتی و آزاروآذیت در مکتب و همچنان آذیت‌وآزار لفظی و فیزیکی در مکان‌های عامه گزارش دادند. به اساس گفته‌های شورای سیک‌ها و هندوهای افغانستان، تقریباً

۹۰۰ نفر سیک و هندو در کشور وجود دارد^۱.

گفتنی است حملات انتحاری علیه اهداف قومی توسط گروه‌های مخالف دولت همچنان ادامه داشته است که بدترین این حملات شامل حملات زیر می‌گردد:

۱- حمله بر یک مرکز فرهنگی در غرب شهر کابل، منطقه دشت برچی در هفتم ماه جدی ۱۳۹۶ که نزدیک به ۱۲۵ نفر کشته و زخمی برجای گذاشت^۲؛

۲- حمله انتحاری بر یک مرکز توزیع تذکره در منطقه یادشده در تاریخ ۲ ثور ۱۳۹۷ که ۵۷ کشته شامل ۲۲ زن و ۱۷ طفل و ۱۱۲ زخمی بر جای گذاشت^۳؛

۳- حمله انتحاری بر یک مرکز آموزشی در همان منطقه که ۴۸ کشته و ۶۷ نفر زخمی که همه زیر ۲۰ سال و شاگردان این مرکز آموزشی بوده و شامل دختر و پسر می‌گردیدند، برجای گذاشت^۴؛

۴- حمله انتحاری بر یک مرکز ورزشی که نیز در همین منطقه و در تاریخ ۱۴ سنبله ۱۳۹۷ به وقوع پیوسته و منجر به کشته شدن ۸ تن و زخمی شدن ۲۲ تن دیگر گردید.

۵- حمله انتحاری بر اهل هندو و سیک که در شهر جلال آباد ولایت ننگرهار، بتاريخ ۱۰ سرطان ۱۳۹۷ روی داده و سبب کشته شدن ۱۹ نفر شامل ۱۷ نفر از شهروندان هندو و زخمی شدن ۲۰ نفر، گردید.

د: کارنامه دولت در رسیدگی به قضایای تبعیض نژادی

معلومات به‌دست‌آمده نشان داده است که در آخرین روزهای این تحقیق و در ماه دلو ۱۳۹۷ یک قضیه مربوط به تبعیض نژادی که قبلاً از طریق ریاست جمهوری به لوی سارنوالی ارجاع گردیده بود^۵، پس از بررسی و تحقیق به محکمه فرستاده شده و معاون پیشین اداره نظارت و ارزیابی اداره امور ریاست جمهوری افغانستان به دلیل ارتکاب عملی که از مصادیق تبعیض نژادی بوده است، به دو سال حبس تعلیقی محکوم گردیده است^۶.

غیر از قضیه یادشده تاکنون هیچ فرد دیگری در ولایت‌های تحت پوشش این تحقیق به دلیل دامن زدن به تبعیض نژادی مورد تعقیب عدلی و قضایی قرار نگرفته است. این در حالی است که نتایج بحث گروهی جلسات فوکس‌گروپ در ۱۴ ولایت یادشده و تحقیقات میدانی نشان داده است که برخی از افراد به‌خصوص در سال‌های اخیر با استفاده از شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های جمعی یا فرصت‌های که در جلسات عمومی به‌دست‌آمده می‌آورند یا در ادارات دولتی به تبعیض نژادی دامن می‌زنند. درحالی که دولت و نهادهای مسئول تاکنون نخواستار یا نتوانسته‌اند با این افراد برخورد قانونی نموده و آن‌ها را به محاکمه بکشانند.

به باور استاد یوسفی، یکی از استادان دانشگاه بامیان که در جلسه فوکس‌گروپ این ولایت شرکت نموده است. «تبعیض نژادی درحالی که یکی از واقعیت‌های دردناک و مخرب این کشور بوده و بسیاری از مصائب ملی مثل جنگ و ناامنی ریشه در این واقعیت و رفتار دارد، ولی آن‌گونه که باید، موردتوجه قرار نگرفته است. دولت افغانستان تاکنون هیچ‌کسی را به این دلیل رسماً بازداشت و محاکمه نموده و دیده نشده است که کسی علیه افراد که به تبعیض نژادی دامن می‌زنند شکایت درج کند»

مصاحبه همکاران کمیسیون با شهروندان کشور نشان داده است که تعدادی زیادی از مردم از تبعیض علیه خودش بر مبنی وابستگی‌های قومی، مذهبی یا زبانی، شکایت داشته‌اند. ولی صرف تعدادی اندک از آنان تأیید نموده که بعد از مواجهه با این نوع برخورد به‌صورت غیررسمی اعتراض نموده است.

یک خانم ۲۶ ساله از ولایت کابل ضمن بازگو نمودن خاطرات خویش از تبعیض نژادی در یکی از ادارات دولتی گفته است: «وقتی کارمندان اداره توزیع تذکره الکترونیکی استخدام می‌شد، من نیز امتحان دادم و نمره خوبی گرفتم. بر اساس نمره که گرفته بودم و نیز بر بنیاد درخواستی خودم به‌عنوان سرگروه در یکی از گروه‌های کاری قرارداد بستم. ولی پس از مدتی به من اعلان شد که قرارداد من باید تغییر کند و قرارداد جدیدی را به‌عنوان عضو گروه کاری امضاء کنم. این در حالی بود که تاکنون به دلیل تعویق برنامه‌ی توزیع تذکره، کاری مشخصی نیز انجام نداده بودیم تا تجربه یا توانایی کاری من، مقامات اداره را وادار نموده باشد تا مرا تنزیل رتبه دهند. با

1. <https://af.usembassy.gov/wp-content/uploads/sites/268/AFGHANISTAN-2017-HUMA>

2. <http://www.bbc.com/persian/afghanistan-45185564>

3. <http://www.bbc.com/persian/afghanistan-43864238> & <https://www.dw.com/fa-af/%D8%AD%D9%85%D9%84%D9%87-%D9%85%D8%B1%DA%AF%D8%A8%D8%A7%D8%B1-%D8%A8%D8%B1-%D9%85%D8%B1%DA%A9%D8%B2-%D8%AA%D9%88%D8%B2%DB%8C%D8%B9-%D8%AA%D8%B0%DA%A9%D8%B1%D9%87-%D8%AF%D8%B1-%DA%A9%D8%A7%D8%A8%D9%84/a-43487959>

4. http://www.dailyafghanistan.com/national_detail.php?post_id=144564

5. <https://www.avapress.com/fa/note/15033>

6. <https://da.azadiradio.com/a/29722465.html>

جستجوی دلیل این تنزیل رتبه، متوجه شدم که وابستگی قومی من سبب این اقدام مسئول اداره گردیده و او با فرد دیگری که از قوم خودش می‌باشد بجای من قرارداد نموده است. کسی که اصلاً شامل رقابت در این بست نبوده است. پس از این که موضوع را متوجه شدم به چند مقام رسمی و بلندپایه اداره مراجعه کردم ولی هیچ کسی حرف مرا نشنیدند و به اعتراض توجه نکردند. من نیز ناامید شده و مجبور به امضای قرارداد جدید به‌عنوان عضو گروه شده و تا امروز در این بست کار می‌کنم.»

این خانم هم‌چنین گفته است که «عدم توجه مسئولان اداره به اعتراض من، سبب شد تا از ادامه اعتراض دست برداشته و به نهادهای عدلی و قضایی نیز مراجعه نکنم؛ زیرا باور نموده بودم که در هیچ نهادی به شکایت من توجه نشده و رسیدگی نمی‌گردد.»

۵: کارنامه دولت در زمینه توسعه آگاهی عامه

دولت افغانستان مبتنی بر مفاد ماده ۷ کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی، متعهد به ایجاد ظرفیت‌های حقوقی و ساختاری جهت توسعه آگاهی عامه بوده و مکلف است در رابط به تبعیض نژادی، پیامدهای آن و توسعه فرهنگ مدارا و یکدیگر پذیری به مردم معلومات دهد.

بر اساس این تعهد دولت افغانستان در همکاری با کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، زمینه بازنگری نصاب تعلیمی را در وزارت معارف کشور، فراهم نموده است. بر اساس گزارش‌های همکاران کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در نصاب تعلیمی تاکنون تمام کتاب‌های درسی از صنف اول تا دوازدهم بازنگری شده و مفاهیم حقوق بشری شامل منع تبعیض نژادی وارد نصاب گردیده است.

همچنین دولت مضمون حقوق بشر را شامل نصاب تحصیلی پوهنتون‌های کشور نموده و در حال حاضر این مضمون در پوهنتون‌های دولتی و خصوصی تدریس می‌گردد.

در پیوند به این هدف رسانه‌های کشور نیز وظیفه‌دارند تا مبتنی بر ماده ۴۳ قانون رسانه‌های همگانی^۱ از نشر هرگونه مطلبی که موجب توهین و تحقیر زبانی، جنسیتی و مذهبی، خودداری کنند.

قابل یادآوری است که بر رغم دستاورد و اقدامات یادشده شکایت‌های نیز در این زمینه وجود داشته و تعدادی از شهروندان به‌خصوص نسبت به برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در افغانستان و نشرات انترنیتی اعتراض داشته‌اند. به گفته این تعداد برخی از رسانه‌ها و همچنین برخی از افراد در شبکه‌های اجتماعی به تبعیض نژادی دامن می‌زنند درحالی که دولت افغانستان تاکنون هیچ گام مشخصی در این زمینه برنداشته و کسی را به این دلیل توقیف و محاکمه نموده است.

یک محصل ۲۱ ساله از ولایت پروان در جلسه فوکس گروپ ولایت کابل گفته است: «برخی از تلویزیون‌ها گاهی مطالبی را نشر می‌کند که واضحاً به تبعیض نژادی دامن می‌زند. همچنین وقتی مطالب پست شده در شبکه‌های اجتماعی مثل فیس‌بوک یا تویتر را مطالعه کنیم، پر است از دو و دشنام علیه یک قوم یا مذهب، اما ما هنوز شاهد نبودیم که دولت افغانستان، کسی را به این دلیل توقیف یا محاکمه نموده باشد.»



جریان جلسات فوکس گروپ در ولایت بلخ

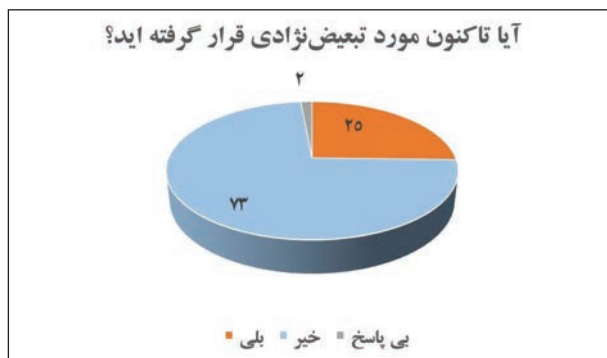
۱. وزارت عدلیه ج.ا. قانون رسانه‌های همگانی، جریده رسمی شماره ... سال ۱۳۸۸ ماده ۴۳

تحلیل داده‌های آماری

تحلیل داده‌های آماری یکی از مهم‌ترین بخش‌های این تحقیق بوده و معلومات آن در نتیجه مصاحبه و تکمیل پرسشنامه با ۳۴۹۸ نفر به دست آمده است. در این بخش به پرسش‌های مشخصی که از قبل به صورت بسته و باز طراحی شده بود، توسط مصاحبه‌شوندگان جواب داده شده است که به صورت تفصیلی و ضمن عناوین جداگانه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

الف: تبعیض نژادی در افغانستان

تبعیض نژادی همان‌گونه که در بحث مبانی حقوقی، مورد مطالعه قرار گرفت بر اساس اسناد بین‌المللی حقوق بشر و قوانین ملی افغانستان اعم از قانون اساسی و قوانین عادی، ممنوع بوده و مرتکبین این رفتار بر اساس مواد ۲۱۸، ۲۵۶، ۲۷۹، ۳۳۲ تا ۳۳۶، ۴۰۹، ۴۵۰، ۸۷۰ و ۸۷۱ کد جزای افغانستان مجازات می‌گردد؛ اما بر رغم مستندات یادشده معلومات این تحقیق نشان داده است که تعداد زیادی از مردم کشور قربانی تبعیض نژادی بوده و انواع مختلف از تبعیض نژادی را تجربه نموده‌اند.



نخستین پرسش این بخش به موجودیت تبعیض نژادی در افغانستان ارتباط داشته و از مصاحبه‌شوندگان پرسیده است که آیا تاکنون به دلیل وابستگی‌های نژادی، قومی، دینی- مذهبی و زبانی، مورد تبعیض قرار گرفته یا توهین شده است یا خیر؟ پاسخ مصاحبه‌شوندگان به این پرسش نشان داده است که به طور اوسط ۲۵.۴٪ از مصاحبه‌شوندگان موجودیت تبعیض نژادی در افغانستان را تأیید کرده و گفته‌اند که یک یا چند بار با این رفتار روبرو بوده و به دلیل وابستگی‌های قومی، دینی - مذهبی یا زبانی، مورد تبعیض و توهین قرار گرفته‌اند.

۷۳.۱٪ گفته‌اند که تاکنون مورد تبعیض قرار نگرفته و توهین نگردیده‌اند. ۱.۵٪ باقی‌مانده به این پرسش پاسخ نداده و سکوت نموده‌اند.

برای توضیح بیشتر این موضوع و دریافت مصادیق تبعیض نژادی در افغانستان، این تحقیق پرسش‌های جزئی‌تری را به صورت موردی، مطرح نموده و تبعیض نژادی را در سه محور اساسی مربوط به افغانستان شامل قوم، دین و مذهب و زبان، با توجه به بافت‌ها و ترکیب جمعیت کشور، مورد بحث و بررسی قرار داده است.

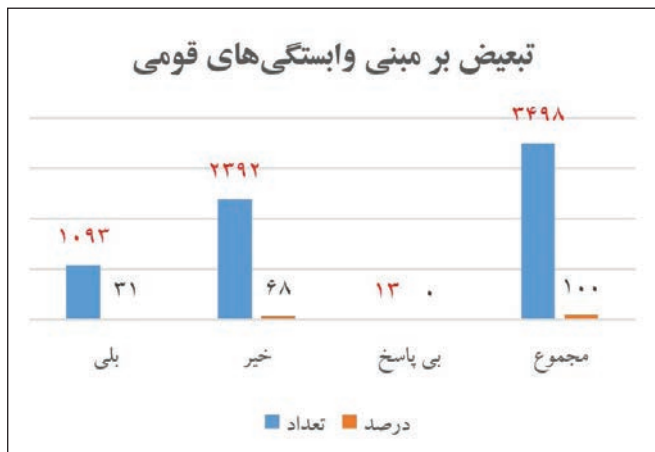
فصل هفتم

تحلیل داده‌های آماری

- تبعیض نژادی بر اساس وابستگی‌های قومی
- تبعیض نژادی بر اساس وابستگی‌های دینی- مذهبی
- تبعیض نژادی بر اساس وابستگی‌های زبانی
- پیامدهای تبعیض نژادی
- نفاق افگنی
- دادخواهی

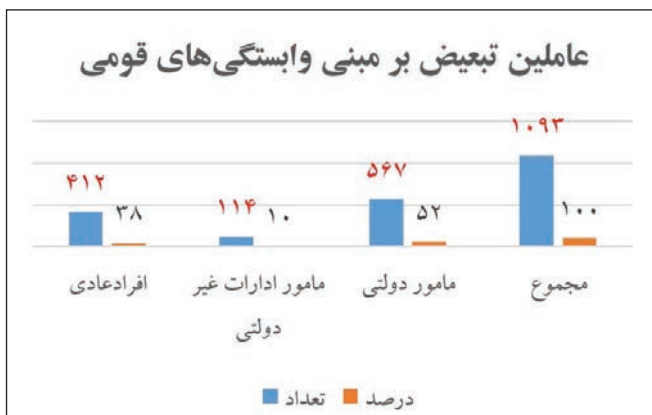
۱: تبعیض نژادی بر اساس وابستگی‌های قومی

اختلافات قومی یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های تبعیض نژادی در افغانستان بوده و شهروندان کشور همواره از این مشکل رنج برده‌اند. به باور برخی از شهروندان و مصاحبه‌شوندگان این تحقیق، اختلافات قومی یکی از عوامل تداوم جنگ و خشونت در کشور بوده و بخش عمده‌ی از جنگ‌ها و رویداد مهم کشور بر بنیاد منافع قومی، روی‌داده و ادامه یافته است. اختلافات قومی سبب گردیده است تا شهروندان کشور به جمعیت‌های مختلفی در محور قوم، تقسیم‌شده و در تعاملات سیاسی نیز بر اساس این وابستگی سهیم باشند. این واقعیت ریشه عمیقی در جامعه افغانی داشته و بر بنیاد آن حتا بخش عمده‌ی از احزاب و جریان‌های سیاسی نیز در محور وابستگی‌های قومی ایجاد گردیده است. واقعیتی که برخلاف مفاد ماده ۳۵ قانون اساسی می‌باشد که در آن آمده است: «تأسیس و فعالیت حزب بر مبنای قومیت، سمت، زبان و مذهب فقهی جواز ندارد»^۱.

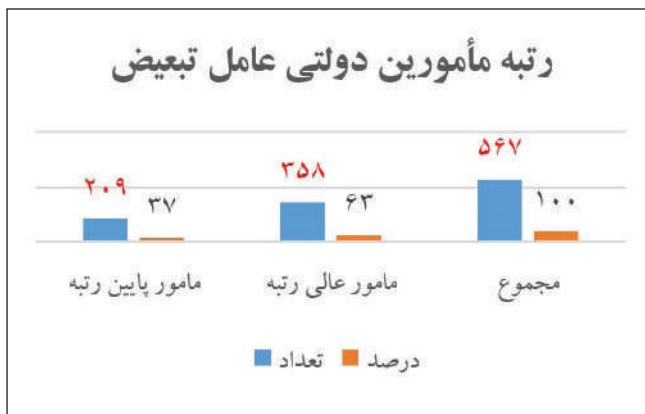


دولت افغانستان همان‌گونه که در فصول گذشته اشاره گردید تلاش‌های مهمی را تاکنون در راستای تحکیم وحدت ملی و از بین بردن مرزهای قومی انجام داده و تبعیض بر اساس رابطه‌های قومی را ضمن ماده ۲۲ قانون اساسی و ماده‌های ۲۱۸، ۲۵۶، ۴۰۹ و ۸۷۰ کدجای افغانستان، منع نموده است. ولی آنچه واقعیت داشته و به صورت عینی در متن جامعه و در روابط افراد، قابل درک بوده و مورد تأیید مصاحبه‌شوندگان این تحقیق نیز قرار گرفته است، این است که قومیت و وابستگی‌های قومی، هنوز در جامعه ما وجود داشته و همان‌گونه که محور تعاملات سیاسی و سهم‌گیری شهروندان در قدرت هست، اساس نانوشته، اما قبول‌شده‌ی تقسیم و تنظیم برنامه‌های انکشافی و توسعه در سطح ولایت‌ها نیز می‌باشد.

نتایج مطالعات میدانی این تحقیق نشان داده است که از میان ۳۴۹۸ نفر مصاحبه‌شونده ۱۰۹۳ نفر شامل ۳۱.۲٪ تأیید نموده‌اند که به دلیل وابستگی خویش به یک قوم مشخص مورد تبعیض قرار گرفته و به این دلیل توهین گردیده‌اند؛ اما ۲۳۹۲ نفر شامل ۶۸.۴٪ گفته‌اند که تاکنون به این دلیل مورد تبعیض نبوده و ۱۳ نفر باقی‌مانده شامل ۰.۴٪ به این پرسش پاسخ نداده است.



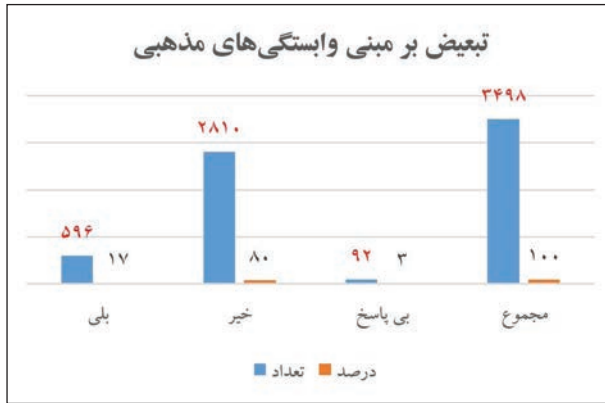
از میان کسانی که به این پرسش پاسخ مثبت داده و از تجربه تبعیض علیه خویش تأیید نموده، ۴۱۲ نفر (۳۷.۶٪) گفته‌اند که عاملین تبعیض فرد عادی بوده و ۱۱۴ نفر (۱۰.۴٪) عاملین تبعیض را کارمندان ادارات غیردولتی معرفی کرده است. در نهایت ۵۶۷ نفر (۵۱.۹٪) تأیید نموده‌اند که توسط مأمور دولت به دلیل وابستگی قومی خویش مورد تبعیض قرار گرفته و توهین شده است.



همچنین کسانی که توسط مأمورین دولت به دلیل وابستگی‌های قومی خویش مورد تبعیض قرار گرفته و توهین شده‌اند گفته‌اند که ۲۰۹ نفر (۳۶.۹٪) از کسانی که تبعیض نموده‌اند از مأمورین پایین رتبه دولتی بوده و ۳۵۸ نفر (۶۳.۱٪) دیگر از مأمورین عالی‌رتبه دولتی بوده‌اند که علیه مصاحبه‌شوندگان تبعیض روا داشته‌اند.

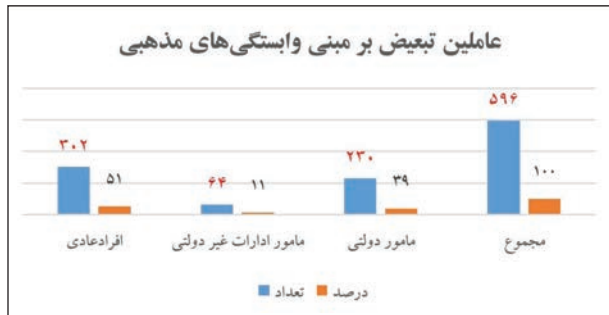
۱. وزارت عدلیه ج.ا.ا، قانون اساسی، سال ۱۳۸۲ جریده رسمی ۸۱۸ ماده ۳۵

۲: تبعیض نژادی بر اساس وابستگی‌های دینی- مذهبی



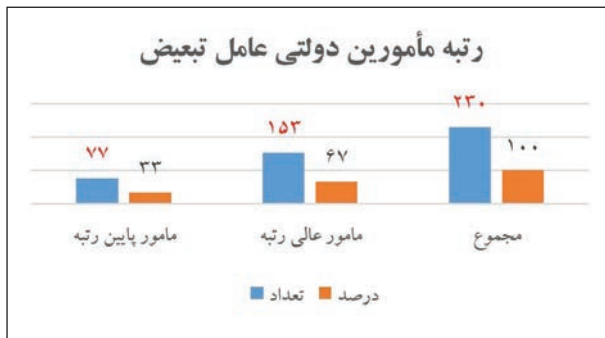
تبعیض بر اساس وابستگی‌های دینی و مذهبی نیز در کنار تبعیض قومی از عوامل مهم اختلاف و چالش‌های وحدت ملی در طول تاریخ افغانستان بوده است. دوره‌های نیز وجود داشته که بخش عمده‌ی از شهروندان به این دلیل از حقوق و آزادی‌های اجتماعی خویش محروم گردیده و با تهدید مواجه بوده‌اند. مثل دوره حاکمیت طالبان که پیروان ادیان غیر از اسلام و حتا در میان مسلمانان پیروان مذاهب غیر از اهل سنت مثل شیعه‌های فقه جعفری و اسماعلیه، با مشکلات و چالش‌های خاصی روبرو بوده‌اند. با شکل‌گیری دولت موقت بعد از طالبان وضعیت بهتر شده و اختلافات دینی و مذهبی که سبب تبعیض دینی و مذهبی نیز می‌گردد، کم‌رنگ شده و پایه‌های وحدت ملی استوارتر و محکم‌تر گردید.

دولت افغانستان همان‌گونه که در بحث مبانی حقوقی منع تبعیض اشاره گردید تبعیض را در هر محوی از جمله بر اساس وابستگی‌های دینی و مذهبی، ضمن ماده ۲۲ قانون اساسی منع نموده است و در سایر قوانین ملی نیز از عدم تبعیض آشکارا حمایت شده است. ماده ۸۷۱ کد جزای افغانستان نیز دامن زدن به اختلافات دینی-مذهبی را جرم دانسته و برای مرتکبین آن، مجازات تعیین نموده است.



اما نتایج این تحقیق نشان داده است که هنوز بخش از شهروندان کشور از موجودیت تبعیض بر اساس وابستگی‌های دینی و مذهبی رنج‌برده و با این نوع از تبعیض روبرو گردیده‌اند.

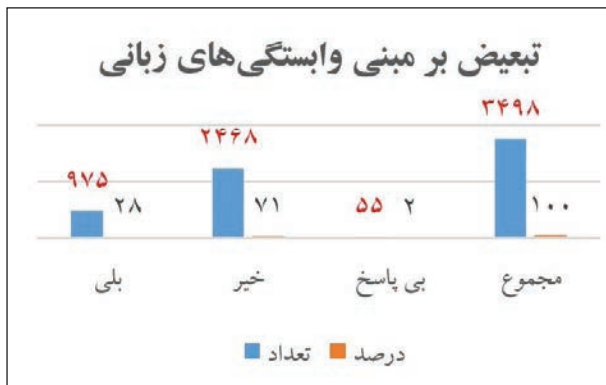
آمار به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که از میان ۳۴۹۸ نفر مصاحبه‌شونده ۵۹۶ نفر (۱۷.۰٪) پاسخ مثبت داده و تأیید نموده‌اند که قربانی تبعیض به دلیل وابستگی دینی و مذهبی‌شان بوده‌اند. ۲۸۱۰ نفر (۸۰.۳٪) به این پرسش پاسخ منفی داده و ۹۲ نفر (۲.۶٪) اصلاً پاسخی نداده است.



از میان کسانی که به این پرسش پاسخ مثبت داده و قربانی تبعیض بر اساس وابستگی خویش به دین یا مذهب مشخصی بوده‌اند ۳۰۲ نفر (۵۰.۷٪) عامل تبعیض را افراد عادی معرفی نموده و گفته‌اند که در محیط کار و سطح اجتماع توسط افراد عادی مورد تبعیض قرار گرفته و توهین شده‌اند. ۶۴ نفر (۱۰.۷٪) عامل تبعیض را کارمندان ادارات غیردولتی و ۲۳۰ نفر (۳۸.۶٪) باقی‌مانده از مأمورین دولتی به‌عنوان عامل تبعیض یاد نموده‌اند.

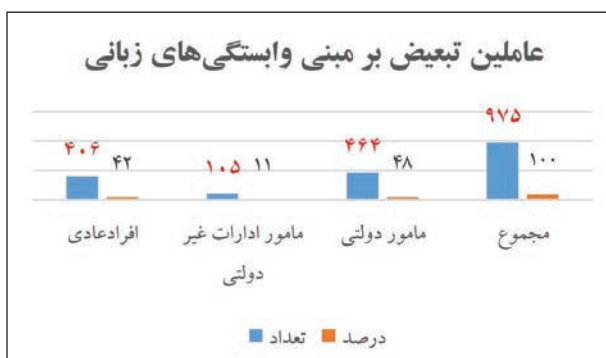
معلومات این تحقیق همچنین نشان داده است که از ۲۳۰ نفر مأمور دولتی که به‌عنوان عامل تبعیض و توهین بر اساس وابستگی‌های دینی و مذهبی شهروندان معرفی شده‌اند ۷۷ نفر (۳۳.۵٪) آنان پایین رتبه و ۱۵۳ نفر (۶۶.۵٪) دیگر از مأمورین عالی‌رتبه دولتی بوده‌اند. بر بنیاد پاسخ مصاحبه‌شوندگان، بخش عمده‌ی از رفتارهای تبعیض‌آمیز مأمورین در ادارات دولتی و در زمان مراجعه شهروندان صورت گرفته است.

۳: تبعیض نژادی بر اساس وابستگی‌های زبانی



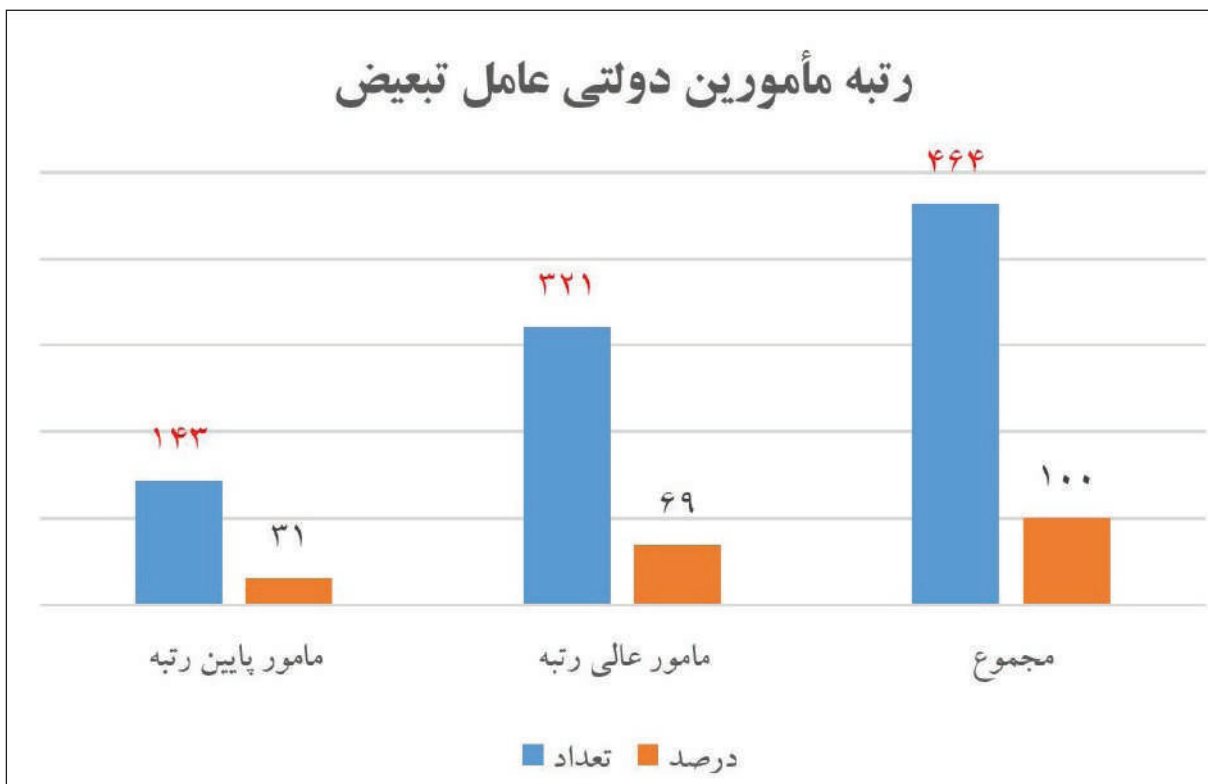
همان‌گونه که در فصل نخست این تحقیق اشاره گردید، شهروندان افغانستان به زبان‌های مختلفی صحبت می‌کنند. این تنوع زبانی گاهی سبب اختلاف و گرایش‌های تبعیض‌گرایانه نیز بوده و تعدادی با تفکیک شهروندان کشور در محور زبان‌های مادری، حلقه‌های خودی و غیرخودی را ایجاد نموده و به تبعیض نژادی در محور زبان دامن زده‌اند.

معلومات این تحقیق نشان داده است که از میان ۳۴۹۸ مصاحبه‌شونده ۹۷۵ نفر آنان (۲۷.۹٪) به این دلیل که به زبان مشخصی صحبت می‌کند مورد تبعیض بوده‌اند. این افراد تأیید نموده‌اند که پس از گفتگو با دیگران در ادارات یا محیط اجتماع با برخورد متفاوتی روبرو گردیده، توهین شده و مورد تبعیض قرار گرفته‌اند. ۲۴۶۸ نفر (۷۰.۶٪) به این پرسش پاسخ منفی داده و ۵۵ نفر باقی‌مانده که ۱.۶٪ را تشکیل می‌دهند به این پرسش پاسخ نداده‌اند.



در مورد شغل کسانی که عامل تبعیض بر اساس وابستگی‌های زبانی شهروندان بوده‌اند، مصاحبه‌شوندگان تأیید نموده‌اند که ۴۰۶ نفر (۴۱.۶٪) از کسانی که رفتار تبعیض‌گرایانه بر اساس زبان داشته‌اند، افراد عادی بوده و ۱۰۵ نفر (۱۰.۸٪) آنان کارمندان ادارات غیردولتی و ۴۶۴ نفر (۴۷.۶٪) آنان از جمله مأمورین دولتی بوده‌اند.

همچنین معلومات این تحقیق نشان داده است که از میان ۴۶۴ نفر مأمور دولت که رفتار تبعیض‌آمیز بر اساس وابستگی‌های شهروندان به زبان مشخصی، داشته‌اند ۱۴۳ نفر (۳۰.۸٪) آنان از مأمورین پایین رتبه و ۳۲۱ نفر (۶۹.۲٪) دیگر از مأمورین عالی‌رتبه دولتی بوده‌اند.



ب: پیامدهای تبعیض نژادی در افغانستان

بر اساس ماده ۵ کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی، دولت‌های عضو علاوه بر حمایت یکسان و بدون تبعیض از حقوق بشری شهروندان متعهد به تأمین زمینه‌ها و شرایط دسترسی آنان به حقوق و آزادی‌های اساسی‌شان می‌باشند. دولت افغانستان به این تعهد ضمن قانون اساسی و سایر قوانین ملی همان‌گونه که در بحث مبانی حقوقی توضیح داده شد، اذعان نموده است؛ اما نتایج این تحقیق از اجرای تعهدات دولت در این زمینه نشان می‌دهد که در برخی از موارد هنوز چالش‌های جدی وجود داشته و تعداد از شهروندان کشور از نقض حقوق بشری‌شان در نتیجه تبعیض نژادی، شکایت نموده‌اند.

۱: نقض حق شرکت در انتخابات

بر اساس ماده ۳۳ قانون اساسی^۱ و ماده ۵ قانون انتخابات تمام شهروندان افغانستان که واجد شرایط رأی‌دهی می‌باشند حق دارند بدون تبعیض در انتخابات به‌عنوان رأی‌دهنده یا کاندید شرکت کنند. بر اساس مفاد بند ۴ پاراگراف دوم ماده پنجم قانون انتخابات اعمال «هر نوع محدودیت مستقیم یا غیرمستقیم بر رأی‌دهندگان یا کاندیدان، بر اساس زبان، مذهب، قوم یا جنس، قبیله، سمت سکونت یا موقف اجتماعی یا وظیفه‌ای یا معلولیت، ممنوع می‌باشد»^۲.

اما نتایج این تحقیق نشان داده است که ۲۲۹ نفر (۶.۵٪) از کسانی که در تحقیق میدانی با آنان مصاحبه صورت گرفته است (۳۲۹۸ نفر) گفته‌اند که به دلیل وابستگی‌های قومی، مذهبی یا زبانی از شرکت در انتخابات محروم گردیده‌اند.

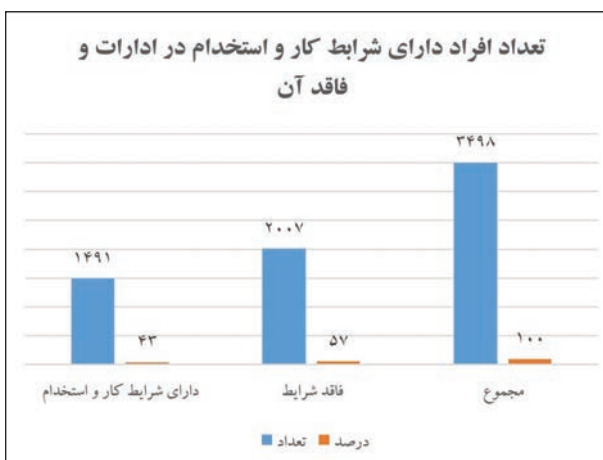
این افراد مدعی بودند که در جریان انتخابات، قربانی تبعیض نژادی بوده و توسط افراد زورمند که می‌خواستند به حریف انتخاباتی خویش صدمه بزنند، از شرکت در انتخابات محروم شده‌اند. تعدادی نیز اظهار داشته‌اند که نخواستند در انتخابات شرکت کنند زیرا در صورت شرکت مجبور بوده‌اند به کسی رأی دهند که مورد تأیید آنان نبوده است.



مصاحبه همکاران کمیسیون با این افراد نشان داده است که تعداد اعظم این افراد در قریه‌ها و دهات زندگی می‌کرده‌اند که به دلیل تسلط افراد زورمند محرمیت و سری بودن رأی به‌صورت جدی رعایت نگردیده و احتمال افشای انتخاب رأی‌دهندگان زیاد بوده است.

از میان مصاحبه‌شوندگان ۳۲۲۷ نفر که ۹۲.۳٪ کل مصاحبه‌شوندگان را تشکیل می‌دهند، تأیید نموده‌اند که تاکنون به هیچ مشکلی در این زمینه روبرو نگردیده و از حق انتخابات خویش به دلیل تبعیض نژادی محروم نگردیده‌اند. در نهایت ۴۲ نفر که ۱.۲٪ مصاحبه‌شوندگان را تشکیل می‌دهند به این پرسش پاسخ نداده‌اند. گفتنی است معلومات این تحقیق قبل از انتخابات پارلمانی ۱۳۹۷ جمع‌آوری گردیده و شامل تحولات انتخابات شده نمی‌گردد.

۲: نقض حق کار و حقوق مربوط به آن



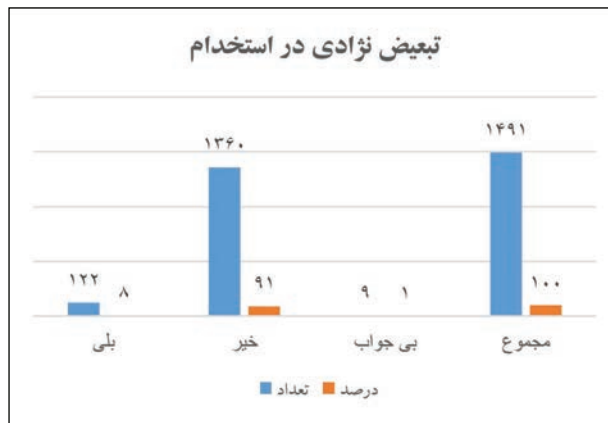
بر اساس ماده ۴۸ قانون اساسی هر افغان حق دارد به فرصت‌های مساوی کار و اشتغال دست داشته و با تبعیض در این زمینه روبرو نباشند. همچنین قانون کار افغانستان شرایط و زمینه‌های برخورداری از حق کار و حقوق مربوط به آن را به‌خوبی تسجیل نموده است. ولی اطلاعات این تحقیق چالش‌های را در این زمینه دریافت و فهرست نموده است که به حق کار و حقوق مربوط به آن شامل حق استخدام، حق عدم انفکاک از اداره، حق ترفیع و حق دریافت امتیازات مالی، ارتباط داشته و تبعیض در این زمینه‌ها را در سطح ملی نشان می‌دهد. قابل‌یادآوری است که پرسش‌های مربوط به حق کار و اشتغال صرف توسط بخشی از جامعه نمونه، یعنی کسانی که شامل کار در ادارات بوده و نیز کسانی که دارای شرایط کار و استخدام در ادارات می‌باشند ولی بیکار بوده یا

۱. اتباع افغانستان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارا می‌باشند. شرایط و طرز استفاده از این حق توسط قانون تنظیم می‌گردد. (ماده ۳۳ قانون اساسی افغانستان)

۲. وزارت عدلیه ج، ا، قانون انتخابات، ۱۳۹۵ منتشره جریده رسمی ۱۲۲۶ ماده ۵

به شغل آزاد، روی آورده‌اند، پاسخ داده شده است. تعداد این افراد در مجموع به ۱۴۹۱ نفر می‌رسند که ۴۲.۶٪ کل جمعیت نمونه یا مصاحبه‌شوندگان را (۳۴۹۸ نفر) تشکیل می‌دهند؛ بنابراین از میان ۳۴۹۸ نفر مصاحبه‌شونده ۲۰۰۷ نفر (۵۷.۴٪) آنان کسانی بوده‌اند که واجد شرایط کار و استخدام در ادارات دولتی نبوده و شامل این بخش از تحقیق نمی‌گردند.

الف: تبعیض نژادی در استخدام کارکنان



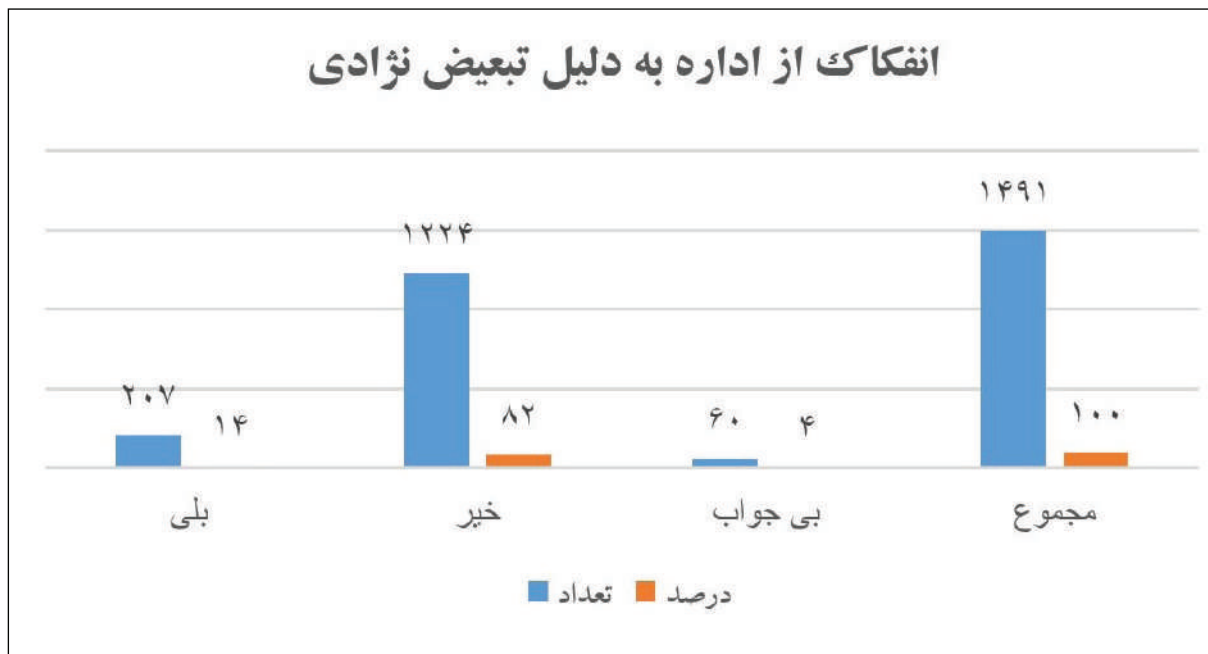
در نخستین پرسش این بخش از کسانی که تأیید نموده‌اند، کارکن یا دارای شرایط استخدام در ادارات بوده‌اند، ولی بیکار بوده یا به مشاغل آزاد روی آورده‌اند، پرسیده شده است که: آیا تاکنون به دلیل وابستگی‌های قومی، دینی - مذهبی یا زبانی خویش، در دسترسی به حق کار و اشتغال مورد تبعیض قرار گرفته‌اید؟

۱۲۲ نفر شامل ۸.۲٪ به این پرسش پاسخ مثبت داده و وجود تبعیض در این زمینه را تأیید نموده‌اند. این افراد مدعی بوده‌اند که در پرونده‌های استخدام با برخورد تبعیض‌گرایانه کارمندان ذی‌صلاح ادارات مواجه شده و از فرصت‌های برابر با دیگران محروم گردیده‌اند. این افراد همچنین تأیید نموده‌اند که تبعیض به دلیل وابستگی آن‌ها به یک قوم یا یک دی و مذهب یا زبان مشخص بوده است.

۱۳۶۰ نفر (۹۱.۰٪) دیگر به این پرسش پاسخ منفی داده و تبعیض نژادی در ادارات را به‌خصوص در روند استخدام رد نموده‌اند. ۹ نفر باقی‌مانده که ۰.۶٪ را شامل می‌گردد به این پرسش پاسخ نداده است.

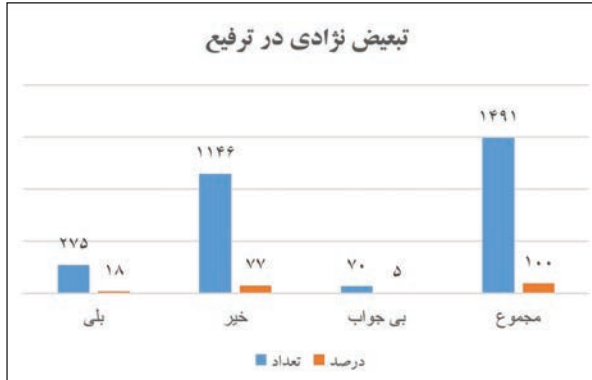
ب: انفکاک کارکنان به دلیل تبعیض نژادی

۲۰۷ نفر از مصاحبه‌شوندگان (۱۳.۹٪) گفته‌اند که به دلیل تبعیض نژادی از اداره‌ی که در آن کار می‌کرده‌اند، اخراج شده یا منفک گردیده‌اند. ۱۲۲۴ نفر دیگر (۸۲.۰٪) به این پرسش پاسخ منفی داده و ۶۰ نفر (۴.۰٪) باقی‌مانده به این پرسش اصلاً پاسخ نداده‌اند.



ج: تبعیض نژادی در ترفیع کارکنان

از مجموع مصاحبه‌شوندگان این تحقیق که دارای شرایط استخدام و کار در ادارات بودند، ۲۷۵ نفر که ۱۸.۴٪ کل مصاحبه‌شوندگان را تشکیل می‌دهند تأیید نموده‌اند که به دلیل وابستگی‌های قومی، دینی - مذهبی و زبانی از به دست آوردن ترفیع در اداره محروم



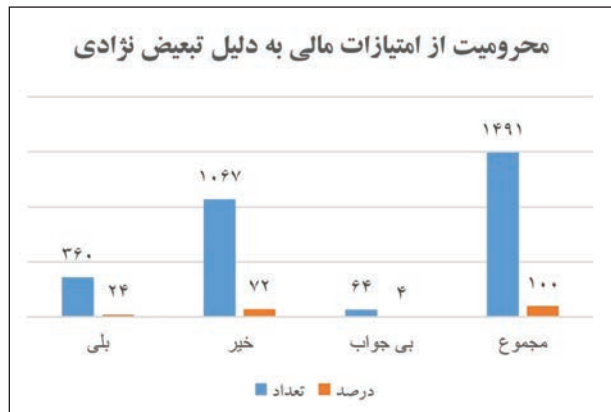
گردیده‌اند. این افراد مدعی بوده‌اند که بر رغم ظرفیت‌ها و شرایط موردنیاز به این دلیل با ترفیح آنان در ادارات موافقت نگردیده است که به قوم یا دین و مذهب خاص و یا زبانی خاصی تعلق داشته‌اند.

از میان مصاحبه‌شوندگان ۱۱۴۶ نفر که ۷۷.۰٪ را شامل می‌گردد، موجودیت تبعیض در ادارات را در زمینه به دست آوردن ترفیح، رد نموده و ۷۰ نفر باقی‌مانده که ۴.۷٪ را تشکیل می‌دادند به این سؤال پاسخ نداده‌اند.

د: محرومیت کارکنان از امتیازات مالی به دلیل تبعیض نژادی

برخی از کارکنان ادارات از این شکایت داشته‌اند که به دلیل وابستگی‌های قومی، دینی - مذهبی و زبانی از امتیازات مالی اداره‌ی محل کارشان، محروم گردیده‌اند. این افراد محرومیت خویش از امتیازات مالی را نتیجه رفتار و نگاه مسئولان بلندپایه ادارات دانسته و اذعان نموده‌اند که قربانی تبعیض نژادی افرادی شده‌اند که در رأس ادارات قرار داشته و تعصب قومی، دینی - مذهبی یا زبانی داشته‌اند.

قربانیان این رفتار که تعداد آنان به ۳۶۰ نفر رسیده و ۲۴.۱٪ کل مصاحبه‌شوندگان واجد شرایط کار و اشتغال در ادارات را شامل می‌گردد، باور داشته‌اند که در ادارات و نهادهای شرایط و ظرفیت‌های وجود دارد که کارکنان تحت این شرایط و ظرفیت‌ها مستحق امتیازات مالی می‌گردند. به باور این تعداد آن‌ها نتوانسته‌اند از این امتیازات برخوردار گردند. همچنین این افراد مدعی بوده‌اند که در مواردی به دلیل نامعلومی که در واقع به تعلقات قومی، دینی - مذهبی و زبانی آنان وابسته بوده است از امتیازات مالی خویش مثل معاش ماهوار نیز محروم گردیده‌اند.



از میان مصاحبه‌شوندگان واجد شرایط کار و استخدام ۱۰۶۷ نفر آنان شامل ۷۱.۶٪ وجود تبعیض نژادی در توزیع امتیازات مالی را رد نموده و ۶۴ نفر باقی‌مانده که ۴.۳٪ را تشکیل می‌دهند به این پرسش پاسخ نداده‌اند.

۳: نقض حق دسترسی به عدالت به دلیل تبعیض نژادی

حق دسترسی به عدالت در قوانین ملی افغانستان موردحمایت قرار گرفته است. ماده‌های ۲۲ تا ۳۲ قانون اساسی^۱ برخی از مصادیق حق دسترسی به عدالت را احتوا کرده است. علاوه بر این مواد ۵۱، ۱۲۰ و ۱۲۸ تا ۱۳۱ و ۱۳۴ قانون اساسی نیز از حق دسترسی به عدالت حمایت کرده است.

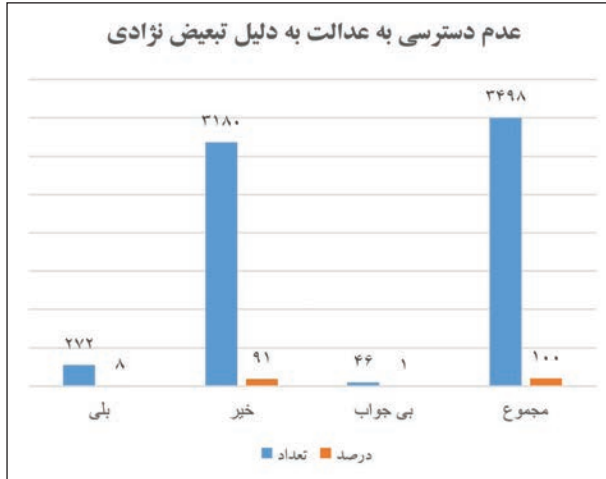
عدم تبعیض در برابر قانون، از جمله مواردی است که ضمن ماده ۲۲ قانون اساسی افغانستان به‌وضوح موردحمایت قرار گرفته است.

با تأسی از قانون اساسی قوانین عادی کشور نیز حق دسترسی به عدالت را موردحمایت قرار داده‌اند. مهم‌ترین این قوانین عبارت‌اند از قانون اجراءات جزایی، کد جزا، قانون پولیس، قانون تشکیل و صلاحیت سارنوالی، قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه، قانون محاسبات و توقیف‌خانه‌ها، قانون مراکز اصلاح و تربیت اطفال، مقرر مرکز حمایتی زنان، قانون وکلای مدافع، قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، قانون منع خشونت علیه زنان، قانون منع شکنجه، اصول محاکمات مدنی، قانون احوال شخصیه اهل تشیع، مقرر مساعدت‌های حقوقی، معیارها و اصول محاکمات عادلانه و قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.

فرمان شماره ۴۵۲ سند حقوقی دیگری است که به تاریخ ۱۳۹۱/۵/۵ توسط رئیس‌جمهور وقت کشور، صادر و نهادهای دولتی را موظف به تأمین شرایط دسترسی ساده و بدون تبعیض شهروندان به خدمات عدلی و قضایی کرده است.

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان مصوب سال ۱۳۸۲

۲. فرمان شماره ۴۵ صادره سال ۱۳۹۱



بر رغم دست آوردهای یادشده، نتایج مطالعات کمیسیون از وضعیت دسترسی شهروندان به عدالت در این تحقیق نشان داده که هنوز چالش‌های جدی در رابطه به دسترسی شهروندان به عدالت وجود داشته و متأسفانه یک بخش از چالش‌ها در نتیجه وجود تبعیض نژادی یا تبعیض بر اساس وابستگی‌های افراد به قوم، دین - مذهب یا زبان خاصی بوده است.

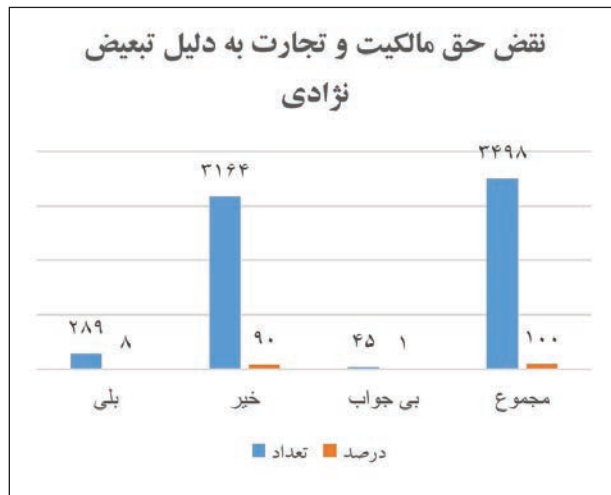
برخی از شهروندان نسبت به رفتار کارکنان ادارات عدلی و قضایی شکایت داشته و تأیید نموده‌اند که به این دلیل، با رفتار توهین‌آمیز مأمورین نهادهای عدلی و قضایی مواجه شده و از دسترسی به عدالت محروم گردیده‌اند که از قوم، دین - مذهب یا زبان دیگری بوده‌اند.

از میان ۳۴۹۸ نفر که همکاران کمیسیون به هدف خانه پری پرسشنامه به آنان مصاحبه نموده‌اند ۲۷۲ نفر آنان که ۷.۸٪ کل مصاحبه‌شوندگان یا جمعیت نمونه این تحقیق را نشان می‌دهند، تأیید نموده‌اند که در جریان مراجعه به نهادهای عدلی و قضایی با تبعیض نژادی از سوی کارکنان و مسئولان این نهادها مواجه گردیده‌اند؛ اما ۳۱۸۰ نفر که شامل ۹۰.۹٪ می‌گردد به این پرسش پاسخ منفی داده و موجودیت تبعیض نژادی در این نهادها را رد نموده‌اند. در نهایت ۴۶ نفر باقی‌مانده که ۱.۳٪ را در برمی‌گیرند به این پرسش پاسخ نداده‌اند.

۴: نقض حق مالکیت و تجارت به دلیل تبعیض نژادی

حق مالکیت و تجارت از حقوق مورد حمایت شهروندان در قانون اساسی و قوانین عادی افغانستان است. مبتنی بر مفاد ماده‌های ۱۰ و ۱۱ قانون اساسی، دولت وظیفه دارد تا ظرفیت‌های تجارت و سرمایه‌گذاری را به صورت برابر و بدون تبعیض در سطح ملی به وجود آورد. همچنین ماده ۴۰ و ۴۱ قانون اساسی از حق مالکیت در افغانستان حمایت نموده است. حق مالکیت و تجارت در قوانین عادی کشور نیز حمایت شده و دولت افغانستان مسؤلیت دارد که زمینه‌ها و شرایط برخورداری شهروندان از این حق را بدون تبعیض مطابق با مفاد ماده ۵ کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی در سطح ملی فراهم کند.

اما نتایج این تحقیق در برخی از موارد چالش‌های را نشان داده است که بر اساس آن برخی از شهروندان به دلیل وابستگی‌های قومی، دینی - مذهبی و زبانی خویش از دسترسی به حقوق مالکیت و تجارت محروم گردیده و مورد تبعیض واقع شده‌اند.



معلومات این تحقیق نشان داده است که ۲۸۹ نفر (۸.۲٪) از مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند که در سال‌های اخیر در زمینه حق مالکیت و تجارت با تبعیض مواجه بوده‌اند. به گفته این افراد قضایای وجود داشته است که کسانی یا کسی ملکیت‌های شخصی آنان را بدون رضایتشان، به صورت غیرقانونی و با استفاده از زور تصرف یا غصب نموده‌اند. همچنین قضایای نیز بوده است که آنان از حق ملکیت و تجارت خویش به دلیل وابستگی‌های قومی، دینی - مذهبی و زبانی در نتیجه رفتار غیرقانونی مأمورین دولتی محروم گردیده‌اند.

از میان ۳۴۹۸ نفر مصاحبه‌شونده ۳۱۶۴ نفر (۹۰.۵٪) از موجودیت تبعیض نژادی در زمینه مالکیت و تجارت انکار کرده و ۴۵ نفر باقی‌مانده که شامل ۱.۳٪ هست به این پرسش پاسخ نداده‌اند.

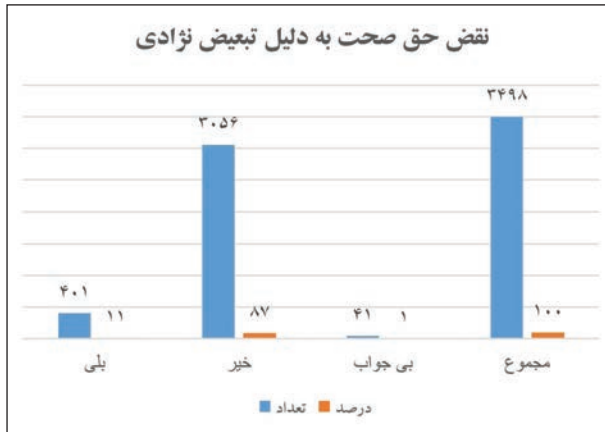
۵: نقض حق دسترسی به خدمات صحی به دلیل تبعیض نژادی

ماده‌های ۵۲، ۵۳ و ۵۴ قانون اساسی افغانستان^۱ از حق صحت و حق دسترسی به خدمات صحی با کیفیت به عنوان یکی از حقوق شهروندی بدون تبعیض، حمایت کرده و به دولت وظیفه داده است که زمینه‌ها و شرایط دسترسی شهروندان به حق دسترسی به خدمات صحی با کیفیت اعم از پیشگیری و درمان را به صورت برابر، فراهم کند.

۱. قانون اساسی افغانستان (۶ دول ۱۳۸۲)

قانون صحت عامه افغانستان، نیز یکی از مهم‌ترین قوانینی است که از حق صحت و حق دسترسی به خدمات صحتی باکیفیت بدون تبعیض حمایت نموده است. این قانون که به تاسی از مواد ۵۲ تا ۵۴ قانون اساسی کشور به تصویب رسیده است. بر مبنای فقره ۴ بند اول ماده ۲ قانون صحت عامه، دولت مکلف به تهیه رایگان خدمات اولیه صحتی برای شهروندان کشور بدون تبعیض است.

علی‌رغم تأکیدات قوانین ملی هنوز هم تعدادی از شهروندان از تبعیض در دسترسی به حق صحت یا خدمات صحتی باکیفیت شکایت داشته و گفته‌اند که با برخورد تبعیض‌گرایانه کارکنان و مسئولان سکتور صحتی مواجه بوده‌اند.



از میان ۳۴۹۸ نفر مصاحبه‌شونده به تعداد ۴۰۱ نفر (۱۱.۵٪) از موجودیت تبعیض در زمینه دسترسی به حق صحت شکایت داشته و تأیید نموده‌اند که در زمان مراجعه به مراکز صحتی با برخورد تبعیض‌گرایانه از سوی کارکنان و مسئولان این نهادها مواجه گردیده‌اند. همچنین برخی از مصاحبه‌شوندگان گفته‌اند که دولت افغانستان در زمینه تخصیص بودجه به ولایت‌ها و ایجاد مراکز صحتی در برخی از مناطق کشور به دلیل وابستگی‌های قومی، دینی - مذهبی و زبانی شهروندان با تبعیض برخورد می‌کند.

اما ۳۰۵۶ نفر (۸۷.۴٪) وجود تبعیض نژادی در دسترسی به حق صحت را رد نموده و ۴۱ نفر باقی‌مانده ۱.۲٪ را شامل می‌گردد به این پرسش پاسخ نداده‌اند.

۶: نقض حق دسترسی به آموزش و تحصیلات عالی به دلیل تبعیض نژادی

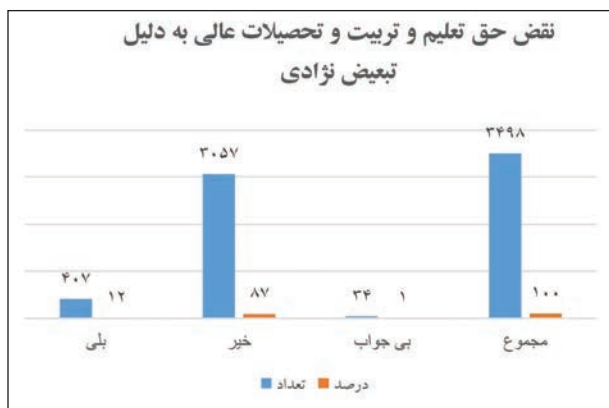
حق دسترسی به آموزش و تحصیلات عالی از جمله حقوق ذاتی انسان‌ها است که هم در مقررات بین‌المللی که دولت افغانستان متعهد به رعایت آن‌هاست و هم در قانون اساسی و دیگر قوانین کشور بر آن تأکید شده است. در ماده ۴۳ قانون اساسی افغانستان بیان شده است: «تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لیسانس در مؤسسات تعلیمی دولتی به‌صورت رایگان از طرف دولت تأمین می‌شود. دولت مکلف است به‌منظور تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان، تأمین تعلیمات متوسطه اجباری، پروگرام مؤثر طرح و تطبیق نماید و زمینه تدریس زبان‌های مادری را در مناطقی که به آن‌ها تکلم می‌کنند فراهم کند.»

همچنین در ماده ۴۶ قانون اساسی افغانستان آمده است: «دولت نصاب واحد تعلیمی را، بر مبنای احکام دین مقدس اسلام و فرهنگ ملی و مطابق با اصول علمی، طرح و تطبیق می‌کند و نصاب مضامین دینی مکاتب را، بر مبنای مذاهب اسلامی موجود در افغانستان، تدوین می‌نماید.»

این حق ضمن دو قانون معارف و تحصیلات عالی افغانستان نیز مورد حمایت بوده و دولت افغانستان وظیفه دارد تا زمینه‌ها و فرصت‌های دسترسی برابر و بدون تبعیض شهروندان به تعلیم و تربیت و تحصیلات عالی را فراهم سازد.

دریافته‌های این تحقیق از دست آوردهای دولت افغانستان در این زمینه نشان داده است که تاکنون مردم کشور در این زمینه نیز مثل سایر زمینه‌ها با مشکلات جدی روبرو می‌باشند.

۴۰۷ نفر شامل ۱۱.۶٪ کل مصاحبه‌شوندگان در این تحقیق اظهار داشته‌اند که در راستای دسترسی به حق تعلیم و تربیت و تحصیلات عالی با تبعیض از سوی کارکنان و مسئولان ادارات و نهادهای مربوطه مواجه بوده‌اند. ۳۰۵۷ شامل ۸۷.۴٪ وجود مشکل و تبعیض در این زمینه را رد نموده و ۳۴ نفر شامل ۱.۰٪ به این پرسش پاسخ نداده‌اند.



۱. وزارت عدلیه، دولت ج. ا. قانون اساسی افغانستان، ۱۳۸۲، جریده رسمی شماره ۸۱۸، ماده‌های ۴۳ و ۴۶

۷: نقض حق اشتراک در محافل و اجتماعات فرهنگی و مذهبی

بر اساس ماده ۲ قانون اساسی افغانستان؛ که در آن آمده است: «دین دولت جمهوری اسلامی افغانستان، دین مقدس اسلام است. پیروان سایر ادیان در پیروی از دین و اجرای مراسم دینی‌شان در حدود احکام قانون آزاد می‌باشند». شهروندان افغانستان اعم از پیروان دین مقدس اسلام و سایر ادیان در برگزاری مراسم و محافل دینی‌شان آزاد و مورد حمایت می‌باشند.

همچنین در ماده ۲۴ این قانون آمده است: «آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می‌گردد، محدودی ندارد. آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است. دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف هست». بنابراین هر عمل که به آزادی‌ها و کرامت انسانی صدمه بزند، ممنوع می‌باشد. برگزاری و شرکت در محافل و تجمعات فرهنگی و دینی - مذهبی در صورتی که در مخالفت با قانون اساسی نبوده باشد جزء حقوق و آزادی‌های شهروندان کشور است و مورد احترام.

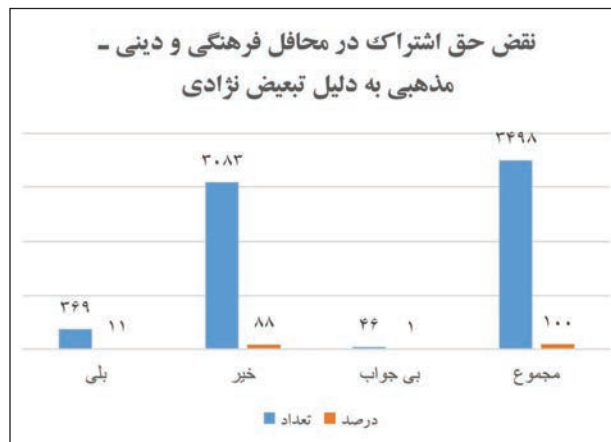
مواد ۳۴ تا ۳۶ قانون اساسی نیز در حمایت از آزادی‌های اساسی شهروندان شامل حق آزادی بیان، حق آزادی تجمعات و آزادی تظاهرات مطابق با قانون بوده و اشتراک آزادانه آنان در این محافل و اجتماعات فرهنگی و دینی - مذهبی حمایت می‌نماید.

علاوه بر قانون اساسی افغانستان قوانین عادی شامل قانون رسانه‌های همگانی، قانون اجتماعات، اعتصابات و تظاهرات و قانون احزاب سیاسی از جمله قوانینی‌اند که به نحوی از حق آزادی برگزاری و شرکت در محافل و تجمعات فرهنگی و دینی - مذهبی حمایت نموده‌اند.

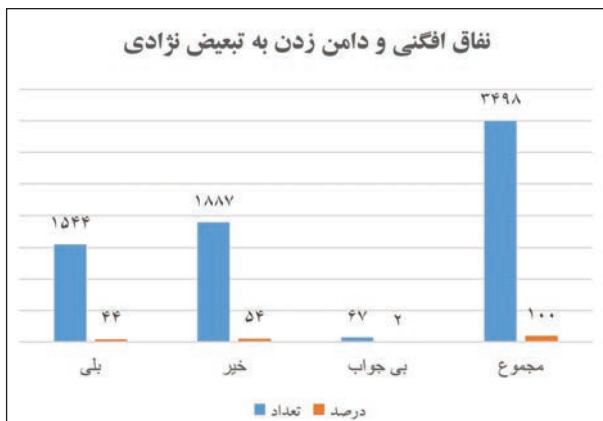
اما آنچه در عمل و در برخورد عینی با شهروندان کشور وجود داشته و بخش از کارنامه دولت افغانستان در سال‌های اخیر در این زمینه محسوب می‌گردد، وجود برخی از نگرانی‌های است که تعداد از شهروندان در این زمینه داشته و در مصاحبه با همکاران کمیسیون به آن اشاره نموده‌اند.

مصاحبه‌شوندگان علاوه بر این که به موارد از حملات تروریستی به محافل و تجمعات دینی - مذهبی بر اهل هنود و اهل تشیع در سال‌های اخیر از سوی گروه‌های تروریستی و مخالف دولت در ولایت‌های ننگرهار، کابل، بلخ و هرات اشاره نموده‌اند نسبت به برخی از چالش‌های نیز نگران بوده‌اند که به باور آنان به برخورد مأموران ادارات ارتباط داشته و حق آزادی برگزاری و شرکت در محافل و تجمعات فرهنگی و دینی - مذهبی آنان را محدود نموده است.

از میان ۳۴۹۸ نفر مصاحبه‌شونده در بخش تحقیق میدانی از تحقیق، ۳۶۹ نفر شامل ۱۰.۵٪ گفته‌اند که حق آزادی آنان در اشتراک به محافل فرهنگی و دینی - مذهبی با محدودیت مواجه بوده است.



۳۰۸۳ نفر شامل ۸۸.۱٪ موجودیت تبعیض در این زمینه را رد نموده و ۴۶ نفر شامل ۱.۳٪ به این پرسش پاسخ نداده‌اند.



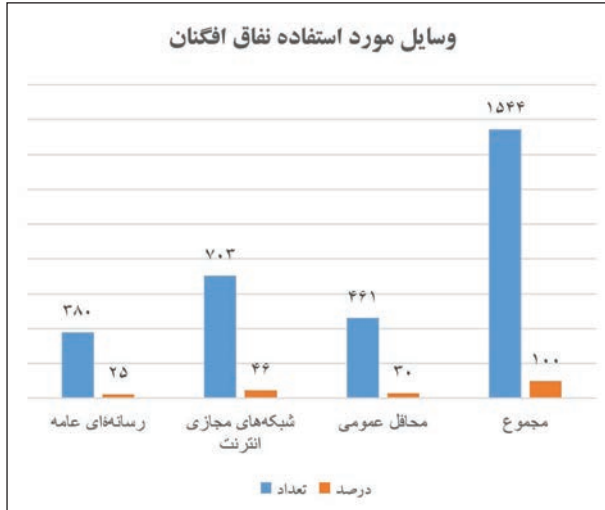
۸: نفاق افگنی

نفاق افگنی یا دامن زدن به تبعیض نژادی یکی از دیگر چالش‌های جامعه ما بوده و مبتنی بر اطلاعات به‌دست‌آمده در این تحقیق تعدادی از افراد به‌صورت غیرمسئولانه با استفاده از محافل، رسانه‌ها و صفحات مجازی به این‌گونه اعمال دست‌زده و نفاق افگنی می‌کنند.

این در حالی است که مبتنی بر مفاد ماده ۲۲ قانون اساسی برابری شهروندان در برابر قانون تضمین گردیده و هر نوع تبعیض و تفاوت بین شهروندان از سوی هرکسی که باشد ممنوع گردیده است. همچنین مبتنی بر ماده‌های ۲۵۶، ۸۷۰ و ۸۷۱ کد جزای

۱. قبلی، ماده دوم

۲. قبلی، ماده ۲۴



افغانستان دامن زدن به تبعیض نژادی جرم بوده و قابل پیگرد.

مطالعات این تحقیق نشان داده است که از میان ۳۴۹۸ نفر که با آنان مصاحبه صورت گرفته است، ۱۵۴۴ نفر شامل ۴۴.۱٪ تأیید نموده‌اند که کسی یا کسانی را می‌شناسند که به تبعیض نژادی با استفاده از محافل عمومی، رسانه‌ها و صفحات مجازی دامن می‌زنند.

این افراد عمدتاً به کسانی اشاره نموده‌اند که با استفاده از فرصت‌های یادشده نسبت به اقوام و زبان‌های رایج در کشور با تعصب برخورد نموده و به اختلافات دینی - مذهبی در سطح ملی دامن می‌زنند.

۱۸۸۷ نفر ۵۳.۹٪ گفته‌اند که افراد یا جمعیت‌های را نمی‌شناسند که به تبعیض نژادی در سطح ملی دامن بزنند؛ و ۶۷ نفر باقی‌مانده شامل ۱.۹٪ به این پرسش پاسخ نداده‌اند.

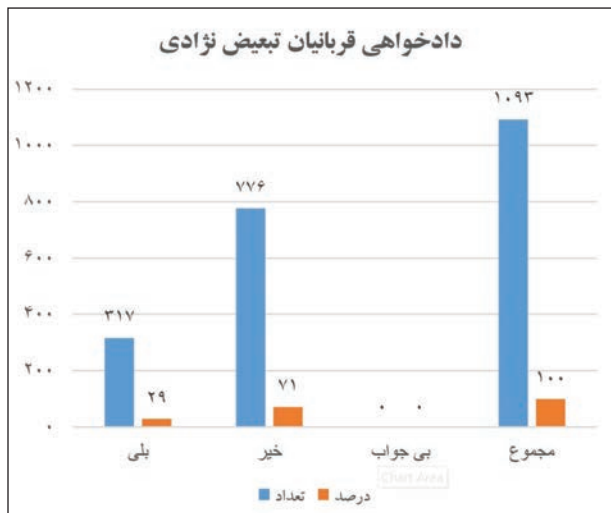
در توضیح این بحث از مصاحبه‌شوندگان در مورد وسایل که افراد با استفاده از آن به این عمل دست‌زده و نفاق افگنی می‌نمایند پرسیده شده است؛ که پاسخ مصاحبه‌شوندگان ارقام زیر را نشان می‌دهد.

۳۸۰ نفر شامل ۲۴.۶٪ با استفاده از رسانه‌ها عمومی به این کار دست‌زده و نفاق افگنی می‌نمایند. ۷۰۳ نفر شامل ۴۵.۵٪ از طریق شبکه‌های مجازی اینترنت به تبعیض نژادی دامن می‌زنند و ۴۶۱ نفر شامل ۲۹.۹٪ با استفاده از محافل و جلسات عمومی سخنانی را ایراد می‌نمایند که به وحدت ملی ضربه زده و به تبعیض نژادی دامن می‌زند.

۹: دادخواهی

دادخواهی و اقامه دعوی یکی از حقوق شهروندی است که مبتنی بر مفاد ماده‌های ۵۱، ۱۳۰، ۱۳۱ و ۱۳۴ اقامه می‌گردد، قانون اجرائات جزایی و کد جزا افغانستان نیز تفصیلات جامعی را در این زمینه دارد؛ بنابراین هرکسی که در نتیجه رفتار یا کارهای شخص یا نهادی متضرر می‌گردد، حق دارد به نهادهای عدلی و قضایی مراجعه نموده و دادخواهی کند.

در این تحقیق از کسانی که مدعی بودند قربانی تبعیض نژادی بوده و به این دلیل متضرر گردیده‌اند پرسیده شده است که آیا پس از آن که مورد تبعیض قرار گرفته‌اید، به نهادهای عدلی و قضایی یا به مقامات بلندپایه ادارات که در آن با تبعیض روبرو شدید به خاطر دادخواهی مراجعه نموده‌اید یا خیر؟ و اگر مراجعه کردید برخورد مقامات دولتی با شما چگونه بوده است؟ آیا شکایت شما شنیده شده و مورد رسیدگی قرار گرفته است یا خیر؟

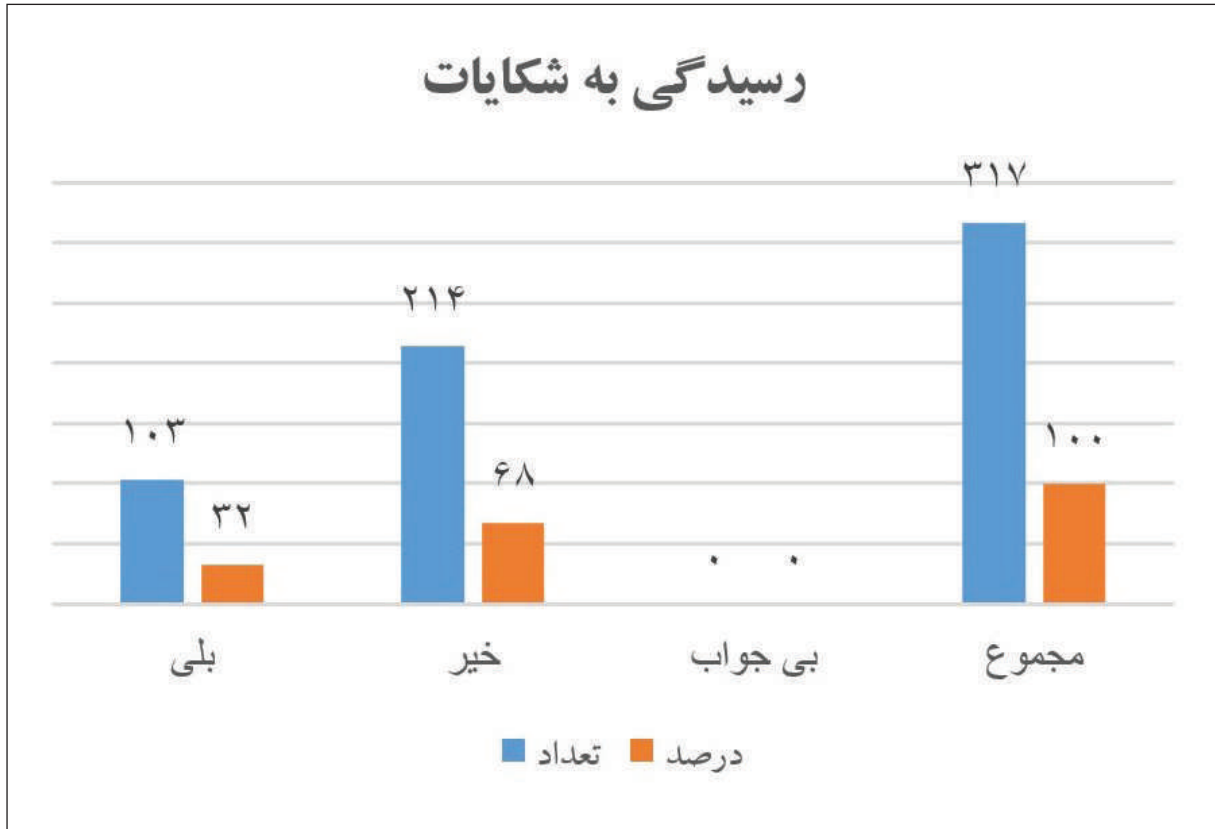


در نخستین بخش از تحلیل آماری معلومات این تحقیق نشان داده شد که از میان ۳۴۹۸ نفر ۱۰۹۳ نفر که ۳۱.۲٪ را شامل می‌گردید تأیید نموده بودند که قربانی تبعیض نژادی بوده‌اند. از این میان، ۳۱۷ نفر آنان که ۲۹.۰٪ قربانیان را شامل می‌گردد، گفته‌اند که پس از آن که احساس نمودند، مورد تبعیض واقع شده‌اند، شکایت ثبت کرده‌اند ولی تمام این افراد مدعی بودند که به نهادهای عدلی و قضایی نه بلکه به مقامات و افراد بلندپایه همان اداره مراجعه نموده و دادخواهی نموده‌اند؛ بنابراین بر اساس ادعای این افراد تاکنون هیچ فردی به صورت مشخص به نهادهای عدلی و قضایی، جهت رسیدگی به موارد نقض حق برابری و عدم تبعیض، مراجعه نکرده‌اند. تمام افراد مدعی بوده‌اند که به مراجعی غیر از نهادهای عدلی و قضایی رجوع نموده و شکایت ثبت نموده‌اند.

با توجه به این رقم مشخص می‌گردد که ۷۷۶ نفر باقی‌مانده که قربانی تبعیض نژادی بوده و شامل ۷۱.۰٪ می‌گردند، پس از این که متوجه شدند مورد تبعیض نژادی قرار گرفته‌اند، نیز هیچ شکایتی ثبت ننموده و به هیچ مرجعی مراجعه نکرده‌اند.

۱۰: رسیدگی به شکایات‌ها

از میان کسانی که مدعی بودند پس از آنکه مورد تبعیض واقع گردیده و دادخواهی نموده به مقامات مسئول مراجعه کرده و شکایت ثبت نموده‌اند ۱۰۳ نفر (۳۲.۵٪) گفته است که به شکایت آن‌ها گوش داده شده و رسیدگی صورت گرفته است. این افراد تأیید نموده‌اند که پس از این که احساس کردند مورد تبعیض نژادی قرار گرفته‌اند به مقامات مسئول اداره، مراجعه کرده و دادخواهی نموده‌اند، شکایت آنان مورد بررسی قرار گرفته و رسیدگی شده است؛ اما ۲۱۴ نفر (۶۷.۵٪) باقی مانده تأیید نموده‌اند که با وصف که شکایت نموده و دادخواهی کرده‌اند ولی شکایت آن‌ها شنیده نشده و مورد رسیدگی قرار نگرفته است.



نتیجه‌گیری

نتایج مطالعات این تحقیق نشان داده است که دولت افغانستان دست آوردهای خوبی را در زمینه ایجاد مبانی حقوقی و ساختاری جهت مبارزه با تبعیض نژادی داشته و علاوه بر قانون اساسی قوانین عادی نیز بر منع تبعیض نژادی تأکید نموده است.

قانون اساسی افغانستان تبعیض بین شهروندان را ممنوع قرار داده و دولت را مکلف به رعایت منشور سازمان ملل متحد و سایر اسناد و میثاق‌های بین‌المللی نموده که به آن ملحق گردیده یا امضاء نموده است. ماده ۲۵۶ کد جزای افغانستان نیز تبعیض نژادی را جرم دانسته و برای مرتکبین آن مجازات در نظر گرفته است.

ایجاد نهادهای نظارت‌کننده و حمایت‌کننده حقوق بشر، دست آوردهای دیگری است که تاکنون در راستای حمایت از حقوق بشر و به‌صورت خاص منع تبعیض نژادی انجام شده است.

اما آنچه مربوط به مرحله اجرا یا عملیاتی سازی مفاهیم منع تبعیض نژادی در سطح ملی بوده و روند رفتارها یا طرز نگاه عوامل دولت را در برابر شهروندان به‌خصوص در نسبت آنان با قوم، دین یا مذهب و زبان آنان، نشان می‌دهد یا به نحوه برخورد عوامل دولتی با مردم، ارتباط می‌گیرد، بحث دیگری است که مبتنی بر معلومات یا داده‌های این تحقیق با پرسش‌ها و چالش‌های جدی روبرو است.

مطالعات کمیسیون نشان داده است که به باور تعدادی زیادی از اشتراک کنندگان جلسات فوکس‌گروپ این تحقیق برخی از مواد قانون اساسی و قوانین عادی نیازمند مطالعات دقیق‌تری بوده و در مغایرت با روح برابری و یکسان بینی شهروندان، قرار داشته و به تبعیض نژادی دامن می‌زند مثل مواد ۶۲، ۱۳۰ و ۱۳۱ این قانون

تعدادی از باشندگان کشور مثل جوگی‌ها به‌رغم صدها سال حضور و تولد در افغانستان، برخلاف ماده نهم قانون تابعیت کشور، هنوز از داشتن تذکره تابعیت، عامدانه محروم گردیده‌اند. محرومیتی که سبب گردیده است تا سایر حقوق بشری اعم از حقوق سیاسی-مدنی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این افراد، نقض گردد.

تبعیض بر اساس وابستگی‌های قومی، دینی-مذهبی و زبانی در ادارات شامل روند استخدام، ترفیع و توزیع امتیازات مالی و معنوی، وجود دارد.

شهروندان کشور از خدمات‌رسانی دولت در ولایت‌ها راضی نبوده و تخصیص بودجه انکشافی را غیرعادلانه و تحت تأثیر گرایش‌های تبعیض‌گرایانه مسئولان امور می‌دانند.

در مجموع ۳۱.۲٪ مصاحبه‌شوندگان این تحقیق تأیید نموده‌اند که یک یا چند بار به دلایل وابستگی‌های خویش به قوم، دین یا مذهب و زبان مشخصی، مورد تبعیض قرار گرفته‌اند.

همچنین در این تحقیق روشن گردیده است که تبعیض نژادی علاوه بر این که خود یکی از مصادیق نقض حقوق بشری افراد شمرده می‌شود، سبب نقض بسیاری از حقوق بشری شهروندان مثل حق شرکت در انتخابات، حقوق مربوط به کار، حق دسترسی به عدالت، حق مالکیت و تجارت، حق دسترسی به خدمات صحتی، حق دسترسی به تعلیم و تربیت و تحصیلات عالی، حق اشتراک در محافل فرهنگی و دینی-مذهبی، نیز گردیده است.

همچنین معلومات این تحقیق نشان داد که گروه‌ها و افرادی وجود دارد که با استفاده از محافل و فرصت‌های رسانه‌ای اعم از رسانه‌های عمومی و شبکه‌های اینترنتی، سعی در نفاق افگنی و دامن زدن به تبعیض نژادی می‌نمایند.

بر اساس معلومات این تحقیق تاکنون هیچ فردی یا گروهی به دلیل دامن به تبعیض نژادی در سطح ملی محاکمه نشده و حتا هیچ فردی به‌صورت رسمی علیه این افراد و گروه‌ها شکایتی درج نکرده است.

بنابراین اذعان می‌گردد که تا هنوز برنامه‌های دولت افغانستان در زمینه مبارزه با تبعیض نژادی با چالش‌های جدی مواجه بوده و نیازمند تأمل و بازنگری می‌باشد.

پیشنهادها

۱. نبود قانون منع تبعیض که تمامی رفتارهای تبعیض نژادی را احتوا نموده و برای عاملین آن مجازات پیش‌بینی نماید، یکی از چالش‌های جدی منع تبعیض نژادی در افغانستان است. لذا کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان توقع دارد، دولت افغانستان روند تصویب، توشیح و انفاذ قانون منع تبعیض را تسریع و مشکلات فرا راه آن را از بین ببرد؛
۲. بازنگری برنامه‌های فرهنگی، آموزشی و آگاهی دهی از تبعیض نژادی و پیامدهای این پدیده ناگوار در زندگی جمعی و شخصی شهروندان. اعم از برنامه‌های فرهنگی، نشراتی و نصاب تعلیمی و تحصیلی به هدف تقویت و مؤثریت این برنامه‌ها، یک ضرورت اساسی است. بنابراین کمیسیون از دولت افغانستان می‌خواهد تا در این زمینه با طرح و اجرای برنامه‌های مؤثر، منع تبعیض نژادی را به یک گفتمان ملی تبدیل نموده و مبارزه با آن را به یک روند عمومی و فرهنگی تبدیل نماید؛
۳. ایجاد میکانیزم یا سیستم دریافت شکایت‌های قربانیان تبعیض نژادی و رسیدگی مؤثر به این قضایا در ادارات از طریق ارجاع این قضایا به نهادهای عدلی و قضایی و محاکمه افراد و گروه‌های نفاق افکن که به تبعیض نژادی دامن می‌زنند، سبب خواهد شد تا دامنه فعالیت‌های این افراد و گروه‌ها محدود گردد. لذا کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان توقع دارد که دولت این امر را جدی گرفته و فرهنگ معافیت از مجازات را به خصوص در این زمینه از بین ببرد؛
۴. کمیسیون متقل حقوق بشر افغانستان همچنین پیشنهاد می‌کند تا اقدام رسمی و سریع جهت توزیع تذکره تابعیت به جوگی‌ها و سایر افراد که به اساس قانون تابعیت حق دارند تذکره تابعیت دریافت کنند، ولی به دلیل تبعیض تا کنون از این حق محروم گردیده‌اند، صورت گیرد؛
۵. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان همچنین پیشنهاد می‌کند تا میکانیزم‌های نظارتی بر روند فعالیت‌های نهادهای خدمات عامه به هدف تضمین خدمات‌رسانی عاری از تبعیض در سراسر کشور، اصلاح و تقویت گردد. تا علاوه بر تقویت روند کشف جرایم ارتکاب یافته در این زمینه از روند رسیدگی به آن توسط نهادهای عدلی و قضایی نیز به درستی نظارت گردد؛
۶. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان با توجه به تعهدات دولت افغانستان در قبال کنوانسیون منع هر نوع تبعیض نژادی و با تأکید بر ضرورت گزارش دهی به کمیته منع تبعیض نژادی در شورای حقوق بشر، پیشنهاد می‌کند که دولت افغانستان گزارش ملی خویش را از میزان تطبیق کنوانسیون یاد شده تهیه و مطابق به مفاد ماده ۹ این کنوانسیون به کمیته ارائه نموده و با انعکاس واقعیت‌های عینی کشور، نخستین گام عملی در راستای منع تبعیض نژادی را در سطح ملی بردارد؛
۷. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان شفافیت در روند استخدام، ترفیع و تنزیل کارمندان در ادارات را یک ضرورت دانسته و از عوامل مهم و مؤثر در حکومت‌داری خوب می‌داند. بنابراین پیشنهاد می‌کند تا سیستم‌ها و مکانیزم‌های حمایت‌کننده شفافیت در این زمینه تقویت گردیده و ریشه تبعیض به خصوص تبعیض نژادی در ادارات از بین برده شود؛
۸. یکی از نگرانی‌های جدی مردم در این تحقیق به تخصیص بودجه انکشافی به ولایت‌های کشور بر می‌گشت. تعداد زیادی از مردم باور داشتند که روند تخصیص بودجه ملی به خصوص بودجه انکشافی به ولایت‌های کشور، تبعیض گرایانه بوده و عادلانه نیست. لذا کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان پیشنهاد می‌کند تا دولت افغانستان ضمانت‌های نظارتی مورد نیاز در این زمینه را ایجاد و میکانیزم شفاف و روشنی را جهت تشخیص نیازمندی‌ها و اولویت‌های ملی با اشتراک مردم ایجاد نموده و اعتماد آنان را در این زمینه به دست آورد.

فهرست منابع

۱. کاتب، ملا فیض محمد، نژادنامه افغان، به اهتمام عزیز الله رحیمی، نشر: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۷۲
۲. اداره مرکزی احصائیه افغانستان، برآورد نفوس کشور در سال ۱۳۹۷، ۱۳۹۷
۳. مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، دانشنامه بزرگ اسلامی، جلد ۱۷
۴. دولت جمهوری اسلامی افغانستان، قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، سال ۱۳۸۲ جریده رسمی ۸۱۸
۵. وزارت عدلیه دولت ج.ا.ا، قانون کارکنان خدمات ملکی افغانستان، سال ۱۳۸۷، جریده رسمی شماره ۹۵۱
۶. وزارت عدلیه دولت ج.ا.ا، قانون کار افغانستان، سال ۱۳۸۵، جریده رسمی شماره ۹۱۴
۷. وزارت عدلیه دولت ج.ا.ا، قانون اجراءات اداری افغانستان، سال ۱۳۹۷، جریده رسمی شماره ۱۲۹۸
۸. وزارت عدلیه دولت ج.ا.ا، قانون معارف افغانستان، سال ۱۳۸۷، جریده رسمی شماره ۹۵۵
۹. وزارت عدلیه دولت ج.ا.ا، کد جزای ج، ا.ا، سال ۱۳۹۶ جریده رسمی شماره ۱۲۶۰
۱۰. وزارت عدلیه ج.ا.ا، قانون منع شکنجه سال ۱۳۹۷ جریده رسمی شماره ۱۳۲۱
۱۱. وزارت عدلیه امارت اسلامی افغانستان، قانون تابعیت، سال ۱۳۸۷، جریده رسمی شماره ۷۸۲
۱۲. وزارت عدلیه ج.ا.ا، قانون رسانه‌ای همگانی، سال ۱۳۸۸ جریده رسمی شماره
۱۳. وزارت عدلیه ج، ا، قانون انتخابات، سال ۱۳۹۵ جریده رسمی ۱۲۲۶
۱۴. وزارت عدلیه ج.ا.ا، مقررہ حمایت حقوق بشر در ادارات دولتی، سال ۱۳۹۳ جریده رسمی شماره ۱۲۴۸
۱۵. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، منشور سازمان، ۱۹۴۵
۱۶. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸
۱۷. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی منع هر نوع تبعیض نژادی، ۱۹۶۵
۱۸. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ۱۹۶۶
۱۹. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۹۶۶
۲۰. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه درباره محو همه اشکال تعصب و تبعیض مبتنی بر دین یا اعتقاد، ۱۹۸۱
۲۱. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی، یا قومی، مذهبی یا زبانی، ۱۹۹۲
۲۲. شورای حقوق بشر، کمیته منع هر نوع تبعیض نژادی گزارش سالانه به اسامبله عمومی سازمان ملل متحد، ۲۶ سپتامبر ۱۹۹۷
23. <https://www.state.gov/documents/organization/269168.pdf>
24. <https://af.usembassy.gov/wp-content/uploads/sites/268/AFGHANISTAN-2017->
25. HUMA
26. <https://photos.state.gov/libraries/afghanistan/941877/Reports/AFGHANISTAN-IRF13.pdf>
27. <https://da.azadiradio.com/a/29628594.html>
28. http://www.bbc.com/persian/afghanistan/2010/02/100221_k02-afghan-local-languages
29. <https://www.vajehyab.com/moein/%D8%AA%D9%85%D8%A7%DB%8C%D8%B2>
30. http://www.dailyafghanistan.com/national_detail.php?post_id=144564

ضمیمه

خاطره‌های برخی از قربانیان تبعیض نژادی در افغانستان

یکی از پرسش‌های سؤال‌نامه تحقیق میدانی، این بود که: شرح یک قضیه یا برخوردی را که شما از تبعیض نژادی تجربه نموده یا از دوستانتان شنیده‌اید، به صورت کوتاه بیان دارید؟

در پاسخ به این پرسش ۷۳۴ نفر که ۲۰.۱٪ کل مصاحبه‌شوندگان را (۳۴۹۸ نفر) تشکیل می‌دهند، تجارب خویش از تبعیض بر اساس قوم، دین، یا مذهب و زبان را بیان نموده‌اند. ۲۷۶۴ نفر (۷۹.۰٪) باقی‌مانده تجربه خاصی در این زمینه نداشته یا از آن یاد نه نموده‌اند.

مرور خاطرات قربانیان تبعیض نژادی، نشان می‌دهد که این پدیده در سطح ملی سراسری بوده و متأسفانه تمام مردم کشور به نحوی در روابط اجتماعی خویش با دیگران و در مراجعه با ادارات، خاطره‌های بدی را از تبعیض نژادی داشته و با این پدیده ناگوار، روبرو بوده‌اند.

بخش عمده‌ی خاطره مربوط به تبعیض قومی، مذهبی و زبانی بوده و بیشتر متوجه کسانی بوده است که به‌عنوان اقلیت در یکی از ولایت‌های کشور، زندگی می‌کرده‌اند. به همین دلیل خاطره‌های که در ولایت‌های شمالی به ثبت رسیده‌اند، عمدتاً توسط مردم غیر از ازیبک و تاجیک که بخش عمده از باشندگان این ولایت‌ها را تشکیل می‌دهند تجربه‌شده و خاطره‌های که در ولایت‌های جنوبی به ثبت رسیده‌اند، عمدتاً توسط مردم غیر پشتون نگاشته شده است.

تجارب مصاحبه‌شوندگان در ادارات این نکته را ثابت می‌کند که تبعیض در ادارات نیز وجود داشته و افراد متعصب با استفاده از موقعیت خویش علیه مراجعه‌کنندگان غیر از قوم، مذهب یا زبان خود، دست به این کار می‌زنند.

خاطرات مصاحبه‌شوندگان این را نیز نشان می‌دهد که در برخی از موارد بر رغم دادخواهی قربانیان توجه که باید به این قضیه، صورت می‌گرفت از سوی نهادهای مربوطه، صورت نگرفته و به شکایت آنان رسیدگی نشده است.

گفتنی است که در این بخش از گزارش صرف تعدادی معدودی از خاطره‌های قربانیان آورده شده است زیرا همان‌گونه که گفته شد، از میان ۳۴۹۸ نفر مصاحبه‌شونده ۷۳۴ نفر آنان تجارب و خاطره‌های خویش از تبعیض نژادی را در پرسشنامه‌ها، درج نموده‌اند که به دلیل حجم زیاد و جلوگیری از آوردن متون تکراری، از درج تمام خاطره‌ها جلوگیری صورت گرفته است.

خاطرات قربانیان نشان می‌دهد که تبعیض نژادی هم در ادارات و هم در اجتماع وجود دارد. تحصیلات عالی، مکاتب، مراکز صحتی، ادارات دولتی و غیردولتی، از مهم‌ترین جاهای است که توسط قربانیان از آن‌ها نام‌برده شده است.

زنی ۲۶ ساله از ولایت بلخ؛

«زمان که به‌منظور استخدام خواهرم در وزارت معارف رفته بودم از سوی ریاست به خاطر متعلق بودنم به یک قوم خاص با الفاظ رکیک مورد توهین قرار گرفتم. حتا به این دلیل، اسناد و مدارک خواهرم را نیز امضاء نکرد.»

مردی ۴۲ ساله از ولایت پنجشیر؛

«زمان که می‌خواستم مکتوب مونوگراف خود را در وزارت تحصیلات عالی ثبت کنم از سوی یکی از مأمورین آن وزارت به دلیل اینکه خودم از پنجشیر بودم مورد تبعیض قرار گرفتم.»

زنی ۴۷ ساله از ولایت سمنگان؛

«ما مردم اصالتاً از هرات هستیم ولی مردم ما را جت و جوگی می‌گویند، در تمام مناطق حتی زنان با ما غذا نمی‌خورند به این فکر که ما مردار یا چتل هستیم. این کار مردم توهین است به ما.»

مردی ۲۹ ساله از ولایت بلخ؛

«از اینکه من از قوم دیگر و مذهب دیگر بودم باوجود که در امتحان کادر علمی دانشگاه بلخ کامیاب گردیده بودم رئیس دانشکده از قوم من نبود، نتایج را لغو و بست‌ها را دوباره به اعلان سپرد. مدت ۸ ماه در وزارت تحصیلات عالی، شورای ولایتی، ریاست اجراییه و معاونیت دوم ریاست جمهوری عریضه نمودم تا اینکه حق خود را به دست آوردم.»

مردی ۲۴ ساله از ولایت غور؛

«برادرم توسط شاگردان مکتب که از قوم دیگر است مورد تبعیض قرار می‌گیرد و بسیاری اوقات منجر به زدوخورد (دعوی) بین شاگردان می‌گردد.»

زنی ۲۳ ساله از ولایت میدان وردک؛

«تبعیض نژادی در کشور زیاد است. مگر نشنیده‌اید که ما مردم را به جرم که از یک قوم خاص هستیم یا مذهب خاص داریم، در ادارات بکار نمی‌گیرند، در مسیر راه‌ها می‌کشند یا گروگان می‌گیرند.»

مردی ۲۸ ساله از ولایت بلخ؛

«برای اجرای ترفیع و خلأهای که در سوانح موجود بود به وزارت معارف ج.ا.ا در سال ۱۳۹۶ مراجعه نمودم در آن اداره وقتی که داخل شدم همه به زبان غیر دری صحبت می‌کردند. من که دری زبان بودم از طرف عده از کارمندان اداره مورد تبعیض قرار گرفتم. افراد که به زبان غیر دری صحبت می‌کردند کارهای شان زودتر از سایر افراد اجرا می‌شد. این یک نوع احساس بد بود که برایم در آن اداره دست داد.»

مردی ۴۱ ساله از ولایت میدان وردک؛

«در محکمه استیناف ولایت بلخ در رابطه به قضیه ملکیت زمین خود، مورد تبعیض قرار گرفتم.»

زنی ۲۷ ساله از ولایت بلخ؛

«از مکتب کمر بند بابه یادگار ترکمنیه به دلیل سنی بودنم منفک شدم.»

مردی ۲۵ ساله از ولایت بامیان؛

«همیشه وقتی برای کار مراجعه می‌کنیم از ما پرسیده می‌شود که از کدام قوم هستی وقتی می‌فهمند که تاجیک هستیم به ما کار نمی‌دهند.»

مردی ۳۰ ساله از ولایت بامیان؛

«سال قبل در جلسه که در یکی از هتل‌ها برگزار شده بود تقریباً ۱۵ نفر یکجا وارد هتل شدیم. دیگران بدون تلاشی وارد شد ولی به من اجازه ندادند چون تاجیک بودم و پکول داشتم. مرا تلاشی کرد و بعد از آن اجازه داد که سخت احساس حقارت کردم.»

مردی ۲۷ ساله از ولایت میدان وردک؛

«در سال ۱۳۹۱ محصل دانشگاه کابل دانشکده علوم اجتماعی بودم به صورت علنی توسط استادان مورد تبعیض قرار می‌گرفتم در این راه بط شاگردان دانشکده از قوم هزاره تحصن عمومی نمودند اما کدام نتیجه حاصل نشد.»

زنی ۲۶ ساله از ولایت بلخ؛

«یکی از دوستانم می‌خواست در معارف معلم شود. برای اینکه از قوم پشتون بود، توسط معارف برایش گفته شد؛ قوم پشتون همیشه می‌خواهند معلم شوند درحالی که سواد زیاد ندارند.»

مردی ۲۷ ساله از ولایت بلخ؛

«در مسجد ملاها بر ضد مذهب شیعه صحبت می‌کند. چندین بار با مردم حرف زد اما به حرفم گوش نکردند.»

مردی ۲۴ ساله از ولایت بلخ؛

«ملیت ترکمن در اقلیت بوده و همیشه از حقوقشان محروم‌اند. به هر جا مراجعه می‌کنیم نیز حرف ما را نمی‌شنوند. تبعیض علیه ما جریان دارد.»

زنی ۱۷ ساله از ولایت سمنگان؛

«اکثراً در کلینیک‌ها به دلیل اینکه از قوم داکتر صاحبان نیستی با مشکل مواجه می‌شوی.»

مردی ۲۶ ساله از ولایت سمنگان؛

«به چندین مورد تبعیض نژادی برخوردیم. در کمیسیون انتخابات امتحان دادم به دلیل این که از قوم ازبک بودم، معرفی نشدم.»

مردی ۴۳ ساله از ولایت سمنگان؛

«در وزارت‌های دفاع و داخله مردم ازبیک را اجازه دخول نمی‌دهند.»

مردی ۲۳ ساله از ولایت جوزجان؛

«سال گذشته از طرف استادان در پوهنتون ناکام شدم. همراه من ده نفر دیگر نیز که تاجیک و پشتون بودیم ناکام شدند. واضح بود که ما مورد تبعیض قرار گرفته بودیم؛ زیرا هم‌صنفی‌های ازبیک ما که از ما ضعیف‌تر بودند، کامیاب گردیدند.»

مردی ۴۵ ساله از ولایت پکتیا؛

«در موتر تکسی در کابل سوار بودم که دو بچه فارسی‌زبان هم سوار شدند. چون من پشتون بودم. با خود می‌گفتند که زبان پشتو، زبان دوزخیان است.»

مردی ۴۲ ساله از ولایت پکتیا؛

«در شفاخانه چهارصد بستر به من تبعیض و توهین شد. یکی از کارکنان شفاخانه به من افغان غول گفت.»

مردی ۲۶ ساله از ولایت پکتیکا؛

«خودم در پوهنتون فاریاب محصل بودم. با من در لیلیه تبعیض می‌کردند. مرا می‌گفتند افغان غول؛ و این تبعیض است.»

مردی ۵۰ ساله از ولایت خوست؛

«می‌خواستم که به حج بروم رفتم تا ثبت‌نام کنم. ولی در ریاست حج و اوقاف ولایت خوست کارم به تعویق انداخته شد از جهت اینکه من از لحاظ نسبی از طایفه کوچی هستم اگر من از طایفه منگل یا از زدران می‌بودم کارم بند نمی‌شد.»

مردی ۴۸ ساله از ولایت خوست؛

«پترسنگ هستم باشنده قریه هندوها. زمین‌های مایان را خوستی‌ها غصب کرده‌اند. به دولت مراجعه نمودیم که ملکیت ما غصب شده است و آن را دوباره به ما تسلیم نماید؛ و اشخاص غاصب را به قانون بسپارند. ولی دولت با ما اقلیت هندو، همکاری نکرد.»

زنی ۲۳ ساله از ولایت دایکندی؛

«برادرم محصل پولی‌تخنیک کابل است از استادان خود شکایت دارد که زیاد به موضوعات قومی دامن می‌زنند به ملیت‌های دیگر مانند هزاره‌ها تعصب نشان می‌دهند به هر طریقی ممکن، باعث خدشه‌دار ساختن روحیه محصل می‌شوند تا مانع پیشرفت در درس‌های محصل گردند.»

مردی ۲۶ ساله از ولایت بدخشان؛

«به تعداد ۲۱ معلم به اتهام معتاد بودن و پیروی از مذهب اسماعیلیه از مکتب منفک شدیم که تا هنوز بی‌سرودست هستیم.»

مردی ۲۷ سال از ولایت ارزگان؛

«در یک اداره دولتی امتحان دادم. موفق شدم. ولی به دلیل تبعیض استخدام نشدم. در ادارات دولتی تبعیض زیاد است.»

مردی ۱۸ ساله از ولایت غور؛

«یک‌تن از عالمان دینی که خطیب یک مسجد در شهر نیز هست. در بسیاری از مجالس و محافل و نیز در فضایی مجازی فیس‌بوک به مسائل مذهبی دامن می‌زد و هیچ‌گاهی ما شاهد مداخله ادارات امنیتی در این زمینه نبوده‌ایم.»

زنی ۲۳ ساله از ولایت غور؛

«خواهرم در بهار سال ۱۳۹۷ در کمیسیون انتخابات امتحان داده بود بآنکه نمره کامیابی داشت اما مسئولین دفتر انتخابات یکی از اقوام خود را در بست مذکور تعیین نمود.»

مردی ۱۷ ساله از ولایت بامیان؛

«چندین بار در مکتب توسط هم‌صنفی‌های خود مورد تبعیض قرار گرفتم در نتیجه یکی از دلایل که مکتب را ترک کردم تبعیض بوده است.»

زنی ۴۵ ساله از ولایت غزنی؛

«دو سال قبل طالبان پسر ایور (برادرشوهر) مرا که جوان بود از مسیر راه قره‌باغ گرفت و با خوردن برد چون ما از قوم دیگر هستیم و مذهب ما فرق می‌کند، اول پول خواستند بعد جنازه‌اش را در دشت (بیابان) پیدا کردند. این تبعیض است یا نه؟»

مردی ۲۷ ساله از ولایت بامیان؛

«پسرم دو سال قبل توسط یک تعداد از شاگردان مکتب لیسه ذکور چندین بار مورد تبعیض و لت‌وکوب قرار گرفته است که در نتیجه پسرم مکتب را ترک نمود از تعلیمات ابتدایی محروم گردیده است.»

زنی ۲۷ ساله از ولایت بامیان؛

«همیشه در مسیر راه به دلیل که از یک مشخص هستیم مورد تهدید هستیم. ما را می‌کشند، سر می‌برند، گروگان می‌گیرند زیرا از یک قوم و مذهب خاص هستیم.»

زنی ۲۸ ساله از ولایت غزنی؛

«در یک اداره دولتی کار می‌کنم، تقریباً ۴ سال است. ولی از بست ۵ ترفیع نکردم در حالی که لیاقتم و کارم برای همه ثابت شده است؛ اما کسانی از دیگر اقوام را می‌بینم که در هر ماه ترفیع می‌کنند. من واقعاً قربانی تبعیض در اداره خود هستم.»

مردی ۴۶ ساله از ولایت غزنی؛

«در جریان یک مسافرت به سوی کابل در میدان شهر موقع نماز خواندن من مهر گذاشته بودم، من مشغول نماز بودم که یک نفر مهر مرا با لگد زد و به دور انداخت، به مذهب و عقاید دینی من توهین نمود.»

مردی ۲۸ ساله از ولایت غزنی؛

«کارمند بالمقطع وزارت ترانسپورت بودم، قرارداد کار را رئیس منابع بشری، رئیس پلان و پالیسی، رئیس مالی واداری و خود وزیر امضاء کرده بودند، ولی در این وزارت معاش یک‌ساله من را ندادند جرم من فقط این بود که از قوم دیگری بودم، به ادارات دیگر از جمله لوی سارنوالی نیز شکایت نمودم. باز چیزی به دست نیاوردم.»

مردی ۳۳ ساله از ولایت غزنی؛

«در جریان یک مسافرت، در مسیر قندهار تا کابل افراد ناشناس منسوب به طالب ما چند نفر را که هزاره بودیم از موتر پیاده نمود، چند شب نزد آن‌ها بودیم و ما را نگهداشتند در این مدت ما را به جرم هزاره و شیعه بودن آزار می‌دادند، توهین و تحقیر می‌کردند.»

زنی ۲۲ ساله از ولایت غور؛

«من بنا بر علاقه‌مندی که در ادبیات پشتو داشتم این رشته را در دارالمعلمین غور، انتخاب کردم. حالا که به منظور ادامه تحصیل به دانشگاه ولایت غور مراجعه می‌کنم برایم می‌گویند که چرا رشته پشتو را انتخاب نمودی.»

زنی ۲۷ ساله از ولایت فاریاب؛

«در یکی از ادارات غیردولتی به منظور گرفتن وظیفه اقدام نمودم. بعد از یک هفته برایم گفته شد؛ تذکره شما تاجک ثبت دارد و ما در این بست صرف از میان قوم ازبیک استخدام می‌کنیم.»

زنی ۲۸ ساله از ولایت فاریاب؛

«شوهرم از قوم ازبیک است و من تاجیک. بعضی اوقات توسط خشو و زنان ایورم (برادرشوهر) مورد توهین و تحقیر قرار می‌گیرم.»

مردی ۲۷ ساله از ولایت فراه؛

«در زمان مکتب از سوی معلمی که از قوم دیگری بود، مورد تبعیض واقع شده و نمراتم کم داده می‌شد.»

مردی ۲۷ ساله از ولایت زابل؛

«چند وقت پیش در یک لیسه تدریس می‌کردم. در یک سیمینار معرفی شدم ولی در هنگام رفتن متوجه شدم که کسی دیگری به جای من

معرفی شده است. دلیل را که متوجه شدم این بود که من فارسی‌زبان بودم.»

مردی ۶۷ ساله از ولایت قندهار؛

«من از طایفه ترک قوم پشتون هستم و در قندهار بیشتر از طایفه اجیکزایی و نورزایی پشتون حاکم‌اند ما واقعاً مورد تبعیض هستیم، ما در اداره‌های دولتی منصب بلند، گرفته نمی‌توانیم.»

مرد ۲۹ ساله از ولایت قندهار؛

«خودم به وزارت صحت عامه جهت اخذ جواز دواخانه مراجعه نمودم در آن وزارت برایم گفته شد که شما از قندهار هستید و به شما جواز داده نمی‌شود این به این معنی بوده که تبعیض داشت.»

مردی ۲۸ ساله از ولایت هلمند؛

«من با یک شخص دعوی حقوقی داشتم اما در محکمه بر اساس که من از طایفه کوچی بودم و طرف دعوی‌ام از دیگر طوایف پشتون، از من حمایت نشد.»

زنی ۳۴ ساله از ولایت کابل؛

«در یکی از مکاتب خصوصی استخدام شدم ولی بعد از اینکه متوجه شدند من از قومی نیستم که مالکان مکتب بودند، مرا اخراج کردند.»

زنی ۳۳ ساله از ولایت کابل؛

یک سال قبل در یک رقابت در وزارت مالیه شرکت نمودم برای مصاحبه مرا خواست. وقتی مصاحبه شروع شد همه به زبان پشتو حرف زدند و من متأسفانه زیاد متوجه نشدم. خواستم به دری حرف بزنم، همه مرا مسخره کردند و از اتاق بیرونم نمودند.

مردی ۴۴ ساله از ولایت کابل؛

«من در یک اداره کار می‌کنم بست من ۵ است. درحالی که من ماستری دارم. ولی آمرم در این بخش تا صنف دوازدهم درس خوانده است. بار، بار تلاش کردم در بست بالاتر راه یابم امتحان هم دادم ولی انتخاب نشدم. دلیلش واضحاً تبعیض نژادی است.»

مرد ۲۳ ساله از ولایت کابل؛

«من دوستی داشتم که خودش از قوم هزاره ولی دختری را از قوم تاجیک دوست داشت. دختر هم او را دوست داشت. ولی وقتی خواستگاری کردند، پدر دختر به این دلیل که هزاره است با ازدواج آن‌ها موافقت نکرد، حالا پسر معتاد شده و دختر هم روانی.»

زنی ۱۶ ساله از ولایت کندز؛

«معلم ما از قوم هزاره است و در صنف شاگردان که از قوم هزاره هست، همیشه تشویق شده و به آنان نمرات بالا می‌دهد.»

مردی ۲۷ ساله از ولایت بغلان؛

«در مقام ولایت بغلان بست‌های خالی که به اعلان گذاشته شده بود بنده دریکی از بست خود را کاندید نمودم و دو نفر دیگر نیز رقیب داشتم پارچه سؤالات را حل نمودم چون من از قوم پشتون بودم مرا منتظر به بست گذاشت و یک رقیب من که دوازده پاس بود و از قوم تاجیک بود وی را کامیاب کردند و بنده دارای درجه لسانس هستم.»

زنی ۲۷ ساله از ولایت بغلان؛

«من در یک دفتر امتحان داده و کامیاب شدم. از اینکه من پشتون بودم مرا استخدام نکردند.»

مردی ۵۰ ساله از ولایت تخار؛

«روزی یکی از دوستان از بیک مرا برای خواستگاری دختری از دوستان یا بهتر بگویم همشهریان تاجیک فرستاد. پدر دختر علاوه بر اینکه از دادن دخترش ابا ورزید علت آن را نیز با این جمله روشن ساخت؛ اصلاً وجدانم برایم اجازه نمی‌دهد که با از بیک خویشی کنم.»

مردی ۲۶ ساله از ولایت پکتیا؛

«در وزارت تحصیلات عالی کار داشتم. پیش هر مأموری که می‌رفتم برای من می‌گفت که پیش‌تر برو تا اینکه پس به نفر اول رسیدم موضوع را متوجه شدم، چون من به زبان پشتو حرف می‌زدم کار مرا اجرا نمی‌کردند، وقتی به زبان دری صحبت نمودم کار مرا اجرا کردند.»

مرد ۲۷ ساله از ولایت ننگرهار؛

«بنده نسبت به اینکه از ولسوالی خیوه ولایت ننگرهار هستم و از قوم پشه‌ای هستم در ولایت ننگرهار به اسم شاری یاد می‌شوم که این خود یک نوع توهین به قوم و زبان من می‌باشد.»

زنی ۲۶ ساله از ولایت ننگرهار؛

«در سایت اکبر بست‌های معلمی مکاتب دولتی اعلان گردیده بود. من هم ثبت‌نام کردم در یکی از مکاتب می‌خواستم در رشته کیمیا استاد باشم. در امتحان سؤال‌هایم را به‌درستی حل کردم و نمره بلند گرفتم؛ اما روزی که نتایج اعلان گردید، عوض من کسی دیگری مقرر گردیده که از رشته تاریخ فارغ گردیده. درحالی‌که من رشته کیمیا را خوانده بودم. ولی چون از قوم دیگری بودم مرا معرفی نکردند.»

مردی ۴۳ ساله از ولایت ننگرهار؛

«بنده در دفتر خویش بنا بر تبعیض زبانی از امتیازات مالی و معنوی محروم شده‌ام.»

زنی ۴۰ ساله از ولایت کنر؛

«در کابل در جریان یک کارگاه آموزشی که توسط وزارت امور زنان تدویر گردیده بود، به دلیل اینکه پشتون بودم، مورد تبعیض سمتی و زبانی قرار گرفتم.»

زنی ۲۷ ساله از ولایت کنر؛

«در وزارت خارجه در ریاست ارزیابی اسناد، نسبت به زبان و سمت توسط مأمور پایین رتبه آن وزارت مورد تبعیض قرار گرفتم.»

مردی ۲۶ ساله از ولایت کنر؛

«در وزارت معارف ایفای وظیفه می‌کردم. اکثر اوقات توسط بعضی از کارمندان آن وزارت، به اساس قوم و زبان مورد تبعیض قرار می‌گرفتم.»

زنی ۲۳ ساله از ولایت هرات؛

«ما اصلاً از ولایت دیگری هستیم. وقتی به زبان خود حرف می‌زنیم مردم محل ما را مسخره می‌کنند.»

مردی ۲۵ ساله از ولایت هرات؛

«در این ولایت تبعیض قومی و مذهبی وجود دارد، به‌غیر از مردم هرات دیگر مردم فرصت کمتر دارند و در ادارات به مشکل جذب می‌شوند. خودم دو مورد امتحان دادم ولی موفق نشدم زیرا از مردم هرات نیستم.»

مردی ۲۵ ساله از ولایت هرات؛

«در هنگام ماه محرم از طرف برخی از مردم هرات توهین می‌شویم.»

مردی ۳۰ ساله از ولایت هرات؛

«در یکی از شب‌ها دو سال قبل وقتی از مرکز شهر هرات در حال عبور بودم پولیس امنیت ملی وقتی با چراغ دستی‌اش به صورتم نگاه کرد مرا خطاب کرد که تو هزاره هستی و باز در این وقت شب در اینجا راه می‌روی؟ او قصد توهین داشت.»

مردی ۲۴ ساله از ولایت هرات؛

«وقتی وارد دانشگاه شدم یکی از استادان به این دلیل که از یک قوم خاص بودم بارها مرا تهدید به ناکام ماندنم نموده و مرا تحقیر می‌کرد.»

زنی ۲۷ ساله از ولایت هرات؛

«من لیسانس علوم اجتماعی دارم. وقتی اعلانی را از تلویزیون شنیدم که یکی از مکاتب خصوصی در هرات، معلم اجتماعیات لازم دارد. من رفتم و درخواست خود را بردم. چون هزاره و شیعه نبودم از پذیرفتن درخواستم مسئولین آن مکتب معذرت خواستند.»